



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

الممّك

نشانه‌هایی از مهدی

پاسخ امامان به سوالات شیعیان

پیرامون امام زمان

احمد سعیدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشانه هایی از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	نشانه هایی از مهدی علیه السلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۲	اشاره
۲۲	مقدمه
۲۶	فصل اول: تفسیر آیات مهدوی
۲۶	اشاره
۲۷	اشاره
۲۷	مراد از غیب در آیه کیست؟
۲۸	ناقور چیست؟
۲۹	روز ظهور دین ناب محمدی صلی الله علیه وآله چه موقع است؟
۳۰	مراد از نشان دادن آیات خدا چیست؟
۳۱	سرنوشت مشرکان در زمان ظهور چگونه است؟
۳۲	تفسیر لیل و نهار چیست؟
۳۳	ماء معین یعنی چه؟
۳۳	سؤال اول
۳۳	سؤال دوم
۳۴	مراد از غاشیه چیست؟
۳۵	هر کسی با امام خود محشور می شود
۳۶	مراد از نعمت باطنی کیست؟
۳۸	مَثَل امام در قرآن چیست؟
۳۸	دل مشغولی شیعه چیست؟
۴۰	زمان اطاعت همگانی؟
۴۲	فصل دوم: سؤال مهدوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

- ۴۲ اشاره
- ۴۳ هدیه و تحفه خدا به پیامبرش چه بود؟
- ۴۴ فرزند پیامبر کیست؟
- ۴۶ ناراحتی پیامبرصلی الله علیه وآله برای چه بود؟
- ۴۷ پیامبرصلی الله علیه وآله برای چه موضوعی گریه کرد؟
- ۵۰ امام صالح کیست؟
- ۵۰ سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل اهل سنت
- ۵۲ فصل سوم: زمان و چگونگی ولادت پنهانی
- ۵۲ اشاره
- ۵۳ مقدمه
- ۵۳ امام صادق علیه السلام و زمان تولد حضرت قائم علیه السلام
- ۵۴ ماجرای ولادت از زبان عمه
- ۶۶ چرا تولد و زندگی مخفیانه!
- ۶۷ مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟
- ۶۸ چه کسانی امام زمان علیه السلام را زیارت کرده اند؟
- ۶۸ الف) دیدار یارا!
- ۶۹ ب) دیدار ماه تابان
- ۷۱ آیا کودک هم می تواند امام شود؟
- ۷۲ فرزند خیره الاماء کیست؟
- ۷۴ فصل چهارم: شناخت امام زمان علیه السلام
- ۷۴ اشاره
- ۷۵ شناخت دوازدهمین حجّت خدا
- ۷۶ دین الهی چگونه ظاهر می شود؟
- ۷۷ سؤال عمر بن خطاب چه بود؟
- ۷۸ امام حسین علیه السلام پیرامون صاحب الامر چه فرمود؟
- ۷۸ امام صادق علیه السلام و تصریح به مهدی موعود؟

- ۸۱ آیا امام کاظم علیهما السلام قائم بوده است؟
- ۸۲ پنجمین از هفتمین یعنی چه؟
- ۸۳ خلف مأمول فرزند کیست؟
- ۸۳ شاه عبدالعظیم حسنی در مورد قائم چه پرسید؟
- ۸۵ سؤال دیگر شاه عبدالعظیم حسنی چه بود؟
- ۸۷ علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام چه پرسید؟
- ۸۷ خبر امام هادی علیه السلام در مورد مهدی علیه السلام
- ۸۸ اشاره امام حسن عسکری علیه السلام
- ۹۰ فصل پنجم: اوصاف و شباهت ها
- ۹۰ اشاره
- ۹۱ شباهت امام زمان علیه السلام به پیامبران علیهم السلام
- ۹۲ وجود اوصاف پیامبران الهی در موعود الهی
- ۹۴ شباهت مهدی علیه السلام به یوسف علیه السلام چیست؟
- ۹۶ فصل ششم: مفهوم قائم و قیام
- ۹۶ اشاره
- ۹۷ لقب «قائم» را چه کسی انتخاب کرد؟
- ۹۸ قائم و مهدی یعنی چه؟
- ۹۹ تفسیر قائم و منتظر چیست؟
- ۱۰۰ قائم آل محمد چه کسی است؟
- ۱۰۲ صاحب الامر کیست؟
- ۱۰۲ ستارگان آسمان ولایت و امامت
- ۱۰۳ چرا بعضی از امامان قیام نکردند؟
- ۱۰۴ علامت قائم چیست؟
- ۱۰۶ فصل هفتم: غیبت طولانی
- ۱۰۶ اشاره
- ۱۰۷ علت غیبت چیست؟

- ۱۰۸ ----- غیبت برای کدام یک از معصومین علیهم السلام رخ می دهد؟
- ۱۰۹ ----- آیا غیبت مهدی علیه السلام حتمی است؟
- ۱۰۹ ----- چرا مهدی علیه السلام غایب شده است؟
- ۱۱۰ ----- حکمت غیبت امام علیه السلام چیست؟
- ۱۱۱ ----- امام زمان علیه السلام چرا غایب شدند؟
- ۱۱۲ ----- امام غایب چگونه ولایت و روشنی می بخشد؟
- ۱۱۳ ----- امام غایب و خورشید پشت ابر!
- ۱۱۴ ----- آیا دشمنی با امام نیز علت غیبت است؟
- ۱۱۶ ----- آن ناشناس را چه بنامیم؟
- ۱۱۶ ----- آن ناپیدا کیست؟
- ۱۱۷ ----- چرا غیبت طولانی شده است؟
- ۱۱۷ ----- آیا امتحان و آزمایش مردم هم از علل غیبت است؟
- ۱۱۸ ----- آن تنهای غریب!
- ۱۱۸ ----- مدت حیرت و غیبت چقدر است؟
- ۱۱۹ ----- چگونه به مهدی علیه السلام سلام کنیم؟
- ۱۲۰ ----- دعای زمان غیبت چیست؟
- ۱۲۲ ----- ندبه امام صادق علیه السلام در فراق مهدی علیه السلام
- ۱۳۰ ----- فصل هشتم: فرج و انتظار
- ۱۳۰ ----- اشاره
- ۱۳۱ ----- فضیلت انتظار فرج چیست؟
- ۱۳۲ ----- پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد چیست؟
- ۱۳۲ ----- رابطه فرج و انتظار چیست؟
- ۱۳۳ ----- انتظار یعنی جهاد
- ۱۳۴ ----- برادران پیامبر چه اوصافی دارند؟
- ۱۳۵ ----- برترین عبادت کدام است؟
- ۱۳۹ ----- باید منتظر باشید!

- ۱۴۱ ----- فرج چه موقع است؟
- ۱۴۲ ----- فرج سریع و نزدیک است
- ۱۴۴ ----- فصل نهم: علائم و نشانه های ظهور
- ۱۴۴ ----- اشاره
- ۱۴۵ ----- نشانه های پنجگانه ظهور چیست؟
- ۱۴۷ ----- نشانه های قبل از ظهور چیست؟
- ۱۴۸ ----- نشانه های حتمی ظهور
- ۱۴۹ ----- نشانه های بی سابقه و بی نظیر
- ۱۵۰ ----- نشانه هایی دیگر
- ۱۵۱ ----- نشانه ها و پیش گویی های پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۵۲ ----- آیا پیش بینی ها واقع شده است؟
- ۱۵۳ ----- پیش گویی و خبر امام حسین علیه السلام چه بود؟
- ۱۵۳ ----- ظلم و فساد همه جا را فرا می گیرد
- ۱۵۵ ----- برخی دیگر از نشانه ها
- ۱۵۵ ----- سؤال اول
- ۱۵۵ ----- سؤال دوم
- ۱۵۶ ----- سؤال سوم
- ۱۵۷ ----- سؤال چهارم
- ۱۵۸ ----- سؤال پنجم
- ۱۵۸ ----- سؤال ششم
- ۱۵۹ ----- خلاصه برخی از نشانه ها
- ۱۶۲ ----- فصل دهم: زمان ظهور
- ۱۶۲ ----- اشاره
- ۱۶۳ ----- زمان ظهور چه موقع است؟
- ۱۶۳ ----- جمعیت جهان در زمان ظهور؟
- ۱۶۴ ----- زمان ظهور بعد از غربال شدن مردم است؟

- چرا وقت ظهور معلوم نیست؟ ۱۶۴
- فصل یازدهم علیهم السلام بعد از ظهور ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند؟ ۱۶۹
- منزل و مأوای مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟ ۱۷۰
- اقدامات حضرت مهدی علیه السلام چه خواهد بود؟ ۱۷۱
- سیره و روش صاحب الزمان علیه السلام چگونه است؟ ۱۷۳
- سؤال اول ۱۷۳
- سؤال دوم ۱۷۴
- سؤال سوم ۱۷۴
- روش قضاوت امام زمان علیه السلام چگونه است؟ ۱۷۵
- آیا زندگی بعد از ظهور همه اش آسایش و رفاه است؟ ۱۷۶
- سختی های بعد از ظهور چیست؟ ۱۷۷
- درباره مرکز ۱۷۹

سرشناسه: سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: نشانه هایی از مهدی علیه السلام: پاسخ امامان به سوالات شیعیان پیرامون امام زمان علیه السلام / احمد سعیدی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۶۷ص.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۷۳-۱۱۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۶.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: عنوان دیگر: نشانه هایی از مهدی علیه السلام.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: نشانه هایی از مهدی علیه السلام.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه های قرآنی

رده بندی کنگره: BP۵۱/۳۵/س۷ن۵ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۳۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صَلَّى اللهُ على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين و لعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين.

آخرین پیامبر الهی در اولین جلسه ابلاغ رسالت در حضور اقوام و عشیره خود که به دستور خداوند متعال برگزار گردید، در کنار اصل های اساسی دین اسلام؛ یعنی توحید و نبوت، مسئله امامت و جانشینی خود را نیز مطرح فرمود. بنابراین سه اصل اساسی توحید و نبوت و امامت، از همان روز اول ابلاغ رسالت در کنار یکدیگر مطرح شد.

پیامبر خداصلی الله علیه و آله در آن جلسه فرمود هر کدام از شما که زودتر به خدا و من ایمان بیاورد او وصی و خلیفه و جانشین من خواهد بود. تنها کسی که در آن جمع حدود چهل نفری اعلام آمادگی کرد، امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه بار سخن خود را تکرار کرد؛ ولی کسی جز امام علی علیه السلام درخواست آن حضرت را اجابت نکرد؛ لذا فرمود: همه بدانید که این علی وصی و خلیفه من

بر شماسست. اتفاقاً برخی از حاضران با تمسخر به ابوطالب گفتند از این به بعد باید از پسرت اطاعت کنی.

به هر حال مسئله خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله از همان ابتدای بعثت و تبلیغ رسالت، در کنار توحید و نبوت و دوشادوش هم مطرح بود؛ اگر چه بعداً پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، تعداد و اسامی و خصوصیات جانشینان و امامان را نیز بیان فرمودند که دوازده نفرند و به احادیث ۱۲ خلیفه در بین روایات شیعه و سنی معروف است.

بیان این مطالب مسلمانان را به پرس و جو واداشت؛ چنان که در روایات فراوانی می بینیم؛ چه از شیعه و چه از اهل سنت، همواره از پیامبر و امامان علیهم السلام در این مورد سؤال کرده اند که نام او چیست؟ فرزند کیست؟ چه موقع متولد می شود؟ آیا غایب خواهد شد؟ چه موقع ظهور خواهد کرد؟ و از این قبیل سؤالات که حضرات معصومین علیهم السلام نیز با توجه به شرایط آن زمان جواب می دادند.

پیرامون امام زمان علیه السلام در موضوعات مختلف، سؤالات و شبهات فراوانی مطرح شده و جواب آن نیز داده شده و کتاب های متعددی نیز در این زمینه (خصوصاً توسط انتشارات مسجد مقدّس جمکران) چاپ شده است؛ لکن آنچه ما در این کتاب دنبال نموده ایم، فقط سؤالاتی است که اصحاب پیامبر و امامان علیهم السلام از آن حضرات پرسیده اند و ایشان نیز جواب داده اند، توفیق شد تا برخی از این سؤال و جواب ها را که به صورت حدیث و روایت در کتب روایی شیعه و سنی ثبت شده را جمع آوری و جهت مشتاقان امام زمان علیه السلام که کمتر به

کتاب مرجع روایی دسترسی دارند در اختیار آنان قرار دهیم. امید است مورد قبول حضرت ولی عصر علیه السلام و پسند منتظران آن حضرت قرار گیرد.

و اینک در ایام فاطمیه که در مسجد مقدس جمکران نشسته ام، یاد حضرت امام خمینی رحمه الله و شهدای گران قدر انقلاب و جنگ؛ خصوصاً هم‌زمان شهیدم: عبدالله ذوالفقاری، شیخ ابوالقاسم صفّاری، مهدی صفّار، منصور مرادی، بشیر باقری، محسن متولی، مصیب رفعتی و جواد خدای را گرامی داشته، برای سرافرازی نظام اسلامی ایران و سلامتی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «حفظ الله» دعا می‌کنیم.

در پایان از مدیریت محترم انتشارات مسجد مقدّس جمکران، حجت الاسلام والمسلمین حسین احمدی قمی «دام عزّه» که زمینه چاپ این اثر را فراهم نمودند و نیز از همکاری برادران واحد پژوهش؛ به خصوص برادر گرامی جناب آقای رضا دیلمی تشکر و قدردانی می‌شود.

تابستان ۱۳۸۶

شهر مقدّس قم

احمد سعیدی

ص: ۱۳

آیات متعددی در قرآن کریم است که به وجود مقدس امام زمان علیه السلام و غیبت و قیام ایشان اشاره نموده که با تبیین پیامبر و امامان علیهم السلام و سؤالات متعدد اصحاب و شیعیان از ایشان برای ما روشن می شود. در این قسمت چند مورد از آن آیات را که شیعیان سؤال کرده اند، با جواب امامان علیهم السلام می آوریم.

مراد از غیب در آیه کیست؟

یحیی بن ابوالقاسم می گوید: در مورد تفسیر آیات شریفه «الم * ذَلِكِ الْكِتَابُ لِمَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» (۱) از امام صادق علیه السلام سؤال کردم، آن حضرت فرمود:

«الْمُتَّقُونَ شِيعَةُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْغَيْبُ فَهُوَ الْحُجَّةُ الْغَائِبُ وَ شَاهِدُ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلُوبُنَا سَاهِوَةٌ إِنَّ مَا الْغَيْبُ لِلَّهِ

ص: ۱۶

۱- ۱. سوره بقره، آیه ۱ و ۲. «الم، آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. {پرهیزکاران} کسانی هستند که به غیب [آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند».

فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»؛ (۱)

«مراد از متقون، شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و منظور از غیب همان امام غایب است و شاهد این ادعا سخن خداست که می فرماید: بگو: غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است! شما در انتظار باشید، من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار مجازات شما!)»

ناقور چیست؟

سؤال بعدی در مورد آیه شریفه «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» (۲) است که این سؤال طبق نقل مفضل، از امام صادق علیه السلام پرسیده شده است که منظور از این آیه چیست؟ و ناقور یعنی چه که در آن دمیده می شود؟ آن حضرت فرمودند:

«إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّسْتَتِرًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَّتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ (۳)

«همانا از ماست امامی که مخفی خواهد بود، پس هرگاه خداوند برای ظهورش اراده بفرماید در دلش خواهد انداخت، پس ظهور خواهد کرد و به امر خداوند متعال قیام می نماید».

ص: ۱۷

۱- ۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۲ به نقل از کمال الدین.

۲- ۳. سوره مدثر، آیه ۸: هنگامی که در «صور» دمیده شود.

۳- ۴. کافی، ج ۱، ص ۳۴۳ / غیبت طوسی، ص ۱۶۴ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۸ / غیبت نعمانی، ص ۱۸۷ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۴۹.

روز ظهور دین ناب محمدی صلی الله علیه وآله چه موقع است؟

ابوبصیر که از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق علیهما السلام می باشد، می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱) به چه معناست؟

فرمود: به خدا قسم که هنوز تأویل این آیه نیامده است.

گفتم: پس چه موقع خواهد بود؟ آن حضرت جواب دادند:

«حَتَّىٰ يَوْمَ الْقَائِمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ، حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتِ الصَّخْرَةُ: يَا مُؤْمِنُ! فِي بَطْنِي كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فَأَقْتُلْهُ. قَالَ: فَيَنْحِيهِ اللَّهُ، فَيَقْتُلُهُ»؛ (۲)

«آن گاه که قائم قیام کند، ان شاء الله، پس هرگاه قائم ظهور کند هیچ کافر و مشرکی نخواهد بود جز این که از ظهور آن حضرت ناراحت است؛ لذا اگر یک شخص کافر یا مشرکی حتی در زیر صخره سنگی هم باشد، آن صخره ندا می کند: ای مؤمن! در زیر من مشرک و کافر است، بیا و او را بکش.

پس خداوند او را بیرون می آورد و به قتل می رساند».

ص: ۱۸

۱- ۵. سوره توبه، آیه ۳۳: او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند،

هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

۲- ۶. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۰ / جامع الفوائد.

مراد از نشان دادن آیات خدا چیست؟

سؤالی دیگر از ابوبصیر که از امام صادق علیه السلام پرسیده است و آن هم در مورد آیه شریفه «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (۱) که امام صادق علیه السلام جواب فرمودند:

«يَرِيهِمْ فِي أَنْفُسِهِمُ الْمَسْحَ وَيَرِيهِمْ فِي الْأَفَاقِ انْتِقَاصَ الْأَفَاقِ عَلَيْهِمْ فَيَرُونَ قُدْرَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي الْأَفَاقِ. قُلْتُ لَهُ: حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ؟»

قَالَ: خُرُوجُ الْقَائِمِ هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَرَاهُ الْخَلْقُ لَا بُدَّ مِنْهُ؛ (۲)

«خداوند مسخ شدن را در دل آنان می نمایاند و در آفاق نیز تغییر قانون طبیعت را خواهند دید. پس قدرت خدا را می بینند، هم در دل خودشان وهم در آفاق.»

عرض کردم: معنای «حتیٰ یَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» چیست؟

فرمود: ظهور و قیام قائم حق از جانب خداست و این برای مردم روشن خواهد شد و آن را خواهند دید.»

ص: ۱۹

۱- ۷. سوره فصلت، آیه ۵۳: به زودی نشانه های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن ها نشان می دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است.

۲- ۸. غیبت نعمانی، ص ۲۶۹ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۲ / کافی، ج ۸، ص ۳۸۹.

سر نوشت مشرکان در زمان ظهور چگونه است؟

همه جهان و جهانیان مخلوق خدایند، پس باید به دین خدا که دین اسلام است داخل شوند(۱)؛ اما آنان که زیر بار حق نمی روند و به شرک و کفر خود ادامه می دهند، نباید بر روی زمین زندگی کنند، لذا قرآن می فرماید باید با همه آنان بجنگید؛ اما این جنگ چه موقع خواهد بود و چه موقع باید همه مشرکان را کشت؟ این را از امام پرسیده اند. جریان آن را امام صادق علیه السلام نقل می فرماید که شخصی از پدرم امام باقر علیه السلام در مورد آیه «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً...»(۲) سؤال نمود، پدرم فرمود:

«لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَوْ قَدْ قَامَ قَائِمًا سَيَرَى مَنْ يَدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَلَيُبَلِّغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ»؛(۳)

«هنوز زمان تأویل و مصداق این آیه فرا نرسیده است؛ آن گاه که قائم ما قیام کند، هر کسی که او را درک کند، حتماً تأویل این آیه را خواهد دید و دین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به همه جا گسترش پیدا خواهد کرد و روی زمین کسی نخواهد ماند که مشرک به خدا باشد چنان که خداوند فرمود».

ص: ۲۰

۱- ۹. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... (سوره آل عمران: آیه ۱۹).

۲- ۱۰. سوره توبه، آیه ۳۶: با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان گونه که آن ها دسته جمعی با شما پیکار می کنند... .

۳- ۱۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳ و ج ۲، ص ۵۶.

تفسیر لیل و نهار چیست؟

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ * وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ» (۱) پرسید، آن حضرت فرمود:

«الَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِي غَشَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ لَهُ عَلَيْهِ وَأَمْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَصْبِرَ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقُضِي.»

قَالَ: وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى؟

قَالَ: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ وَالْقُرْآنُ ضَرَبَ فِيهِ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَخَاطَبَ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِهِ وَنَحْنُ [نَعْلَمُهُ] فَلَيْسَ يَعْلَمُهُ غَيْرُنَا؛ (۲)

«منظور از لیل در این مورد دوم امیرالمؤمنین علیه السلام است که در دولت ظالمان بر او گذشت که نور او خاموش گشت و آن حضرت مأمور شد که صبر کند تا زمانش بگذرد.»

سؤال کرد: والنهار اذا تجلّى یعنی چه؟

فرمود: نهار همان قائم از ما اهل بیت است، آن گاه که قیام کند، بر دولت باطل غالب می شود.

خداوند در قرآن برای مردم ضرب المثل آورد و پیامبرش را و ما را به آن خطاب فرموده و غیر از ما کسی آن را نمی داند.»

ص: ۲۱

۱-۱۲. سوره لیل، آیه ۱ و ۲.

۲-۱۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۹ / تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۰ که در این کتاب به جای الثانی، فلان، آمده است.

سؤال اول

فضاله بن ایوب می گوید: از امام رضاعلیه السلام سؤال شد: منظور از این آیه شریفه چیست؟

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»؛ (۱)

«بگو: به من خبر دهید اگر آب های (سرزمین) شما در زمین فرو رود، چه کسی می تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟!»

حضرت فرمود:

«مَاؤُكُمْ أَبْوَابُكُمْ (ای) الْأَنْمَةُ وَاللَّائِمَةُ أَبْوَابُ اللَّهِ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ يَعْنِي يَأْتِيكُمْ بِعِلْمِ الْإِمَامِ»؛ (۲)

«منظور از آب شما، ابواب شماست؛ یعنی امامان شما که ایشان همانا ابواب خدا هستند و غیر از آنان کسی نمی تواند علم ایشان را برای شما بیاورد.»

سؤال دوم

همین مطلب را علی بن جعفر برادر امام موسی کاظم علیه السلام نیز از آن حضرت پرسیده که آن جناب فرمودند:

«إِذَا فَقَدْتُمْ إِمَامَكُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ فَمَاذَا تَصْنَعُونَ»؛ (۳)

ص: ۲۲

۱- ۱۴. سوره ملک، آیه ۳۰.

۲- ۱۵. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۰ و ج ۲۴، ص ۱۰۰ / تفسیرقمی، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳- ۱۶. غیبت طوسی، ص ۱۶۰ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۰.

«آن گاه که امام خود را از دست دادید و او را ندیدید، پس چه خواهید کرد؟»

مراد از غاشیه چیست؟

محمد بن سلیمان می گوید: پدرم در مورد آیه شریفه «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ»^(۱) از امام صادق علیه السلام پرسید، آن حضرت جواب دادند:

«يُعْشَاهُمْ الْقَائِمُ بِالسَّيْفِ»

قَالَ: قُلْتُ: وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ؟

قَالَ: يَقُولُ: خَاضِعَةٌ لَأَنْ تَطِيقُ الْإِمْتِنَاعَ.

قَالَ: قُلْتُ: عَامِلَةٌ؟

قَالَ: عَمِلَتْ بِغَيْرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

قُلْتُ: نَاصِبَةٌ؟

قَالَ: نَصَبُ غَيْرِ وُلَاهِ الْأَمْرِ.

قَالَ قُلْتُ: تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً؟

قَالَ: تَصَلِي نَارَ الْحَرْبِ فِي الدُّنْيَا عَلَى عَهْدِ الْقَائِمِ وَفِي الْآخِرَةِ نَارَ جَهَنَّمَ»؛^(۲)

«مراد قائم است که با شمشیر خواهد آمد و ظالمان را احاطه خواهد کرد.»

ص: ۲۳

۱- ۱۷. سوره غاشیه، آیه ۱.

۲- ۱۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۰ / ثواب الاعمال.

گفتم: وجوه یومئذ خاشعه یعنی چه؟

فرمود: همه برای قائم خاضع می شوند؛ به گونه ای که کسی قدرت نافرمانی ندارد.

عرض کردم: عامله یعنی چه؟

فرمود: به غیر از آنچه که خداوند نازل کرده عمل می کنند.

گفتم: ناصبه یعنی چه؟

فرمود: کسانی منصوب شدند که لایق نبودند.

گفتم: تصلی ناراً حامیه چیست؟

فرمود: آتش دنیا، مراد سوزش شمشیر قائم است و در آخرت، آتش جهنم است».

هر کسی با امام خود محشور می شود

این عبارت مضمون آیه قرآن است که فضیل بن یسار نقل می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: منظور از آیه شریفه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» (۱) چیست؟

آن جناب فرمودند:

«يَا فَضِيلُ! إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ إِمَامَكَ لَمْ يَضُرَّكَ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ

ص: ۲۴

۱- ۱۹. سوره اسراء، آیه ۷۱. «(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می خوانیم!»

كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لَوَائِهِ.

قَالَ: وَرَوَاهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا بِمَنْزِلِهِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ (۱)

«ای فضیل! تو امام خود را بشناس، چون اگر امام خویش را شناختی، برایت ضرری نخواهد بود که این امر زودتر شود یا تأخیر افتد و هر که امام خود را بشناسد آن گاه بمیرد قبل از آن که صاحب الامر ظهور کند، به منزله کسی خواهد بود که در لشکر آن حضرت حاضر شده باشد؛ خیر، بلکه به منزله کسی است که زیر پرچم خاص آن حضرت باشد.»

می گوید: برخی روایت کرده اند: بلکه به مانند کسی است که به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده است.

مراد از نعمت باطنی کیست؟

محمد بن زیاد ازدی می گوید: از آقا امام کاظم علیه السلام پرسیدم: منظور این آیه چیست «... وَأَشْبَحَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ...»؟ (۲)

آن حضرت فرمود:

«النَّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ الْإِمَامِ الظَّاهِرُ وَالْبَاطِنَةُ الْإِمَامِ الْغَائِبُ.»

فَقُلْتُ لَهُ: وَيَكُونُ فِي الْأَيْمَةِ مَنْ يَغِيبُ؟

ص: ۲۵

۱- ۲۰. کافی، ج ۱، ص ۳۷۱ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱ / غیبت نعمانی، ص ۳۲۹.

۲- ۲۱. سوره لقمان، آیه ۲۰. «و نعمت های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است.»

«مراد از نعمت ظاهره، امام ظاهر است و نعمت باطنی، امام غایب است.»

گفتم: مگر بین امامان کسی غایب هم خواهد شد؟

قَالَ: نَعَمْ يَغِيْبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيْبُ عَنْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنْهَا يَسْهَلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيْرٍ وَيَذَلُّ لَهُ كُلَّ صَيْغَبٍ وَيُظْهِرُ لَهُ كُنُوْزَ الْأَرْضِ وَيَقْرُبُ لَهُ كُلَّ بَعِيْدٍ وَيَبِيْرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيَهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيْدٍ ذَاكَ ابْنُ سَيِّدِهِ الْإِمَامِ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتْهُ وَلَا يَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِيْتُهُ حَتَّى يَظْهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ (۱)

فرمود: آری، شخص او از دیدگان مردم غایب می شود؛ اما یاد او از دل های مؤمنان فراموش نمی گردد، او دوازدهمین امام از ماست، خداوند متعال هر مشکلی را برایش آسان خواهد کرد، هر سرسختی و (جباری) را در مقابل او رام گرداند، گنج های زمین را برایش ظاهر سازد، هر دوری را برایش نزدیک کند و تمام جباران و معاندان را به وسیله او هلاک کند، و به وسیله او هر شیطان متمردی را نابود سازد. او فرزند بهترین کنیزان است که ولادتش از مردم مخفی بماند و نام بردنش نیز حلال نباشد. تا آن گاه که خداوند وی را ظاهر کند و زمین را توسط وی پر از عدل و داد نماید چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.»

ص: ۲۶

مثل امام در قرآن چیست؟

علی بن خطاب از مؤذن مسجد احمر نقل کرده که می گوید: از امام صادق علیه السلام پیرامون قائم علیه السلام پرسیدم که آیا در قرآن کریم، شاهد و مثل و ماندنی برای ایشان وجود دارد؟ آن حضرت فرمود:

نَعَمْ، آيَةُ صَاحِبِ الْحِمَارِ أَمَاتُهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ؛^(۱)

آری، صاحب الحمار (پیامبری به نام عَزْریر) است که خداوند متعال او را برای صد سال میراند و سپس وی را برانگیخت.^(۲)

دل مشغولی شیعه چیست؟

ام هانی ثقفیه می گوید: صبح یک روزی به محضر مولایم امام باقر علیه السلام

ص: ۲۷

۱- ۲۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵.

۲- ۲۴. بقره / ۲۵۹؛ «أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُمْ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ یا همانند کسی که از کنار یک آبادی {ویران شده} عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقف ها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوان های اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا این ها را پس از مرگ، زنده می کند؟!» (در این هنگام)، خدا او را یک صد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یک صد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سال ها) هیچ گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسد شدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای این که تو را نشانه ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوان های) مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آن ها را برداشته، به هم پیوند می دهیم، و گوشت بر آن می پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می دانم خدا بر هر کاری توانا است.»

رسیدم و عرض کردم: ای آقای من! آیه ای از قرآن کریم است که دل مرا مشغول کرده و شب مرا بیدار نگه داشته است.

آن جناب فرمود: پرس ای امّ هانی!

گفتم: در مورد این سخن خدا که: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ * الْجَوَارِ الْكُنَّسِ» بفرمایید.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«نِعْمَ الْمَسْأَلَةُ سَيِّئَاتِي يَا أُمَّ هَيَّانِي! هَذَا مَوْلُودٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، هُوَ الْمَهْدِيُّ مِنْ هَيْدِهِ الْعُتْرَةُ، تَكُونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَعَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَهْتَدِي فِيهَا أَقْوَامٌ، يَا طُوبَى لَكَ إِنْ أَدْرَكْتَهُ وَيَا طُوبَى مَنْ أَدْرَكَهُ!»؛ (۱)

«خوب مسأله ای را پرسیدی ای امّ هانی! این مولودی است که در آخرالزمان خواهد آمد، او مهدی است و از عترت آل محمّد علیهم السلام می باشد. برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که برخی از اقوام گمراه می شوند و برخی نیز هدایت می گردند. پس خوشا به حال تو اگر او را درک کردی، و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند».

«يَا أُمَّ هَيَّانِي إِمَامٌ يَخْنُسُ نَفْسَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ النَّاسِ عِلْمُهُ سَيِّئَةٌ وَمِثْلَيْنِ ثُمَّ يَبْدُو كَالشُّهَابِ الْوَاقِدِ فِي اللَّيْلِ الظُّلَمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكَتِ ذَلِكَ الزَّمَانَ قَرَّتْ عَيْنَاكَ»؛ (۲)

ص: ۲۸

۱- ۲۵. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۷ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲- ۲۶. غیبت نعمانی، ص ۱۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۸.

«مراد امامی است که غایب می شود و علم او در سال ۲۶۰ ه.ق. از مردم منقطع می گردد، اما سپس همانند شهاب سوزان و درخشان در شب بسیار تاریک ظاهر خواهد شد. و تو اگر آن زمان را درک کردی چشمانت روشن باد».

زمان اطاعت همگانی؟

ابن بکیر می گوید از امام کاظم علیه السلام در مورد این آیه پرسیدم: «وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا؟»

آن حضرت فرمود:

أُنزِلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِ الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَعَزْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يَسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ.

این آیه در مورد قائم علیه السلام نازل شده است؛ آن گاه که ظهور نماید و بر یهود و نصارا و صابئین و زنادقه و اهل رده و کافران در شرق و غرب عالم قیام نماید، آنان را به اسلام دعوت می کند، هر کسی که داوطلبانه اسلام بیاورد او را به نماز و زکات و هر آنچه که بر مسلمان لازم و واجب است امر می کند، و هر کسی که مسلمان نشود گردنش را خواهد زد تا در سراسر جهان

کسی باقی نماند جز این که توحید خدا را بپذیرد.

عرض کردم: فدایتان شوم، خلاق بیش از این هستید.

ایشان فرمود:

إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلَّ الْكَثِيرُ وَكَثُرَ الْقَلِيلُ. (۱)

خداوند متعال هرگاه اراده امری را بفرماید می تواند زیاد را کم نماید و کم را زیاد بفرماید.

ص: ۳۰

۱- ۲۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۵.

فصل دوم: سؤال مهدوی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

اشاره

ص: ۳۱

هدیه و تحفه خدا به پیامبرش چه بود؟

قضیه مهدی موعود که در آخرالزمان ظهور می کند، یک قانون الهی است که همه انبیای الهی آن را بشارت داده اند و پیروان تمام مکاتب و مذاهب نیز منتظر او هستند؛ لکن این یک هدیه خدایی به پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله است. جریان این ماجرا را از زبان امام صادق علیه السلام و از کتاب شریف (اصول کافی و بحارالانوار) می خوانیم:

معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله با شادی و سرور از منزل بیرون آمدند، مردم عرض کردند: خدا شادی شما را افزون فرماید، جریان چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ يَوْمٍ وَلَمَّا لَيْلِهِ إِلَّا وَوَلِي فِيهِمَا تُحْفَهُ مِنَ اللَّهِ أَلَا وَإِنَّ رَبِّي أَتُحْفِنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِتُحْفِهِ لَمْ يَتُحْفِنِي بِمِثْلِهَا فِيمَا مَضَى، إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي مِنْ رَبِّي السَّلَامَ وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ اخْتَارَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ سَبْعَةً لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ مَضَى وَلَا يَخْلُقُ مِثْلَهُمْ فِيمَنْ بَقِيَ، أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَصِيكَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سِبْطَاكَ سَيِّدَا الْأَسْبَاطِ وَحَمْرَةُ عَمُّكَ سَيِّدَةُ الشُّهَدَاءِ وَ

جَعَفَرُ ابْنُ عَمِّكَ الطَّيَّارُ فِي الْجَنَّةِ يَطِيرُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاءُ وَمِنْكُمْ الْقَائِمُ يَصِيَّ لِي عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ خَلْفَهُ إِذَا أَهْبَطَهُ اللَّهُ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ ذُرِّيهِ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةٌ وَمِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (۱)

«هیچ شب و روزی نیست، مگر این که از جانب خداوند متعال برای من تحفه ای فرستاده می شود. اما آگاه باشید که امروز پروردگرم تحفه ای به من داده که تا قبل از این، چنین تحفه ای نداده بود. همانا جبرئیل نزد من آمد و سلام پروردگرم را ابلاغ کرد و گفت: ای محمد! پروردگار عظیم الشأن از میان بنی هاشم هفت نفر را برگزید که مانند آنان را نه قبل از این خلق کرده، و نه بعد از این خلق خواهد کرد، [آن هفت نفر عبارتند از]:

ای رسول خدا! تو سید و آقای پیامبران هستی. علی بن ابی طالب وصی تو و سید اوصیاست. حسن و حسین که دو سبط تو هستند سرور همه اسباط هستند. عموی حمزه، سالار شهیدان است و پسر عموی تو جعفر طیار، در بهشت به همراه فرشتگان پرواز می کند.

و از شماست قائم، همان که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سرش به نماز می ایستد، که خدای تعالی او را به زمین فرود می آورد. آن قائم از نسل علی و فاطمه و از فرزندان حسین علیهم السلام است».

فرزند پیامبر کیست؟

مهدی موعود از نسل و فرزند چه کسی می باشد؟ این سؤال نیز از پیامبر

ص: ۳۳

اکرم صلی الله علیه وآله پرسیده شده است؛ ابن عباس تعریف می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: جانشینان من و حجت های خدا بر خلق بعد از من ۱۲ نفرند که اول آنان برادرم و آخر ایشان فرزندم می باشد.

سؤال شد: ای رسول خدا! برادرت کیست؟

فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام.

گفته شد: پس فرزندت کیست؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

«الْمُهْدِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فِيهِ وَلَمَدِي الْمُهْدِي فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَصِلُنِي خَلْفَهُ وَتُشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَيَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ»؛ (۱)

«فرزندم مهدی است که زمین را از قسط و عدل پر می کند؛ همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد. قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی کند که فرزندم مهدی ظهور نماید. پس حضرت مسیح از آسمان نازل شود و پشت سر ایشان نماز گزارد و زمین به نور وجود او روشن شود و حکومتش از شرق تا غرب عالم را فرا گیرد».

ص: ۳۴

ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه بود؟

موضوع قائم آل محمد و مهدی موعود علیه السلام موضوعی است که تمام فرقه های اسلامی از اهل تشیع و تسنن آن را قبول دارند و معتقدند که او هم از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؛ اگرچه معدودی از اهل سنت می گویند آن حضرت هنوز به دنیا نیامده و در موقع مقتضی متولد خواهد شد، به هر حال راویان و محدثان اهل سنت روایات متعدد و کتاب های فراوانی در این زمینه نوشته اند.

چنان که در حدیثی از اصحاب نقل شده است که می گویند: زمانی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم که عده ای از جوانان بنی هاشم آمدند، تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنان را دید، چشمانش پر از اشک شد و چهره اش تغییر کرد، اصحاب گفتند: چه شده است ای رسول خدا؟ در چهره شما چیزی می بینیم که خوش آیند نیست؟

ایشان فرمودند:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصِرُونَ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِيهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ».

«ما اهل بيتي هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزیده است. لذا اهل بیت من به زودی به مشکلات و امتحان هایی مبتلا می شوند و از اهل و وطن خود تبعید و رانده می شوند. تا زمانی که از سمت شرق عده ای با

پرچم های سیاه می آیند، ایشان به دنبال حق و حقیقت هستند ولی به آنان نمی دهند. پس به ناچار جنگ می کنند و پیروز می شوند، در این هنگام آنچه تقاضا کرده بودند (از حق و خلافت) را به ایشان تقدیم می کنند ولی آنان نمی پذیرند تا این که آن را به مردی از اهل بیت من تقدیم می نمایند، پس او نیز زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان طور که دیگران از ظلم و جور پر کرده باشند. هر یک از شما که آن زمان را درک کرد باید به طرف آنان برود؛ هرچند این رفتن با دست بر روی برف و یخ باشد».

پیامبر صلی الله علیه و آله برای چه موضوعی گریه کرد؟

واقعیت این است که حق معمولاً مظلوم است و باطل نیز به سر و صدا مشغول است؛ اما بالاخره حق بر همه باطل ها و ظلم ها پیروز می شود و دولت حق استقرار می یابد. نمونه ای از این واقعیت را همگان در مورد امیر المؤمنین علیه السلام مشاهده کردند.

یکی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که روز فتح خیبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرچم را به امیر المؤمنین علیه السلام سپرد و خدا نیز فتح و پیروزی را نصیب لشکر اسلام فرمود. این صحابی جریان نصب امیر المؤمنین علیه السلام را در روز غدیر و نیز برخی فضایل آن حضرت را ذکر کرده، سپس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شروع کرد به گریه کردن، در این میان کسی پرسید:

گریه شما برای چیست، ای رسول خدا؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

«أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَ وَيَمْنَعُونَ حَقَّهُ وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَيَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ وَأَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَلِكُكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَعَلَّتْ كَلِمَتُهُمْ وَأَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ وَكَانَ الشَّانِي لَّهُمْ قَلِيلًا وَالْكَارَةُ لَّهُمْ ذَلِيلًا وَكَثُرَ الْمَادِحُ لَّهُمْ وَذَلِكَ حِينَ تَغْيِرُ الْبِلَادُ وَتُضَعَّفُ الْعِبَادُ وَالْإِيَّاسُ مِنَ الْفَرَجِ وَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْقَائِمُ فِيهِمْ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اسْمُهُ كَاسِيْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ كَاسِمِ ابْنِي وَهُوَ مِنْ وُلْدِ ابْنَتِي يَظْهَرُ اللَّهُ الْحَقَّ بِهِمْ وَيَحْمَدُ [يَحْمَدُ] الْبَاطِلَ بِأَشْيَافِهِمْ وَيَتَّبِعُهُمُ النَّاسُ بَيْنَ رَاغِبٍ إِلَيْهِمْ وَخَائِفٍ لَهُمْ.

«جبرئیل به من خبر داد که به علی ظلم می کنند و حق او را از او منع می کنند، با او می جنگند و فرزندانش را می کشند و به آنان ظلم می کنند، نیز جبرئیل خبر داد از خداوند متعال که این ادامه دارد ولی هنگامی که قائم ایشان قیام کند این ظلم و ستم پایان می یابد، آن گاه که پرچم و حکومت ایشان بر پا گردد و همه امت بر محبت آنان مجتمع شوند. دیگر دشمنانشان کم می شوند، کسی هم که آنان را ناخوش داند ذلیل می شود و محبان و ثناگویان ایشان زیاد می گردند. این در هنگامی است که شهرها تغییر یابند، بندگان خدا ضعیف شوند و همه از فرج ناامید شوند. در این موقع است که قائم ظهور خواهد کرد. نام او نام من است و اسم پدرش اسم فرزند من است، او از نسل دختر من است. خداوند به وسیله ایشان حق را ظاهر کند، حکومت

ص: ۳۷

ظلم و باطل را با قدرت آنان نابود سازد و مردم نیز گروهی با میل و رغبت و گروهی نیز از ترس تابع می شوند.

قَالَ: وَسَيَكُنُّ الْبُكَاءُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَعَاشِرَ الْمُؤْمِنِينَ أَبَشِّرُوا بِالْفَرَجِ فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَا يَخْلَفُ وَقَضَاؤُهُ لَا يَرُدُّ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ فَإِنَّ فَتْحَ اللَّهِ قَرِيبٌ، اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَهْلِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً، اللَّهُمَّ اكْلَأْهُمْ وَاحْفَظْهُمْ وَارْزُقْهُمْ وَكُنْ لَهُمْ وَاَنْصُرْهُمْ وَأَعِزَّهُمْ وَلَا تُدَلِّهِمْ وَأَخْلَفْنِي فِيهِمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛^(۱)

صدای گریه پیامبر صلی الله علیه و آله پایین آمد، سپس فرمود:

ای مؤمنان! مژده باد شما را به فرج، همانا وعده خداوند تخلف ندارد و قضا و قدر الهی نیز بر نمی گردد، چون او آگاه و حکیم است، پس فتح و پیروزی از جانب خداوند نزدیک است.

خدایا! اینان اهل بیت من هستند، پس هر گونه ناپاکی و آلودگی را از ایشان دور کن و آنان را پاک و پاکیزه فرما.

خدایا! آنان را در حفظ و حمایت و رعایت خود بگیر و یار و یاورشان باش، آنان را عزیز گردان و جانشین من کن، چرا که تو بر هر کاری قادر و توانایی.»

ص: ۳۸

۱- ۳۰. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۹۸ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۷ / امالی طوسی، ص ۳۵۱.

امام صالح کیست؟

در روایات اهل سنت وارد شده است که روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله مشغول خطبه بودند که ذکر دجال به میان آمد، پس فرمودند:

فَتَنَّفَى الْمَدِينَةَ الْخَبَثَ كَمَا يَنْفَى الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَيَدْعَى ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَلَّاصِ.

فَقَالَتْ أُمُّ شَرِيكٍ: فَأَيْنَ الْعَرَبُ يَوْمَئِذٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: هُمْ قَلِيلٌ يَوْمَئِذٍ وَجُلُوهُمْ بَيْتِ الْمَقْدِسِ إِمَامُهُمُ الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ صَالِحٌ. (۱)

مدینه از خباثت و آلودگی پاک خواهد شد؛ همان طور که کوره آتش زواید آهن را پاک می نماید، در آن حال صدا می کنند که امروز روز خلاصی و راحتی است.

ام شریک گفت: پس عرب کجا هستند، ای رسول خدا؟

حضرت فرمودند: آنان اندک خواهند بود و بیشترشان هم در بیت المقدس هستند. امام آنان مهدی است که مردی صالح می باشد.

سؤال امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل اهل سنت

این جریان را نیز برادران اهل سنت از قول امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل کرده اند که آن جناب فرمود: از رسول خداصلی الله علیه وآله پرسیدم:

ص: ۳۹

«يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْنًا آلَ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ أَمْ مِنْ غَيْرِنَا؟»؛

«ای رسول خدا! آیا «مهدی» از ما آل محمد است یا از غیر ماست؟»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا، بَلْ مِنَّا، يَخْتِمُ اللَّهُ بِهِ الدِّينَ كَمَا فَتِحَ بِنَا وَبِنَا يَنْقُذُونَ مِنَ الْفِتَنِ كَمَا أَنْقَذُوا مِنَ الشُّرْكِ وَبِنَا يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ بَعِيدَ عَدَاوَةِ الْفِتْنَةِ إِخْوَانًا كَمَا أَلَّفَ بَيْنَهُمْ بَعْدَ عَدَاوَةِ الشُّرْكِ إِخْوَانًا فِي دِينِهِمْ.»

«خیر، بلکه از ماست، که خداوند دین را به وسیله او ختم می کند؛ همچنان که به وسیله ما آغاز شد. مردم به برکت ما از فتنه ها نجات پیدا می کنند همان طور که از شرک رهایی یافتند، به وجود ما خداوند قلب های مردم را به هم نزدیک و برادر می کند بعد از آن که به جهت فتنه ها دشمن یک دیگر شوند؛ چنان که در صدر اسلام نیز بعد از دشمنی به خاطر شرک، آنان را برادر دینی یک دیگر کرد.»

ص: ۴۰

فصل سوم: زمان و چگونگی ولادت پنهانی

اشاره

ص: ۴۱

چگونگی و زمان تولد امام زمان علیه السلام از نظر برخی ها جزء مسائل و موضوعات مهم می باشد. طبق اعتقاد شیعه، آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. متولد گردیده و در سال ۲۶۰ نیز غیبت صغرای ایشان آغاز گشته است؛ اگر چه در همان پنج سال هم فقط برخی از خواص و شیعیان مخلص می توانستند ایشان را زیارت کنند. اما از آنجا که همیشه در مقابل هر حقی یک باطل و در کنار هر اصلی یک فرع و بدلی هم هست، قضیه مهدی موعود هم از این قانون مستثنا نیست؛ لذا غیر از این عقیده، برخی از فرقه ها که بعضی از آنان هم منقرض شده اند، نظرات دیگری داشتند؛ مثلاً می گفتند محمد حنفیه امام زمان علیه السلام است و یا اشخاص دیگر، لذا بحث ولادت آن حضرت چون مخفیانه بوده، همیشه مورد پرس و جوی اصحاب و شیعیان بوده است و سؤالات متعددی مطرح شده که در اینجا برای رسیدن به واقع و حقیقت مطلب، جریان تولد آن جناب را مرور می کنیم:

امام صادق علیه السلام و زمان تولد حضرت قائم علیه السلام

خلاد بن قصار می گوید: در زمان امام صادق علیه السلام از آن حضرت پرسیدند: آیا

قائم متولد شده است یا نه؟ فرمود:

«لَا وَلَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛^(۱)

«خیر، ولی اگر او را درک کنم، هر آینه تمام مدت عمرم خدمت او را خواهم کرد».

پس معلوم می شود تا زمان امام صادق علیه السلام هنوز مهدی موعود به دنیا نیامده اند؛ یعنی نه محمد حنفیه امام بوده و نه فرزند امام صادق علیه السلام که برخی می گفتند.

ماجرای ولادت از زبان عمّه

در مورد زمان و چگونگی ولادت حضرت مهدی علیه السلام محمد بن عبدالله مطهری نقل می کند: بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام قصد کردم خدمت حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که عمّه امام زمان علیه السلام است برسم و در مورد حجت خدا و آنچه که مردم به اختلاف افتاده اند از ایشان سؤال کنم، وقتی رفتم، گفت: بنشین. نشستم و آن گاه فرمود:

«يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَخْلِي الْأَرْضَ مِنْ حُجَّهِ نَاطِقِهِ أَوْ صَامِتِهِ وَلَمْ يَجْعَلْهَا فِي أَحْوَيْنِ بَعِيدِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ تَفْضِيلاً
لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَتَمْيِيزاً لَهُمَا أَنْ يَكُونَ فِي الْأَرْضِ عَدِيْلُهُمَا إِلَّا أَنْ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ وُلْدَ الْحُسَيْنِ بِالْفَضْلِ
عَلَى وُلْدِ الْحَسَنِ كَمَا خَصَّ وُلْدَ هَارُونَ

ص: ۴۳

عَلَىٰ وُلْدِ مُوسَىٰ وَإِنْ كَانَ مُوسَىٰ حُجَّةً عَلَىٰ هَارُونَ وَالْفَضْلُ لَوْلَدِهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا بُدَّ لِلْأُمَّةِ مِنْ حَيْرَةٍ يَزْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَخْلُصُ فِيهَا الْمُحِقُّونَ لِنَلَّا يُكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَإِنَّ الْحَيْرَةَ لَمَا بُدِّ وَاقِعِيَّةٌ بَعْدَ مُصْطَىٰ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام.

«ای محمد! خداوند متعال زمین را از حجت خالی نمی گذارد؛ چه آن حجت ناطق و ظاهر باشد و چه خاموش و غایب باشد و این جریان امامت را خداوند هیچ گاه در دو برادر قرار نداده است مگر در مورد امام حسن و امام حسین علیهما السلام آن هم به جهت برتری آن دو بزرگوار بر دیگران و این که آن دو مثل هم هستند ولی با دیگران فرق دارند؛ آری خداوند متعال فرزندان امام حسین علیه السلام را بر فرزندان امام حسن علیه السلام برتری داد؛ چنان که فرزندان هارون را بر فرزندان موسی برتری داد، اگرچه خود موسی علیه السلام بر هارون حجت و امام و پیامبر بود، با این حال فضیلت و برتری مخصوص فرزندان هارون شد.

بدان که حتماً برای امت حیرت و سرگردانی خواهد بود که در آن باطل گرایان به شک می افتند؛ اما حق جویان نجات می یابند، به این جهت که برای مردم در روز قیامت حجت و دلیلی بر خداوند نباشد. این حیرت و سرگردانی نیز بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام واقع می شود.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَاتِي هَلْ كَانَ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَدٌ؟

فَتَبَسَّمتُ، ثُمَّ قَالَتْ: إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَقِبٌ فَمَنْ الْحِجَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَقَدْ أَخْبَرْتُكَ أَنَّ الْإِمَامَةَ لَمَا تَكُونُ لِأَخَوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام.

گفتم: ای خانم! آیا امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی داشت؟

حکیمه تبسمی کرد و گفت: اگر ایشان فرزندی نداشته باشد، پس چه کسی بعد از او امام است؟ و من هم که گفتم بعد از امام حسن و امام حسین علیهما السلام امامت در دو برادر برقرار نمی شود.

فَقُلْتُ: يَا سَيِّدَتِي حَدِّثِي بِلِدَائِهِ مَوْلَايَ وَعَيْبَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قال: قَالَتْ: نَعَمْ، كَأَنَّكَ لِي حَارِيَةٌ يَقَالُ لَهَا «نَرْجِسُ» فَزَارَنِي ابْنُ أَخِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَقْبَلَ يَحْدُ النَّظَرِ إِلَيْهَا. فَقُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي! لَعَلَّكَ هَوَيْتَهَا فَأَرْسَلَهَا إِلَيْكَ؟

فَقَالَ: لَا يَا عَمَّةُ لِكِنِّي أَتَعَجَّبُ مِنْهَا.

فَقُلْتُ: وَمَا أَعْجَبَكَ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَيُخْرِجُ مِنْهَا وَلَدٌ كَرِيمٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا

فَقُلْتُ: فَأَرْسَلَهَا إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي.

فَقَالَ: اسْتَأْذِنِي فِي ذَلِكَ أَبِي.

گفتم: ای خانم! پس جریان ولادت مولایم امام زمان علیه السلام و غیبت آن حضرت را تعریف بفرما.

حکیمه گفت: آری، من جاریه و کنیزی داشتم به نام نرجس، روزی برادر زاده ام «امام عسکری علیه السلام» به دیدن من آمد، حضرت وقتی آن کنیز را دید، خیلی دقیق شد. به ایشان عرض کردم: ای مولای من! گویا به ایشان محبت

داری، اگر بخواهی برایت بفرستم.

امام فرمود: خیر، ای عمه! ولی از او در تعجب هستم.

گفتم: چه چیزی تو را به تعجب انداخته است؟

امام فرمود: به زودی از وی فرزندی به دنیا می آید که نزد خداوند متعال، کریم است و زمین را به وسیله او از عدل و داد پر می کند؛ چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

گفتم: پس حتماً او را برایت می فرستم، ای آقای من!

امام فرمود: در این مورد از پدرم اجازه بگیر.

قَالَتْ: فَلَبِسْتُ ثِيَابِي وَأَتَيْتُ مَنْزِلَ أَبِي الْحَسَنِ فَسَلَّمْتُ وَجَلَسْتُ فَيَدَأْنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: يَا حَكِيمَةُ! ابْعَثِي بِنَزَجَسٍ إِلَى ابْنِي أَبِي مُحَمَّدٍ. قَالَتْ: فَقُلْتُ: يَا سَيِّدِي! عَلَى هَذَا قَصْدُكَ أَنْ أَسْتَأْذِنَكَ فِي ذَلِكَ.

فَقَالَ: يَا مُبَارَكَةُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ أَنْ يَشْرَكَكَ فِي الْأَجْرِ وَيَجْعَلَ لَكَ فِي الْخَيْرِ نَصِيبًا

قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَلَمْ أَلْبَسْ أَنْ رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَزَيْتُونَهَا وَوَهَبْتُهَا لِأَبِي مُحَمَّدٍ وَجَمَعْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا فِي مَنْزِلِي فَأَقَامَ عِنْدِي أَيَّامًا ثُمَّ مَضَى إِلَى وَالِدِهِ وَوَجَّهْتُ بِهَا مَعَهُ.

حکیمه می گوید: لباس پوشیدم و به منزل امام هادی علیه السلام آمدم، سلام کردم و نشستم. خود امام هادی علیه السلام شروع به سخن کرد و فرمود: ای حکیمه! نرجس را برای فرزندم ابی محمد بفرست.

گفتم: ای آقای من! من هم به همین جهت خدمت شما آمدم که اجازه بگیرم.

فرمود: ای مبارکه! خداوند متعال دوست داشت که تو را هم در ثواب این کار شریک کند و نصیبی از این کار خیر برایت قرار دهد.

حکیمه گوید: من هم معطل نکردم و سریع برگشتم منزل و مراسم ازدواج آنان نیز در منزل خودم انجام گرفت. چند روزی در منزل ما بودند که امام عسکری علیه السلام به منزل پدرش رفتند و نرجس خانم را هم به آنجا بردم.

قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَمَضَى أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَلَسَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَكَانَ وَالِدِهِ وَكُنْتُ أَزُورُهُ كَمَا كُنْتُ أَزُورُ وَالِدَهُ فَجَاءَتْنِي نَرْجِسُ يَوْمًا تَخْلَعُ خُفِّي وَقَالَتْ: يَا مَوْلَاتِي نَاوِلْنِي خُفِّكَ. فَقُلْتُ: بَلْ أَنْتِ سَيِّدَتِي وَمَوْلَاتِي وَاللَّهِ لَا دَفَعْتُ إِلَيْكَ خُفِّي لِتَخْلَعِيهِ وَلَا خَدَمْتِنِي بَلْ أَخْدُمُكَ عَلَى بَصْرِي.

فَسَمِعَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَلِكَ، فَقَالَ: جَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا يَا عَمَّةُ.

حکیمه گوید: امام هادی علیه السلام به شهادت رسید و امام عسکری علیه السلام جانشین ایشان شد، من هم به زیارت ایشان می رفتم؛ همچنان که به زیارت امام هادی علیه السلام می رفتم. روزی به خدمت ایشان رفتم، نرجس خانم آمد که کفش های مرا جفت کند و گفت: ای خانم من! بگذار کفش هایت را جفت کنم. گفتم: بلکه تو خانم و مولای من هستی! به خدا قسم که نمی گذارم دست به کفش هایم بزنی و آنان را جفت کنی. تو نباید خدمت من بکنی بلکه این وظیفه من است که در خدمت تو باشم.

امام عسکری علیه السلام این سخنان را شنید و فرمود: خدا تو را جزای خیر دهد، ای عمه!

فَجَلَسْتُ عِنْدَهُ إِلَى وَقْتِ غُرُوبِ الشَّمْسِ، فَصَحْتُ بِالْحَارِيَةِ وَقُلْتُ: نَاوِلِينِي ثِيَابِي لِأَنْصِرِفَ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَمَّتَاهُ بَيْتِي اللَّيْلَةَ عِنْدَنَا فَإِنَّهُ سَيُولَدُ الْمَوْلُودُ الْكَرِيمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِي يُحْيِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا.

قُلْتُ: مِمَّنْ يَا سَيِّدِي وَلَسْتُ أَرَى بِنَزْجِسَ شَيْئًا مِنْ أَثَرِ الْحَمْلِ؟

فَقَالَ: مِنْ نَزْجِسَ، لَا مِنْ غَيْرِهَا.

قَالَتْ: فَوَثَبْتُ إِلَى نَزْجِسَ، فَقَلَبْتُهَا ظَهْرًا لِبَطْنٍ فَلَمْ أَرَ بِهَا أَثَرَ مِنْ حَبْلِ فَعِيدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا فَعَلْتُ. فَتَبَسَّمَ ثُمَّ قَالَ لِي: إِذَا كَانَ وَقْتُ الْفَجْرِ يَظْهَرُ لَكَ بِهَا الْحَبْلُ لِأَنَّ مَثَلَهَا مَثَلُ أُمِّ مُوسَى لَمْ يَظْهَرْ بِهَا الْحَبْلُ وَلَمْ يَعْلَمْ بِهَا أَحَدٌ إِلَى وَقْتِ وِلَادَتِهَا لِأَنَّ فِرْعَوْنَ كَانَ يَشُقُّ بَطُونَ الْحَبَالَى فِي طَلَبِ مُوسَى وَهَذَا نَظِيرُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.

تا هنگام غروب آفتاب خدمت امام بودم، سپس به کنیز گفتم: وسایل مرا بده تا بروم. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه! امشب را نزد ما بمان چون آن مولود کریم، امشب به دنیا خواهد آمد، کسی که خداوند متعال به وسیله او زمین مرده را زنده خواهد کرد.

گفتم: از چه کسی به دنیا می آید، من در نرجس که اثر حاملگی نمی بینم!

فرمود: فقط از نرجس است نه از کسی دیگر.

حکیمه گوید: نزد نرجس رفتم؛ ولی اثری از حاملگی ندیدم، خدمت امام آدمم و گزارش دادم؛ اما امام علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: هر گاه طلوع فجر شود اثر حاملگی ظاهر خواهد شد، چون جریان او هم مثل مادر موسی است که حاملگی او ظاهر نبود و کسی هم از آن خبر نداشت، تا موقع ولادت موسی، چون فرعون شکم زنان حامله را به جهت یافتن موسی می درید، این هم مثل آن است.

قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَلَمْ أَزَلْ أَرُقُبْهَا إِلَى وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ لَمَّا تَقَلَّبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَقَتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَتَبَّتْ فَرِعَهُ فَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمَّيْتُ عَلَيْهَا. فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ: أَقْرَأِي عَلَيْهَا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ الْقَدْرِ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ لَهَا: مَا حَالُكَ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَسَلِّمَ عَلَيَّ. قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَفَزِعْتُ لَمَّا سَمِعْتُ، فَصَاحَ بِي أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَعْجَبِي مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْطِقُنَا بِالْحِكْمَةِ صَغَارًا وَيَجْعَلُنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ كِبَارًا.

فَلَمْ يَسْتَتِمَّ الْكَلَامَ حَتَّى غِيَبَتْ عَنِّي نَرْجِسُ فَلَمْ أَرَهَا كَمَا أَنَّهُ ضَرَبَ بَيْنِي وَبَيْنَهَا حِجَابٌ فَعِيدُوْتُ نَحْوَ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا صَارِحَةً، فَقَالَ لِي: ارْجِعِي يَا عَمَّةُ فَإِنَّكَ سَتَجِدِيهَا فِي مَكَانِهَا. قَالَتْ: فَرَجَعْتُ فَلَمْ أَلْبُثْ أَنْ كُشِفَ الْحِجَابُ بَيْنِي وَبَيْنَهَا وَإِذَا أَنَا بِهَا وَعَلَيْهَا مِنْ أَثَرِ النُّورِ مَا غَشِيَ بَصْرِي

وَإِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا عَلَى وَجْهِهِ، جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَيَّ نَفْسِهِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي وَعَدِي وَأْتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبِّتْ وَطَأْتِي وَأَمْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.

حکیمه گوید: آن شب تا طلوع فجر مراقب نرجس بودم، او هم مقابل من خوابیده بود. تا این که آخر شب، با نگرانی بیدار شد، او را به سینه خود چسبانیدم، امام عسکری علیه السلام صدا زد: سوره قدر را بر او قرائت کن. من هم شروع کردم به خواندن قرآن، گفتم: حالت چطوره؟ گفت: آنچه که مولایم به تو خبر داده بود ظاهر شده است. مشغول قرائت بودم که دیدم فرزند داخل رحم نیز مشغول خواندن همان چیزی است که من می خوانم. حتی به من سلام هم کرد.

حکیمه گوید: از این حالت ترسیدم و نگران شدم که امام عسکری علیه السلام فرمود: از کار خدا تعجب نکن، خداوند متعال ما را در کودکی به زبان می آورد و حجت بر روی زمین قرار می دهد.

هنوز سخن امام تمام نشده بود که نرجس از نظرم ناپدید شد و دیگر او را نمی دیدم، گویا بین من و او پرده ای زده باشند، با فریاد به طرف امام عسکری علیه السلام دویدم، حضرت فرمود: ای عمّه! برگرد که او را در جای خود خواهی دید. برگشتم، گویا پرده برداشته شد، او را در حاله ای از نور دیدم

که چشمانم را خیره کرد. ناگهان فرزندی را دیدم که بر زانوانش سجده کرده، انگشت خود را به سمت آسمان نشانه گرفته و می گوید: شهادت می دهم که خدایی جز الله نیست، یکتاست و شریکی ندارد، و شهادت می دهم که جدم رسول خداست و پدرم امیرمؤمنان است.

آن گاه یک یک امامان را شمرد تا به خودش رسید و گفت: خدایا وعده ای که به من دادی وفا کن و کار من را به پایان برسان و مرا ثابت قدم بدار و زمین را به وسیله من از عدل و داد پر کن.

فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا عَمَّهُ! تَنَاوَلِيهِ فَهَاتِيهِ. فَتَنَاوَلْتُهُ وَأَتَيْتُ بِهِ نَحْوَهُ، فَلَمَّا مَثَلَتْ بَيْنَ يَدِي أَبِيهِ وَهُوَ عَلَى يَدِي سَلَّمَ عَلَيَّ أَبِيهِ، فَتَنَاوَلَهُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالطَّيْرُ تُرْفِرُ عَلَيَّ رَأْسِهِ فَصَيَّاحَ بِطَيْرٍ مِنْهَا فَقَالَ لَهُ: اَحْمِلْهُ وَاحْفَظْهُ وَرُدَّهُ إِلَيْنَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. فَتَنَاوَلَهُ الطَّائِرُ وَطَارَ بِهِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَأَتْبَعَهُ سَائِرُ الطَّيْرِ فَسَجَّعَتْ أَيْمًا مُحَمَّدٍ يَقُولُ: أَسْتَوْدِعُكَ الَّذِي اسْتَوْدَعْتَهُ أُمُّ مُوسَى. فَبَكَتْ نَزْجِسُ، فَقَالَ لَهَا: اسْكُنِي فَإِنَّ الرِّضَاعَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِ إِلَّا مِنْ تَدْيِكِ وَسَيَعَادُ إِلَيْكَ كَمَا رُدَّ مُوسَى إِلَى أُمِّهِ وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَدَدْنَاهُ إِلَى أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ.

امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمه! فرزندی را بیاور. من هم فرزند را گرفتم و به سمت حضرت رفتم و مقابل ایشان ایستادم، هنوز مولود در دست من بود که به پدر بزرگوارش سلام کرد. امام عسکری علیه السلام ایشان را گرفت. از طرفی هم دیدم پرندگان بالای سر آن حضرت در پروازند، یکی از آنان

را صدا زد و فرمود: این طفل را بردار و از او حفاظت کن و تا چهل روز، هر روز او را نزد ما بیاور. پرنده او را گرفت و رفت و سایر پرندگان نیز به دنبال او رفتند. از امام عسکری علیه السلام شنیدم که می گوید: به تو امانت دادم آن چیزی را که مادر موسی به تو امانت سپرده بود. نرجس خانم به گریه افتاد، امام فرمود: آرام باش که شیر خوردن بر او حرام است مگر از پستان تو. به زودی او را برمی گردانند؛ چنان که موسی را به مادرش برگرداندند. این سخن خداست که فرمود: ما او را به مادرش برگردانیم تا چشم مادرش روشن شود و غمگین نباشد.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَقُلْتُ: مَا هَذَا الطَّائِرُ؟ قَالَ: هَذَا رُوحُ الْقُدْسِ الْمُوَكَّلُ بِالْأَنْمَهِعِلِيهِ السَّلَامِ يُوَفِّقُهُمْ وَيَسُدُّهُمْ وَيَرَبِّيهِمْ بِالْعِلْمِ.

قَالَتْ حَكِيمَةٌ: فَلَمَّا أَنْ كَانَ بَعِيدَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا رُدَّ الْغُلَامُ وَوَجَّهَ إِلَى ابْنِ أُخِي عَلَيْهِ السَّلَامِ فَدَعَانِي فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَإِذَا أَنَا بِصَبِيٍّ مُتَحَرِّكٍ يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقُلْتُ: سَيِّدِي! هَذَا ابْنُ سَيِّتَيْنِ؟ فَتَبَسَّمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: إِنَّ أَوْلَادَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ إِذَا كَانُوا أُيْمَةً يَنْشُؤُونَ بِخِلَافِ مَا يَنْشَأُ غَيْرُهُمْ وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا إِذَا أَتَى عَلَيْهِ شَهْرٌ كَانَ كَمَنْ يَأْتِي عَلَيْهِ سَنَةٌ وَإِنَّ الصَّبِيَّ مِنَّا لَيَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْبُدُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَعِنْدَ الرِّضَاعِ تُطِيعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَنْزِلُ عَلَيْهِ كُلَّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ.

حکیمه گوید: عرض کردم: این پرنده که بود؟ امام فرمود: این روح القدس بود که موکل بر ائمه است تا آنان را تربیت نماید. و توفیق علم دهد.

حکیمه گوید: چهل روز که گذشت امام عسکری علیه السلام مرا طلب کرد. پس به محضر ایشان رفتم، طفلی دیدم که مقابل ایشان راه می رود، گفتم: ای آقای من! این بچه دو ساله است؟ امام تبسم کرده و فرمودند: فرزندان پیامبران و جانشینان ایشان که قرار است امام شوند، بر خلاف سایر اطفال رشد و نمو دارند، لذا طفل یک ماهه ما مثل طفل یک ساله دیگران است. فرزندان ما این گونه هستند که در شکم مادر سخن می گویند، قرآن تلاوت می نمایند و عبادت خدا می کنند. آن گاه هم که شیر می خورند فرشتگان هر صبح و شام برایشان نازل می شوند و در اطاعت آنان هستند.

قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَلَمْ أَزَلْ أَرَى ذَلِكَ الصَّبِيِّ كُلَّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَى أَنْ رَأَيْتُهُ رَجُلًا قَبْلَ مُضَيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيَّامِ قَلَائِلَ فَلَمْ أَعْرِفْهُ، فَقُلْتُ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ هَذَا الَّذِي تَأْمُرُنِي أَنْ أَجْلِسَ بَيْنَ يَدَيْهِ؟ فَقَالَ: ابْنُ نَوْجَسَ وَهُوَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَعَنْ قَلِيلٍ تَفْقَهُونِي فَاسْمِعِي لَهُ وَأَطِيعِي. قَالَتْ حَكِيمَةُ: فَمَضَى أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَيَّامِ قَلَائِلَ وَافْتَرَقَ النَّاسُ كَمَا تَرَى وَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَاهُ صَبَاحًا وَمَسَاءً وَإِنَّهُ لَيَسْتَبِينِي عَمَّا تَسْأَلُونِي عَنْهُ فَأَخْبِرْكُمْ وَوَاللَّهِ إِنِّي لَأُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الشَّيْءِ فَيَبْدَأَنِي بِهِ وَإِنَّهُ لَيُرَدُّ عَلَيَّ عَلَى الْأَمْرِ فَيَخْرُجُ إِلَيَّ مِنْهُ جَوَابُهُ مِنْ سَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَتِي وَقَدْ أَخْبَرَنِي الْبَارِحَةَ بِمَجِيئِكَ إِلَيَّ وَأَمَرَنِي أَنْ أُخْبِرَكَ بِالْحَقِّ.

حکیمه گوید: من در هر چهل روز یک بار آن طفل گرامی را می دیدم، تا این که مدتی قبل از شهادت امام عسکری علیه السلام، مانند مردی شده بود که

حتی من هم او را نشناختم، به امام عرض کردم: این آقا کیست که می فرماید پیش او بنشینم؟ امام فرمود: این همان فرزند نرجس و جانشین من است. به زودی مرا از دست خواهید داد، پس حرف او را گوش کنید و اطاعتش نمایید.

حکیمه گوید: چند روز بعد امام عسکری علیه السلام به شهادت رسید و همان طور که می بینی مردم پراکنده شدند؛ به خدا قسم که من هر روز امام زمان علیه السلام را می بینم و ایشان به من خبر می دهد هرچه را که شما می پرسید و من جواب می دهم. به خدا قسم هرگاه می خواهم سؤال از ایشان بپرسم، خودشان جواب را زودتر به من می دهند؛ بدون این که من بپرسم، حتی آمدن تو را هم دیشب به من خبر دادند و امر فرمودند که حق مطلب را به تو بگویم.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: فَوَاللَّهِ لَقَدْ أَخْبَرْتَنِي بِحَكِيمَةٍ بِأَشْيَاءَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهَا أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، فَعَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ صِدْقٌ وَعَدْلٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَطَّلَعَهُ عَلَى مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِهِ؛^(۱)

محمد بن عبدالله می گوید: به خدا قسم که حکیمه از چیزهایی به من خبر داد که احدی جز خدا از آن خبر ندارد. لذا دانستم که این ها راست و حق است و خداوند متعال ایشان را به چیزهایی مطلع کرده که دیگران را بر آن مطلع نفرموده است.

ص: ۵۴

۱- ۳۳. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۵۸ / کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱.

چرا تولد و زندگی مخفیانه!

یکی از اصحاب امام رضاعلیه السلام به نام ایوب بن نوح می گوید: به آن حضرت عرض کردم: ما دوست داریم که شما صاحب این امر باشید و این که خداوند همه امور را بدون جنگ به شما واگذارد، چون همه با شما بیعت کردند و سکه ها نیز به نام شما زده شده است.

امام رضاعلیه السلام فرمود:

«مِا مِّنَّا أَحَدٌ اِخْتَلَفَ الْكُتُبَ إِلَيْهِ وَأَشِيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصْبَاحِ وَسُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَحُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا اغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَى فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْمَوْلِدِ وَالْمُنْشَأُ غَيْرُ خَفِي فِي نَفْسِهِ»؛ (۱)

«کسی از ما اهل بیت نیست که محل رفت و آمد مردم باشد، نامه ها به سوی ایشان بیاید، مردم او را با انگشت نشان دهند، مسائل را از وی پرسند و اموال به سوی ایشان حمل شود، مگر این که یا کشته می شود یا در رختخواب خود از دنیا می رود. تا آن گاه که خداوند متعال برای این کار جوانی را برانگیزد که تولدش مخفیانه است و محل زندگی اش نیز نهانی است».

پیرامون چرایی مسئله غیبت امام زمان علیه السلام لازم است به کتب معتبر و مشروحی که در این زمینه موجود است، مراجعه شود.

ص: ۵۵

مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

در کتاب غیبت شیخ طوسی نقل شده که جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که روزی عمر بن خطاب به همراه امیر المؤمنین علی علیه السلام بود که از ایشان پرسید: در مورد مهدی به من خبر بده که اسمش چیست؟

امام علی علیه السلام فرمود:

«أَمَّا اسْمُهُ؛ فَإِنَّ حَبِيبِي عَهْدٌ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ»؛

«اما در مورد اسم آن حضرت، حبيب من رسول خدا صلی الله علیه وآله با من عهد کرده که اسم او را بیان نکنم، تا آن گاه که خداوند او را برانگیزد».

عمر گفت: پس در مورد برخی از اوصاف او بفرما.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

«هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسِينُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، يَسِيلُ شَعْرُهُ عَلَى مَنْكَبَيْهِ وَ نُورٌ وَجْهَهُ يَغْلُو سِوَادَ لِحْيَتِهِ وَرَأْسِهِ، بِأَبِي ابْنِ خَيْرِهِ
الْإِمَاءِ»؛^(۱)

«او جوانی است خوش اندام، خوش رو و خوش مو، موهایش بر شانه هایش ریخته و روشنایی چهره اش بر سیاهی موی سر و رویش غلبه دارد. پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان!»

ص: ۵۶

۱- ۳۵. غیبت طوسی، ص ۴۷۰ / اعلام الوری، ص ۴۶۵ / کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۵ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

چه کسانی امام زمان علیه السلام را زیارت کرده اند؟

الف) دیدار بار!

عده ای از شیعیان از جمله علی بن بلال، احمد بن هلال، محمّد بن معاویه بن حکیم و حسن بن ایوب بن نوح در یک خبر طولانی که مشهور هم هست می گویند: با هم به محضر مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم تا در مورد حجت بعد از ایشان سؤال کنیم. در آن مجلس حدود ۴۰ نفر حاضر بودند که عثمان بن سعید بن عمرو العمری بلند شد و عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا! می خواهم سؤالی بپرسم که شما از همه داناتر هستید.

امام فرمود: بنشین ای عثمان، آن گاه با ناراحتی بلند شد که برود و فرمود: کسی خارج نشود. هیچ کسی از ما حرکت نکردیم، پس از لحظاتی عثمان را صدا زد، عثمان جلوی پای حضرت ایستاد. آن جناب فرمود: بگویم برای چه آمده اید؟ همه گفتند: بفرمایید، ای فرزند رسول خدا!

امام فرمود: آمدید از حجت بعد از من پرسید. گفتند: آری.

ناگهان جوانی ظاهر شد که گویا پاره ای از ماه است و شبیه ترین فرد به امام عسکری علیه السلام بود.

حضرت فرمود:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَلَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتَهْلِكُوا فِي أَدْيَانِكُمْ؛ أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ مِنْ بَعْدِ يَوْمِكُمْ هَذَا حَتَّى يَتَمَّ لَهُ عُمُرٌ، فَأَقْبَلُوا مِنْ عُثْمَانَ مَا يَقُولُهُ وَانْتَهُوا إِلَى أَمْرِهِ وَأَقْبَلُوا قَوْلَهُ فَهُوَ خَلِيفَةُ إِيَّامِكُمْ»

ص: ۵۷

«این امام شما بعد از من و جانشین من بر شماست، از او اطاعت کنید و بعد از من متفرق نشوید که در دین خود هلاک خواهید شد، آگاه باشید! که شما بعد از این دیگر او را نخواهید دید تا زمانی که عمر او کامل گردد. پس حرف عثمان را گوش کنید و به او روی آورید و سخن او را قبول کنید، چون او نماینده امام شماست و کارها به دست اوست».

(ب) دیدار ماه تابان

احمد بن اسحاق می گوید: به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم تا از آن حضرت در مورد جانشین بعد از ایشان پرسیم. وقتی شرفیاب شدم، قبل از این که حرفی بزنم، خود آن حضرت فرمود:

«يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَخْلِ الْأَرْضَ مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ وَلَا تَخْلُو إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَبِهِ يَنْزِلُ الْغَيْثُ وَبِهِ يَخْرُجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ».

«ای احمد پسر اسحاق! خداوند متعال از روزی که حضرت آدم علیه السلام را خلق فرمود تا کنون هیچ روزی زمین را خالی از حجت خود قرار نداده است و تا روز قیامت نیز چنین است که به وسیله این حجت الهی، بلاها را از اهل زمین دفع می کند و به برکت وجود او باران نازل می کند و به خاطر او برکات زمین را بیرون می آورد».

ص: ۵۸

قَالَ: فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَنِ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ؟

فَنَهَضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ ثُمَّ خَرَجَ وَعَلَى عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَيْدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَا كَرَامَتُكَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا، إِنَّهُ سَيَمِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكُنِيَهُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا.

يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ ذِي الْقَرْنَيْنِ وَاللَّهُ لَيَغَيِّنُ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ يَشْبِثَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقَّفَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ.

گفتم: ای پسر رسول خدا! پس امام و جانشین بعد از شما کیست؟

امام علیه السلام بلند شد و داخل اطاق رفت و برگشت؛ در حالی که بر دوش او کودکی بود. گویا چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید، آن کودک حدوداً سه ساله بود. بعد فرمود:

ای احمد! اگر بزرگواری و منزلت تو نزد خدا و ما نبود، این فرزند را به تو نشان نمی دادم، او همانم رسول خداصلی الله علیه وآله و هم کنیه اوست، کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای احمد! مثل او در این امت، مثل خضر علیه السلام و مثل ذی القرنین است، به خدا قسم که حتماً غیبی خواهد داشت که در این مدت غیب هیچ کسی از هلاکت نجات نمی یابد؛ مگر کسانی که خداوند آنان را بر امامت وی پایدار بدارد و او را بر دعا برای تعجیل فرجش موفق گرداند.

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا مَوْلَايَ! هَلْ مِنْ عَلَامَةٍ يَطْمَئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي؟

فَنَطَقَ الْغُلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ فَصِيحٍ فَقَالَ: أَنَا بَقِيَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبُ أَثْرًا بَعِيدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ!؛^(۱)

احمد بن اسحاق گوید: عرض کردم: ای آقا و مولای من! آیا علامت و نشانه ای می فرمایید که قلب من مطمئن گردد؟

در همین حال آن کودک به زبان عربی فصیح فرمود: من باقیمانده و ذخیره خدا در زمین هستم و از دشمنانش انتقام خواهم گرفت. پس از این دنبال چیزی نباش، ای احمد بن اسحاق!

آیا کودک هم می تواند امام شود؟

در زندگی روزمره و متعارف مردم عادی، عادت و قانون طبیعت بر این است که شخصی تا به سن پانزده سالگی نرسیده، بالغ نشده و به کمال هم نرسیده است؛ یعنی باید دیگران او را کمک کنند و تکلیف هم ندارد. لکن آنجا که مصلحت الهی اقتضا کند، این عادت طبیعت در هم می ریزد و طفل در گهواره به سخن می آید که من پیامبر هستم و کتاب آسمانی هم دارم.^(۲)

امامان ما نیز این گونه اند، یعنی همان علم و عصمت و توانی که قرار است

ص: ۶۰

۱- ۳۷. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۶ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲- ۳۸. فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قَالَ إِنَّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا) سوره مریم: آیه ۲۹ و

خداوند متعال در بزرگ سالی به ایشان بدهد، می تواند قبل از بلوغ هم به آنان بدهد؛ چنان که در مورد امام جواد و امام زمان علیهما السلام اتفاق افتاده است. با این حال شخصی مثل ابوبصیر می گوید: از امام (باقر یا صادق علیهما السلام) پرسیدم:

«أَيُّكُونُ أَنْ يَفْضَى هَذَا الْأَمْرُ إِلَى مَنْ لَمْ يَبْلُغْ؟

قَالَ: سَيَكُونُ ذَلِكَ؟

قُلْتُ: فَمَا يَصْنَعُ؟

قَالَ: يُوَرِّثُهُ عِلْمًا وَكُتُبًا وَلَا يَكِلُهُ إِلَى نَفْسِهِ»؛^(۱)

«آیا این امر به کسی که هنوز بالغ نشده نیز خواهد رسید؟

فرمود: به زودی چنین خواهد شد.

عرض کردم: پس در این حال چه می کند؟

فرمود: خداوند علم و کتاب را به او ارث می دهد و او را به خودش واگذار نمی کند».

فرزند خیره الاماء کیست؟

چند تن از صحابه از جمله ابوجحیفه و حارث بن عبدالله همدانی و حارث بن شرب می گویند: روزی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام نشستیم بودیم که امام حسن علیه السلام وارد شد، امام علی علیه السلام فرمود:

«مَرْحَبًا بِابْنِ رَسُولِ اللَّهِ»؛ آفرین به فرزند رسول خدا!!

ص: ۶۱

اما آن گاه که امام حسین علیه السلام وارد شد، فرمود:

«بِأَبِي أَنْتَ يَا أَبَا ابْنِ خَيْرِهِ الْإِمَاءِ»؛

«به فدای تو که پدر فرزند بهترین کنیزان و خانم ها هستی».

سؤال شد: ای امیرالمؤمنین! چطور شد که به حسن چنان گفتی و به حسین چنین؟ فرزند بهترین کنیزان کیست؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«ذَاكَ الْفَقِيْدُ الطَّرِيْدُ الشَّرِيْدُ م ح م د بُنُّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ هَذَا وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛^(۱)

«همان ناپیدای تنهای رانده شده، محمد پسر حسن پسر علی پسر محمد پسر موسی پسر جعفر پسر محمد پسر علی پسر این حسین».

و دست بر سر امام حسین علیه السلام گذاشت».

ص: ۶۲

شناخت دوازدهمین حجت خدا

محمد بن عثمان عمری که از نواب خاص امام زمان علیه السلام بوده، از پدرش نقل می کند که پدرم گفت: در خدمت امام حسن عسکری علیه السلام بودم که از آن حضرت در مورد خبری سؤال شد که از امامان علیهم السلام روایت شده که تا روز قیامت زمین از حجت خدا بر خلق خالی نمی ماند و این که هر کسی بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: آری، این حق است؛ همان طور که روز حق است.

گفته شد: ای فرزند رسول خدا! پس حجت و امام پس از شما کیست؟

امام فرمود:

«ابنِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحُجَّةُ بَعْدِي، مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛

أَمَّا إِنْ لَهُ غَيْبَةٌ يَحْيَا فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَيَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ؛ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ

ص: ۶۴

«پسرم محمد، امام و حجت خدا پس از من است، هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.

آگاه باشید که برای او غیبتی خواهد بود که جاهلان سرگردان می شوند، اهل باطل هلاک می گردند و آنان که تعیین وقت می کنند دروغ می گویند.

آن گاه ظهور خواهد کرد. گویا پرچم های سفید را می بینم که در نجف کوفه و بالای سر آن جناب حرکت می کند».

دین الهی چگونه ظاهر می شود؟

امام رضا علیه السلام نقل می فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمود:

ای حسین! نهمین فرزند تو همان قائم به حق است که دین عدل را ظاهر می کند.

امام حسین علیه السلام سؤال کرد: ای امیرالمؤمنین! آیا این خواهد شد؟

امام فرمود:

«إِى وَالَّذِى بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْبُؤْبُوهِ وَاصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَةِ وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبِهِ وَحَيْرِهِ لَأَتَّبَعْتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُمْ بَوْلَايَتِنَا وَكُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانُ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»؛ (۲)

ص: ۶۵

۱- ۴۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰ / کمال الدین.

۲- ۴۲. کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۱ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۰۴.

«آری قسم به خدایی که محمد را به نبوت برانگیخت و او را از بین همه خلایق برگزید، ولی بعد از مدتی غیبت و حیرت، این قیام صورت می گیرد، البته در این مدت کسانی در دین خود ثابت خواهند ماند که مخلص باشند و دارای مرتبه یقین باشند، آنان که خداوند پیمان ولایت ما را از ایشان اخذ کرده و ایمان را در دل های آنان نهاده و به روح الهی خود تأییدشان فرموده است.»

سؤال عمر بن خطاب چه بود؟

این که می گوئیم قضیه مهدویت مخصوص شیعه نبوده، بلکه همه فرقه های اسلامی از آن اطلاع دارند، شاهدش این سؤال عمر بن خطاب است؛ چون از صدر اسلام همه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه چیزهایی شنیده بودند. به همین جهت است که عمر نیز خدمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده و از ایشان در این مورد پرسش می کند.

جابر بن عبدالله از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

«سَأَلَ عُمَرُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَهْدِيِّ، قَالَ: يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَهْدِيِّ، مَا اسْمُهُ؟

قَالَ: أَمَّا اسْمُهُ، فَلَا، إِنَّ حَبِيبِي وَخَلِيلِي عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أُحَدِّثَ بِاسْمِهِ حَتَّى يَبْعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مِمَّا اسْتَوَدَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ فِي عِلْمِهِ»؛ (۱)

ص: ۶۶

«عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مهدی پرسید و گفت: ای فرزند ابی طالب! برایم از مهدی خبر بده که نامش چیست؟»

امام فرمود: اما اسم آن حضرت را نمی توانم بگویم، چون دوست و حبيب من (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله) با من عهد کرده که نام او را بیان نکنم تا زمانی که خداوند متعال او را برانگیزد، چون آن از چیزهایی است که خدا علمش را به رسولش به ودیعه گذاشته است».

امام حسین علیه السلام پیرامون صاحب الامر چه فرمود؟

شخصی به نام عیسی خشاب می گوید که از امام حسین علیه السلام پرسیدم:

آیا شما صاحب الامر هستید؟

آن جناب فرمود:

«لَا وَلَكِنْ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتُوْرُ بِأَبِيهِ الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ يَضَعُ سَيْفَهُ عَلَى عَاتِقِهِ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ»؛ (۱)

«خیر، امیرا صاحب این امر کسی است که از وطن خود دور مانده و هنوز انتقام خون به ناحق ریخته شده پدر خود را نگرفته است، او که کینه عمویش را دارد و شمشیرش را هشت ماه بر گردن حمایل می کند».

امام صادق علیه السلام و تصریح به مهدی موعود؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام ابراهیم کرخی می گوید: روزی به محضر

ص: ۶۷

آن جناب رسیدم و در خدمت ایشان نشسته بودم که امام کاظم علیه السلام نیز وارد شد. در آن هنگام ایشان جوان بودند. من بلند شدم و ایشان را بوسیدم و نشستم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا إِبْرَاهِيمُ أَمَّا إِنَّهُ صَاحِبُكَ مِنْ بَعْدِي، أَمَا إِنَّهُ لَيَهْلِكُنَّ فِيهِ قَوْمٌ وَيَسِيءُ عَدُوٌّ آخِرُونَ فَلَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَهُ وَضَاعَفَ عَلَيَّ رُوحَهُ الْعَذَابَ، أَمَا لِيُخْرِجَنَّ اللَّهُ مِنْ صُلَيْبِهِ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ فِي زَمَانِهِ سَمِيَ جَدُّهُ وَوَارِثَ عِلْمِهِ وَأَحْكَامِهِ وَفَضَائِلِهِ، مَعْدِنَ الْإِمَامَةِ وَرَأْسَ الْحُكْمَةِ، يُقْتَلُهُ جَبَّارُ بَنِي فُلَانٍ بَعْدَ عَجَائِبِ طَرِيفِهِ حَسِيْدًا لَهُ وَلَكِنَّ اللَّهَ بِالْبَلِّغِ أَمْرُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، يُخْرِجُ اللَّهُ مِنْ صُلَيْبِهِ تَمَامَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا اخْتَصَّهُمُ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ وَأَحَلَّهُمْ دَارَ قُدْسِهِ، الْمُقَرَّبُ بِالثَّانِي عَشَرَ مِنْهُمْ كَالشَّاهِرِ سَيْفِهِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْبُ عَنْهُ.

«ای ابراهیم! بدان و آگاه باش که این صاحب توست بعد از من.

بدان و آگاه باش که به جهت او برخی هلاک و برخی دیگر سعادت‌مند خواهند شد. پس خدا لعنت کند قاتل او را و عذاب وی را دو چندان نماید.

بدان و آگاه باش که خداوند از نسل او بهترین فرد روی زمین در زمان خودش را ظاهر خواهد کرد که همانم جدش می باشد و وارث علم و احکام و فضایل او خواهد بود. معدن امامت و رأس حکمت است، جباران و ظالمان از طایفه فلان او را خواهند کشت، بعد از آن که امور عجیبه از او می بینند و این به جهت دشمنی و حسدی است که بر او دارند؛ لکن خداوند امر او را تمام خواهد کرد؛ هرچند مشرکان خوش نداشته باشند. خداوند از

نسل او تا دوازده امام را به دنیا خواهد آورد که همه مهدی هستند و به کرامت خود مخصوص گردانیده و در جایگاه دارالقدس قرار داده است. هر کسی به دوازدهمین ایشان اقرار کند و ایمان بیاورد مانند کسی است که با شمشیر خود از رسول خداصلی الله علیه و آله دفاع می کند.

قَالَ: فَدَخَلَ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي بَنِي أُمِيَّةَ فَأَنْقَطَعَ الْكَلَامُ، فَعِيدْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً أُرِيدُ مِنْهُ أَنْ يَشِيَّتِمَ الْكَلَامَ فَمَا قَدَرْتُ عَلَى ذَلِكَ، فَلَمَّا كَانَ قَابِلُ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَهُوَ جَالِسٌ، فَقَالَ: يَا إِبْرَاهِيمُ! الْمَفْرَجُ لِلْكَرْبِ عَنْ شِيَعَتِهِ بَعْدَ ضَنْكَ شَدِيدٍ وَبَلَاءٍ طَوِيلٍ وَجَزَعٍ وَخَوْفٍ فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ حَسْبُكَ يَا إِبْرَاهِيمُ!

فَمَا رَجَعْتُ بِشَيْءٍ أَسْرَّ مِنْ هَذَا لِقَلْبِي وَلَا أَقَرَّ لِعَيْنِي»؛ (۱)

راوی گوید: در این هنگام یکی از دوستان بنی امیه داخل شد؛ لذا امام سخن خود را قطع فرمود. من حدود یازده مرتبه از ایشان خواستم که فرمایش خود را تمام نماید؛ اما ایشان چنین نکردند.

تا این که سال آینده مجدداً خدمت آن حضرت شرفیاب شدم و در حالی که نشسته بودند، فرمودند: ای ابراهیم! آن که گرفتاری ها و مشکلات شیعیان را برطرف می کند پس از تنگی شدید و بلای طولانی و جزع و فرع، خواهد آمد.

پس خوشا به حال آن که آن زمان را درک کند. دیگر تو را کافی است، ای ابراهیم!

ص: ۶۹

راوی گوید: از محضر ایشان مرخص شدم، در حالی که تاکنون چنین امر خوشحال کننده ای بر قلب من داخل نشده بود و چیزی که چشم مرا این مقدار روشن کرده باشد».

آیا امام کاظم علیهما السلام قائم بوده است؟

یونس بن عبدالرحمن از اصحاب امام کاظم علیه السلام است که از آن جناب پرسیده است: ای فرزند رسول خدا! آیا شما قائم به حق هستید؟

و آن حضرت در جواب فرمودند:

«أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ الْقَائِمَ الَّذِي يَطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِي لَهُ غَيْبُهُ يُطَوَّلُ أَمْدُهَا خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ يَزْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَيَثْبُتُ فِيهَا آخِرُونَ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحُبِّنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَى مَوَالَاتِنَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَنْمَهُ وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً وَطُوبَى لَهُمْ هُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛^(۱)

«من هم قائم به حق هستیم؛ اما آن قائمی که زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک می کند و آن را از عدل پر می نماید چنان که از جور و ستم پر شده باشد، پنجمین از نسل من است، او دارای غیبتی طولانی است که به

ص: ۷۰

۱- ۴۶. منتخب الانوار، ص ۸۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کفایه الاثر، ص ۲۶۹.

جهت خوف، غیبت می کند، در آن زمان برخی مرتد می شوند و بعضی نیز ثابت قدم می مانند.

سپس فرمود: خوشا به حال شیعیان ما، همانان که در زمان غیبت قائم ما به محبت ما متمسک می شوند، بر ولایت و دوستی ما پا برجایند و از دشمنان ما بیزارند. آنان از ما آیند و ما نیز از ایشانیم، آنان به امامت ما راضی اند و ما هم به شیعه بودن ایشان خشنودیم، خوشا به حال آنان! به خدا قسم روز قیامت هم درجه با ما آیند».

پنجمین از هفتمین یعنی چه؟

امامان علیهم السلام نور واحد هستند و از هم جدایی ناپذیرند، اگر کسی یکی از ایشان را بپذیرد و دیگری را قبول نکند پذیرفتنی نیست، چنان که اگر ۱۱ نفر آنان را قبول کند؛ اما یکی را رد کند گویا هیچ کدام را قبول نکرده؛ چنان که صفوان بن مهران از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

هر که به تمام امامان اقرار کند؛ امّا مهدی را انکار نماید؛ مانند کسی است که همه پیامبران را تصدیق کند، ولی نبوت محمد صلی الله علیه وآله را انکار نماید.

سؤال شد: مهدی از کیست، ای فرزند رسول خدا؟ آیا فرزند شماست؟

فرمود: «الْحَامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ يَغِيبُ عَنْكُمْ شَخْصُهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ تَسْمِيَتُهُ»؛^(۱)

ص: ۷۱

۱- ۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۱ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۳.

«او پنجمین از فرزند هفتمین خواهد بود، همان که شخص او از شما غایب می شود و نام بردنش نیز بر شما حلال نیست».

امام کاظم علیه السلام امام هفتم است و پنجمین فرزند ایشان نیز امام مهدی علیه السلام است.

خلف مأمول فرزند کیست؟

مفضل بن عمر می گوید: به محضر مولایم امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای آقای من! دوست دارم در مورد جانشین بعد از خودتان بفرمایید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«یا مُفَضَّلُ! الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ابْنِي مُوسَى وَالْخَلْفُ الْمَأْمُولُ الْمُتَنَتَّرُ م ح د بُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى»؛ [\(۱\)](#)

«ای مفضل! امام پس از من، فرزندم موسی است؛ ولی آن جانشینی که همه آرزویش را دارند و به انتظار او نشسته اند، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی می باشد».

شاه عبدالعظیم حسنی در مورد قائم چه پرسید؟

و اینک حدیث و سؤالی از حضرت عبدالعظیم حسنی که به شاه عبدالعظیم و سید الکریم نیز معروف هستند.

ص: ۷۲

۱- ۴۸. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۵ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۳۴ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳.

این مطلب در کتاب شریف کمال الدین از مرحوم شیخ صدوق نقل شده است که حضرت عبدالعظیم می گوید: خدمت مولایم امام جوادعلیه السلام رسیدم و قصد داشتم از «قائم» سؤال کنم که آیا او مهدی است یا غیر اوست، اما بدون این که من حرفی بزنم، خود امام جوادعلیه السلام فرمود:

«يا أَيُّهَا الْقَاسِمُ! إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا هُوَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَجِبُ أَنْ يَنْتَظَرَ فِي غَيْبَتِهِ وَيَطَاعَ فِي ظُهُورِهِ وَهُوَ الثَّلَاثُ مِنْ وُلْدِي وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْبُؤُوهِ وَحَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ إِنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَصْلِحُ أَمْرَهُ فِي لَيْلِهِ كَمَا أَصْلَحَ أَمْرَ كَلِيمِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَقْتَبَسَ لِأَهْلِهِ نَارًا فَرَجَعَ وَهُوَ رَسُولُ نَبِيِّ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ»؛(۱)

«ای ابوالقاسم! حتماً قائم ما همان مهدی است، همان که در زمان غیبتش واجب است که منتظر او باشند، و در زمان ظهور، مطیع وی گردند؛ او سومین فرزند من است. قسم به خدایی که محمد را به پیامبری برگزید و ما را به امامت اختصاص داد! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خدا آن یک روز را آن قدر طولانی فرماید تا او ظهور نماید و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد و به درستی که

ص: ۷۳

خداوند متعال امر فرج او را در یک شب اصلاح خواهد کرد؛ چنان که امر پیامبر کلیم خود موسی علیه السلام را در یک شب اصلاح فرمود، به گونه ای که وی رفته بود تا برای اهل و خانواده اش آتشی بیاورد، اما برگشت در حالی که پیامبر و رسول خدا شده بود.

امام جواد علیه السلام آن گاه فرمود: برترین اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

سؤال دیگر شاه عبدالعظیم حسنی چه بود؟

چنان که در کفایه الاثر نقل شده است، حضرت عبدالعظیم حسنی می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: من امید داشتم که شما همان قائم اهل بیت باشید، همان که زمین را از عدل و داد پر می کند چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

امام جواد علیه السلام فرمودند:

«يَا أَيُّهَا الْقَاسِمُ مَا مِنَّا إِلَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَهَادٍ إِلَى دِينِ اللَّهِ وَلَسْتُ الْقَائِمَ الَّذِي يَطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنَ أَهْلِ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَقِسْطًا، هُوَ الَّذِي يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ وَيَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَشْمِيئَتُهُ وَهُوَ سَمِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَكُنْيَهُ وَهُوَ الَّذِي يَطْوِي لَهُ الْأَرْضَ وَيَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَيْعِبٍ، يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عَدَدُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ

أَهْلِيلِ الْأَرْضِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ، فَإِذَا أُكْمِلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ أَلْفِ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يُقْتَلُ أُعْيَادًا لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

قَالَ عَبْدُ الْعَزِيزِ: قُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي وَكَيْفَ يَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ؟

قَالَ: يَلْقَى فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ؛ (١)

«ای ابوالقاسم! هیچکدام از ما امامان نیست مگر این که قائم به امر خداست و هادی مردم به سوی دین خدا می باشد، اما آن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از کفر و الحاد پاک می کند و آن را از عدل و داد پر می نماید، من نیستم. او کسی است که ولادتش از مردم مخفی است، شخص او ناپیدا و نام بردنش نیز حرام است. او همانم و هم کنیه رسول خداست، او کسی است که خداوند طی الارض را به وی عنایت می کند، و هر مشکلی برایش آسان می گردد.»

اصحاب او که تعدادشان ۳۱۳ نفر و به عدد مجاهدان بدر است از دورترین نقاط زمین دور او جمع می شوند، و چنین است سخن خداوند متعال: هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.

هرگاه این عده از یاران او از سراسر جهان برای وی فراهم شد و پیمان ده هزار مرد برای او کامل گردید، به اذن خداوند ظهور می نماید و آن قدر

ص: ۷۵

از دشمنان خدا را می کشد تا خداوند راضی شود.

حضرت عبدالعظیم می گوید گفتم: ای آقای من! چگونه می فهمد که خدا راضی شده است؟

فرمود: رحمت را به قلبش القا می کند».

علی بن مهزیار از امام هادی علیه السلام چه پرسید؟

علی بن مهزیار که جریان ملاقات وی با امام زمان علیه السلام معروف است، می گوید: نامه ای نوشتم و از امام هادی علیه السلام در مورد فرج پرسیدم.

حضرت در جواب مرقوم فرمودند:

«إِذَا غَابَ صَاحِبُكُمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِينَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ»؛^(۱)

«هرگاه صاحب شما از حکومت ظالمان غایب گردید، پس منتظر فرج باشید».

خبر امام هادی علیه السلام در مورد مهدی علیه السلام

علی بن عبدالغفار می گوید آن گاه که امام محمد تقی علیه السلام به شهادت رسید، شیعیان برای فرزندش امام هادی علیه السلام نامه نوشتند و در مورد جریان امامت از ایشان پرسیدند.

آن حضرت جواب فرمودند:

ص: ۷۶

«الْأَمْرُ لِي مَا دُمْتُ حَيًّا، فَإِذَا نَزَلْتُ بِي مَقَادِيرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَتَاكُمْ الْخَلْفُ مِنِّي وَأَنْتِي لَكُمْ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِ الْخَلْفِ»؛ (۱)

«امر امامت با من است تا زمانی که زنده هستم، هرگاه تقدیر الهی برای من مقدر شد (و از دنیا رفتم) جانشین من برای شما خواهد آمد؛ اما چگونه خواهد بود حال شما در زمان خلف بعد از آن جانشین!»

اشاره امام حسن عسکری علیه السلام

احمد بن اسحاق نیز از امام حسن عسکری علیه السلام در مورد صاحب هذا الامر پرسیده است که آن حضرت با دست اشاره فرمودند؛ یعنی:

«إِنَّهُ حَى غَلِيظُ الرَّقَبَةِ»؛ (۲)

«او زنده است و تحت مراقبت شدید می باشد».

ص: ۷۷

۱- ۵۲. اعلام الوری، ص ۴۳۸ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۲.

۲- ۵۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱ / غیبت طوسی، ص ۲۵۱.

فصل پنجم: اوصاف و شباهت ها

اشاره

ص: ۷۹

شبهات امام زمان علیه السلام به پیامبران علیهم السلام

امام زمان علیه السلام به هر کدام از پیامبران الهی شباهتی دارد و از هر کدام نیز معجزه ای، برخی از این شباهت ها را امام باقر علیه السلام چنین فرموده اند:

«فِي صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ شَبَهُهُ مِنْ أَرْبَعَةِ أَنْبِيَاءَ شَبَهُهُ مِنْ مُوسَى وَشَبَهُهُ مِنْ عِيسَى وَشَبَهُهُ مِنْ يَوْسُفَ وَشَبَهُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛

«در مورد صاحب الزمان علیه السلام شباهت هایی به چهار پیامبر هست، شباهتی به موسی، شباهتی به عیسی و شباهتی به یوسف و شباهتی به محمد صلی الله علیه و آله».

ابوبصیر می گوید عرض کردم: چه شباهتی به موسی دارد؟

فرمود: «خَائِفٌ يَتَرَقَّبُ»؛

خائف و نگران (مردم) و منتظر است».

گفتم: شباهتش به عیسی چیست؟

فرمود: «قِيلَ فِيهِ مَا قِيلَ فِي عِيسَى».

«در مورد ایشان همان خواهند گفت که در مورد حضرت عیسی گفتند».

قُلْتُ: فَمَا شَبَهُهُ يَوْسُفَ؟ گفتم: شباهتشان به یوسف چیست؟

قَالَ: السَّجْنُ وَالْغَيْبَةُ. فرمود: زندان و غیبت.

قُلْتُ: وَمَا شَبَهُهُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ عرض کردم: چه شباهتی به پیامبر صلی الله علیه و آله دارند؟

قَالَ: إِذَا قَامَ سَارَ بِسَيْرِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا أَنَّهُ يَبِينُ آثَارَ مُحَمَّدٍ وَيَضَعُ السَّيْفَ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرْجًا هَرْجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ.

فرمود: آن گاه که قیام کند به سیره و روش ایشان رفتار خواهد کرد، با این فرق که همان احکام و آثار و سنت پیامبر را تبیین خواهد فرمود؛ شمشیرش را هشت ماه بر می دارد و دشمنان خدا را می کشد تا این که خدا راضی شود.

قُلْتُ: فَكَيْفَ يَعْلَمُ رِضَا اللَّهِ؟

گفتم: از کجا می فهمد که خدا راضی شده است؟

قَالَ: يَلْقَى اللَّهُ فِي قَلْبِهِ الرَّحْمَةَ؛(۱)

فرمود: خداوند در قلبش رحمت القا می کند.

وجود اوصاف پیامبران الهی در موعود الهی

محمد بن مسلم از اصحاب خاص امام باقر و امام صادق علیهما السلام می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام رفتن تا در مورد قائم آل محمد علیه السلام از آن حضرت سؤال کنم، اما خود آن جناب بدون مقدمه فرمودند:

«يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ! إِنَّ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَبَهًا مِنْ خَمْسَةِ مِنَ الرُّسُلِ: يُونُسُ بْنُ مَتَّى وَيُوسُفُ بْنُ يَعْقُوبَ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ.

«ای محمد بن مسلم! همانا برای قائم آل محمد شباهت هایی از پنج پیامبر

ص: ۸۱

وجود دارد: حضرات یونس و یوسف و موسی و عیسی و محمدعلیهم السلام.

فَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ يُونُسَ: فَرَجُوعُهُ مِنْ غَيْبَتِهِ وَهُوَ شَابٌّ بَعْدَ كِبَرِ السِّنِّ؛

اما شباهت به یونس علیه السلام: برگشت او بود از غیبتش در حالی که جوان بود بعد از گذشت سال ها و پیری او.

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ يَوْسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ: فَالْغَيْبَةُ مِنْ خَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ وَاخْتِفَاؤُهُ مِنْ إِخْوَتِهِ وَإِشْكَالُ أَمْرِهِ عَلَى أَبِيهِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعَ قُرْبِ الْمَسَافَةِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَبِيهِ وَأَهْلِهِ وَشِيعَتِهِ؛

شباهت به یوسف علیه السلام: او نیز از همه غایب شده بود از بستگان و غیره. و مخفی شدن وی از برادرانش و سخت شدن این کار بر پدرش یعقوب علیه السلام با این که فاصله بین او و پدر و اهل و پیروانش نزدیک بود.

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ مُوسَى: فَدَوَامُ خَوْفِهِ وَطُولُ غَيْبَتِهِ وَخَفَاءُ وِلَادَتِهِ وَتَعَبُ شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ بِمَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَالْهَوَانِ إِلَى أَنْ أَدِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ظُهُورِهِ وَنَصْرَهُ وَأَيْدِهِ عَلَى عَدُوِّهِ؛

شباهت حضرت قائم به موسی علیه السلام: ادامه دوره نگرانی و اضطراب او و طول مدت غیبت و نیز پنهانی بودن ولادت وی و سختی پیروانش بعد از او به سبب آزار و اذیتی که به آنان رسید، تا زمانی که خداوند در ظهور و یاری او اجازه فرمود و ایشان را بر دشمنانش پیروز نمود.

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ عِيسَى: فَاخْتِلَافُ مَنْ اخْتَلَفَ فِيهِ حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَا وُلِدَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مَاتَ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ قُتِلَ وَصَلِبَ؛

شباهت به حضرت عیسی علیه السلام: به جهت اختلاف مردم پیرامون وی است،

به گونه ای که برخی گفتند اصلاً او متولد نشده، بعضی گفتند مرده، عده ای گفتند کشته شده و او را به صلیب کشیده اند .

وَأَمَّا شَبَّهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَخُرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَقَتْلُهُ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَأَعْدَاءَ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْجَبَّارِينَ وَالطَّوَاعِيتَ وَأَنَّهُ يَنْصِيرُ بِالسَّيْفِ وَالرُّعْبَ وَأَنَّهُ لَا تُرَدُّ لَهُ رَايَةٌ سِوَى سِوَى... مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجِ السُّفْيَانِي مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجِ الْيَمَانِي وَصِيحَةٍ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمُنَادٍ ينادِي بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ: (۱)

اما شباهت امام زمان علیه السلام به جد بزرگوارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این است که با قدرت شمشیر ظهور می کند، دشمنان خدا و رسولش را که ظالمان و طاغوتیان هستند به قتل می رساند. خداوند متعال با قدرت شمشیر و ترسی که بر دل دشمنانش می اندازد، امام را پیروز می کند و هرگز پرچم و لشکر او عقب نشینی ندارد.

برخی از علائم و نشانه های ظهور ایشان چنین است: خروج سفیانی از شام، خروج یمانی، ندایی از آسمان در ماه رمضان که منادی، اسم او و اسم پدرش صدا را می کند.»

شباهت مهدی علیه السلام به یوسف علیه السلام چیست؟

ابوبصیر روایت کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

«فِي الْقَائِمِ شَبَهُ مِنْ يُوسُفَ»؛

ص: ۸۳

«در قائم علیه السلام شباهتی به یوسف پیامبر علیه السلام است».

عرض کردم: چه شباهتی؟

فرمود: «الْحَيْرَةُ وَالْغَيْبَةُ»؛^(۱)

«سرگردانی و غیبت».

ص: ۸۴

۱- ۵۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۴ / غیبت طوسی.

لقب «قائم» را چه کسی انتخاب کرد؟

«قائم» در لغت اسم فاعل و به معنای قیام کننده است؛ اما این که در اصطلاح یعنی چه و چرا مختص به امام زمان علیه السلام شده، از سؤالاتی است که شیعیان آن را از امامان علیهم السلام پرسیده اند.

از ابو حمزه ثمالی نقل شده که وی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: ای فرزند رسول خدا! مگر همه شما امامان، قائم به حق نیستید؟

امام باقر علیه السلام فرمود: آری.

عرض کردم: پس چرا فقط به امام دوازدهم قائم گفته می شود؟ فرمود:

«لَمَّا قُتِلَ حَيْدَى الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْبُكَاءِ وَالنَّجِيبِ وَقَالُوا: إِيهْنَا وَسَيِّدَنَا أَتَغْفُلُ عَمَّنْ قَتَلَ صَفْوَتَكَ وَابْنَ صَفْوَتِكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ: قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوَ عَزَّتِي وَجَلَالِي لَأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ، ثُمَّ كَشَفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْأُئِمَّةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ لِلْمَلَائِكَةِ فَسَيَّرَتِ الْمَلَائِكَةُ بِذَلِكَ فَإِذَا أَحَدُهُمْ قَائِمٌ يَصِيَلُنِي، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ»؛^(۱)

«آن گاه که جدم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان الهی با گریه و ناله به درگاه الهی ضجه نموده، عرض کردند: ای خدا و مولای ما! آیا از کسانی

ص: ۸۶

۱- ۵۷. علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶۰ / بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸ / بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۱.

که برگزیده و فرزند برگزیده تو را به شهادت رساندند می گذری، او که بهترین خلق توست؟

خداوند به آنان وحی فرمود: فرشتگان من! آرام باشید، به عزت و جلالم سوگند که حتماً از آنان انتقام خواهم گرفت؛ هر چند مدتی بگذرد.

سپس خداوند امامان از فرزندان امام حسین علیه السلام را برایشان نمایان ساخت و فرشتگان خوشحال شدند. اما دیدند یک نفر از ایشان ایستاده و نماز می خواند، خداوند فرمود: به وسیله آن که ایستاده، از آنان انتقام خواهم گرفت».

قائم و مهدی یعنی چه؟

مرحوم شیخ طوسی در سلسله سند خود نقل می کند که ابوسعید خراسانی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا مهدی و قائم یک نفر است؟

فرمود: آری. گفتم: چرا ایشان را مهدی نامیده اند؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيَ وَسُمِّي الْقَائِمَ لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَا يَمُوتُ إِنَّهُ يَقُومُ بِأَمْرِ عَظِيمٍ»؛ (۱)

«چون به هر امر و کار مخفی هدایت و رهنمون می شود. و به این جهت قائم نامیده شده، چون بعد از آن که نامی از وی نیست قیام می کند، او به امر عظیمی قیام خواهد کرد».

ص: ۸۷

مرحوم شیخ صدوق نقل می کند: یکی از اصحاب امامان علیهم السلام به نام صقر بن دلف می گوید: از امام جوادعلیه السلام شنیدم که می فرمود: امام بعد از من پسر علی است و سپس فرزندش حسن امام است. آن گاه سکوت کردند. عرض کردم: سپس چه کسی امام است؟ امام جوادعلیه السلام گریه شدیدی کردند و فرمودند:

«إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرَ. فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لِمَ سُمِّي الْقَائِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَارْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ.

فَقُلْتُ لَهُ: وَلِمَ سُمِّي الْمُنْتَظَرَ؟ قَالَ: لِأَنَّ لَهُ غَيْبَةً تَكْثُرُ أَيَامُهَا وَيَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَيَنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَيَسْتَهْزِئُونَ بِذِكْرِهِ الْجَاهِلُونَ وَ يَكْثُرُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ وَيَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيُنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»؛ (۱)

«پس از حسن، پسرش که قائم به حق و منتظر است، امام خواهد بود.

عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! چرا قائم نامیده شده است؟

فرمود: چون بعد از آن که ذکر و یادش از بین رفته، قیام می کند، پس از آن که بسیاری از مردم از امامت او بر می گردند.

گفتم: چرا منتظر نامیده شده است؟

فرمود: چون غیبتی خواهد داشت که روزهایش زیاد و مدتش طولانی خواهد شد، لذا افراد مخلص منتظر ظهور اویند؛ اما تردید کنندگان آن را

ص: ۸۸

انکار کرده و منکران نیز استهزاء می کنند. بسیاری از افراد برای آن وقت گذاری می کنند و کسانی هم که عجله کنند هلاک خواهند شد؛ اما مسلمانان واقعی نجات خواهند یافت».

قائم آل محمد چه کسی است؟

در کتاب شریف کافی نقل شده که حکم بن ابونعیم می گوید: در مدینه خدمت امام باقرعلیه السلام رسیدم و به آن حضرت عرض کردم: بین رکن و مقام نذر کردم که هرگاه به مدینه آمدم و شما را ملاقات کردم، از شهر خارج نشوم تا این که بدانم آیا شما قائم آل محمد هستید یا نه؟

آن حضرت جوابی به من ندادند، تا این که ۳۰ روز در مدینه ماندم. روزی در بین راه ایشان را زیارت کردم، فرمود: تو هنوز اینجا هستی؟

عرض کردم: من که گفتم چه نذری کردم، شما هم نه امری فرمودید نه نهی کردید و نه جوابی دادید.

فرمود: فردا صبح زود بیا منزل.

من نیز چنین کردم، امام باقرعلیه السلام فرمود: پیرس هر حاجتی که داری.

عرض کردم: من برای خدا نذر کردم به روزه و صدقه در بین رکن و مقام که هرگاه شما را ملاقات کردم از مدینه خارج نشوم تا این که بدانم شما قائم آل محمد هستید یا نه؟ اگر شما همان باشید در خدمت شما باشم و اگر شما نیستید بروم و دنبال کار خود باشم.

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«يا حَكَمُ كُنَّا قَائِمِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ؛» (ای حکم! همه ما قائم به امر خداوند هستیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ الْمَهْدِيُّ؟)؛ «گفتم: پس شما مهدی هستید؟»

قَالَ: كُنَّا يَهْدِي إِلَى اللَّهِ؛» (فرمود: همه ما مردم را به سوی خدا هدایت می کنیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ صَاحِبُ السَّيْفِ؟)؛ گفتم: پس شما صاحب شمشیر هستید؟

قَالَ: كُنَّا صَاحِبِ السَّيْفِ وَوَارِثِ السَّيْفِ؛ فرمود: همه ما صاحب شمشیر و وارث آن هستیم.

قُلْتُ: فَأَنْتَ الَّذِي تَقْتُلُ أَغْيَاءَ اللَّهِ وَيَعِزُّ بِكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَيُظْهِرُ بِكَ دِينَ اللَّهِ؟» (عرض کردم: پس شما همان هستید که دشمنان خدا را می کشید، دوستان خدا به سبب شما عزیز می شوند و دین الهی ظاهر و حاکم می گردد؟)

فَقَالَ: يَا حَكَمُ كَيْفَ أَكُونُ أَنَا وَبَلَغْتُ خَمْسًا وَأَرْبَعِينَ وَإِنَّ صَاحِبَ هَذَا أَقْرَبُ عَهْدًا بِاللَّبَنِ مِنِّي وَأَخْفُ عَلَى ظَهْرِ الدَّابَّةِ؛(۱)

«فرمود: ای حکم! چگونه او من باشم در حالی که سن من به ۴۵ سال رسیده است؛ اما صاحب این امر جوان تر از من است و سبکبال تر بر اسب سوار می شود».

ص: ۹۰

صاحب الامر کیست؟

این سؤالی است که شعیب بن ابو حمزه از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا شما صاحب این امر هستید؟ آن جناب فرمودند: خیر.

سؤال می کند: پس فرزند شماست؟ می فرماید: خیر.

عرض می کند: پس چه کسی است؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الَّذِي يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا لَعَلِّي فَتْرَهُ مِنَ الْأَثَمَةِ يَأْتِي كَمَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بُعِثَ عَلَى فَتْرِهِ»؛ (۱)

«آن کسی که زمین را از عدل پر می کند؛ همان طور که از جور و ستم پر شده باشد، او هنگامی خواهد آمد که کسی از امامان معصوم علیهم السلام نیست، همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از مدت ها که پیامبری نبود، مبعوث شد.»

ستارگان آسمان ولایت و امامت

مرحوم شیخ صدوق در کتاب شریف کمال الدین نقل می کند که معروف بن خزربوذ گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم: در مورد خودتان بفرمایید؟

آن جناب فرمود:

«نَحْنُ بِمَنْزِلَةِ النُّجُومِ إِذَا خَفِيَ نَجْمٌ بَدَأَ نَجْمٌ مَأْمَنٌ وَأَمَانٌ وَسَلَامٌ وَإِسْلَامٌ وَفَاتِحٌ وَمِفْتَاحٌ حَتَّى إِذَا اسْتَوَى بُنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَلَمْ يَدْرَ أَيُّ مِنْ أَيْ أَظْهَرَ

ص: ۹۱

اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ صَاحِبَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ يَخِيرُ الصَّعْبَ عَلَى الدَّلُولِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَيُّهُمَا يَخْتَارُ؟

قَالَ: يَخْتَارُ الصَّعْبُ عَلَى الدَّلُولِ؛(۱)

«ما همانند ستارگان آسمانیم، هر گاه ستاره ای از ما غایب شد ستاره ای دیگر ظاهر خواهد شد که موجب امان و امنیت و سلامت و اسلام و فاتح و مفتاح خواهد بود. تا هنگامی که بنو عبدالمطلب حاکم هستند کسی نمی داند امام ایشان کیست، اما آن گاه که خداوند صاحب شما را ظاهر گرداند حمد خدای عزوجل را به جای آورید، خداوند او را بین دو امر آسان و مشکل مخیر می سازد.

عرض کردم: فدایتان شوم! آن حضرت کدام یک را انتخاب می فرماید؟

فرمود: امر مشکل را بر امر آسان ترجیح می دهد».

چرا بعضی از امامان قیام نکردند؟

در کتاب غیبت نعمانی چنین آمده که عبدالله بن عطاء می گوید: خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: شیعیان شما در عراق فراوان هستند، در اهل بیت شما هم کسی مانند شما نیست، پس چرا قیام نمی کنید؟

امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: ۹۲

«يا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَطَاءٍ قَدْ أَخَذَتْ تَفْرُشُ أذُنِكَ لِلنُّوَكِيِّ، لَا وَاللَّهِ مَا أَنَا بِصَاحِبِكُمْ.

قُلْتُ: فَمَنْ صَاحِبُنَا؟

فَقَالَ: أَنْظَرُوا مَنْ غُيِبَ عَنِ النَّاسِ وَلَدَاتُهُ، فَذَلِكَ صَاحِبِكُمْ، إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا أَحَدٌ يَشَارُ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَيَمَضَعُ بِاللُّسْنِ إِلَّا مَاتَ غَيْظًا أَوْ حَتْفَ أَنْفِهِ»؛ (۱)

«ای عبدالله فرزند عطاء! گویا گوش خود را در اختیار افراد نادان و احمق قرار دادی، خیر، به خدا قسم که من صاحب شما نیستم.

گفتم: پس صاحب ما کیست؟

فرمود: نگاه کنید همان که تولدش از مردم مخفی می ماند، او صاحب شماست چرا که هیچ کسی از ما اهل بیت نیست که به او اشاره شود یا نامش بر سر زبان ها افتاده؛ مگر این که یا به جهت غیظ دیگران مرده یا آنان را کشتند».

علامت قائم چیست؟

این سؤال است که مفضل بن عمر یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از آن جناب پرسیده و در غیبت نعمانی نقل شده است، مفضل می گوید:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: علامت و نشانه قائم چیست؟

آن حضرت فرمود:

«إِذَا اسْتَدَارَ الْفَلَکُ فَقِيلَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ فِي أَى وَادٍ سَلَكَ.

ص: ۹۳

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ثُمَّ يَكُونُ مَاذَا؟

قَالَ: لَا يَظْهَرُ إِلَّا بِالسَّيْفِ» (۱)

«آن گاه که اوضاع زمان متغیر شود، پس گفته می شود: معلوم نیست مرده، از بین رفته، یا در کدام وادی و بیابان رفته است؟

گفتم: فدایتان شوم! سپس چه می شود؟

فرمود: او ظهور نمی کند مگر با شمشیر».

ص: ۹۴

۱- ۶۴. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸ / غیبت نعمانی، ص ۱۵۶.

فصل هفتم: غیبت طولانی

اشاره

ص: ۹۵

خداوند مصلحت امت اسلامی و جامعه جهانی را در این دیده است که مهدی موعود مدتی در پس پرده غیبت باشد؛ لذا ابن عباس می گوید: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله می فرمود که علی بن ابی طالب علیه السلام امام امت من و خلیفه من بر آنان است، و قائم منتظر از فرزندان اوست؛ همان که زمین را از عدل و داد پر می کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

به خدا قسم آنان که بر قول او ثابت بمانند، در زمان غیبتش، هر آینه از کبریت احمر نیز نایاب ترند.

جابر بن عبدالله انصاری در محضر پیامبر خداصلی الله علیه وآله ایستاد و عرض کرد:

ای رسول خدا! آیا فرزندان قائم غیبت هم دارد؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«إِي وَرَبِّي وَلِيْمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمَحَقَ الْكَافِرِينَ، يَا جَابِرُ! إِنَّ هَذَا لِأَمْرٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِي عَنْ عِبَادِهِ فَإِيَّاكَ وَالشَّكَّ فِي أَمْرِ اللَّهِ فَهُوَ كُفْرٌ»؛ (۱)

«آری به خدا قسم یاد می کنم؛ و تا خداوند، افراد باایمان را خالص

ص: ۹۶

گرداند (و ورزیده شوند)؛ و کافران را به تدریج نابود سازد. ای جابر! این امری از امور خدا و سرّی از اسرار اوست که از بندگانش پوشانده است، پس پرهیز از شک در امر الهی که آن کفر است».

غیبت برای کدام یک از معصومین علیهم السلام رخ می دهد؟

مرحوم شیخ صدوق در کتاب کمال الدین می فرماید: سید بن محمد حمیری در قسمتی از یک حدیث طولانی نقل می کند به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

ای فرزند رسول خدا! اخبار و روایات صحیحی از پدران بزرگوار شما در مورد غیبت رسیده است، بفرمایید در مورد چه کسی این غیبت رخ خواهد داد؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سَيَتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِنْ وُلْدِي وَالثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْلُهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ صَاحِبُ الزَّمَانِ وَخَلِيفَةُ الرَّحْمَنِ وَاللَّهُ لَوْ بَقِيَ فِي غَيْبَتِهِ مَا بَقِيَ نُوحٌ فِي قَوْمِهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَظْهَرَ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛^(۱)

«برای ششمین امام از فرزندان من خواهد بود، او که امام دوازدهم هدایت بعد از رسول خداست که اول ایشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و آخرین آنان قائم به حق خواهد بود، او که بقیه الله در زمین و صاحب

ص: ۹۷

۱- ۶۶. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۵ / کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳ و ج ۲، ص ۳۴۳.

زمان و جانشین خداوند است. به خدا قسم که اگر در غیبت خود باقی بماند به مقداری که نوح در قومش مانده بود، از دنیا نخواهد رفت تا این که ظهور نماید و زمین را از قسط و عدل پر کند؛ چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد».

آیا غیبت مهدی علیه السلام حتمی است؟

اگر مصلحت الهی بر این قرار گرفته است که جهان به وسیله امام زمان علیه السلام اصلاح گردد، باید ایشان تا آن هنگام سالم بمانند، پس باید از دسترس دشمنان در امان باشند؛ لذا امام صادق علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

«لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبِهِ»؛

«ضروری است که آن «غلام» غایب شود».

سؤال شد: برای چه ای رسول خدا؟

حضرت فرمود:

«يَخَافُ الْقَتْلَ»؛^(۱)

«چون از کشته شدن می ترسد».

چرا مهدی علیه السلام غایب شده است؟

سدیر می گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا امام زمان علیه السلام غایب خواهد شد؟ فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبِي إِلَّا أَنْ يَجْرِيَ فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي غَيْبَاتِهِمْ وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُ يَا سَدِيرُ مِنْ اسْتِيفَاءِ مَدَدِ غَيْبَاتِهِمْ،

ص: ۹۸

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لَتَرْكَبَنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ» (۱)؛ أَيْ سَنَّا عَلَى سَنَنِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ»؛ (۲)

«خداوند متعال می خواهد سنت های پیامبران گذشته از جهت غیبت ایشان را در مورد امام زمان علیه السلام نیز جاری کند. لذا حتمی است که به مدت غیبت های آنان امام زمان علیه السلام نیز به جهت مصالح الهی غایب شود.

ای سدیر! چنان که خداوند فرموده: همه شما پیوسته از حالی به حال دیگر منتقل می شوید (تا به کمال برسید). تمام سنت های پیامبران گذشته برای شما هم خواهد بود».

حکمت غیبت امام علیه السلام چیست؟

عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ»؛

«حتماً برای صاحب این امر، غیبتی خواهد بود که هیچ چاره ای از آن نیست. در این مدت، اهل باطل به شک و تردید می افتند».

عرض کردم: فدایتان شوم، برای چه غایب می شود؟

فرمود: «لِأَمْرِ لَمْ يُؤْذَنْ لَنَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ»؛

«برای علتی است؛ اما اجازه نداریم آن را برای شما بیان کنیم».

عرض کردم: پس وجه و حکمت غیبت چیست؟

ص: ۹۹

۱- ۶۸. سوره انشقاق: آیه ۱۹.

۲- ۶۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۰ / کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۰.

«وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَمَّا يَنْكَشِفُ وَجْهَ الْحِكْمَةِ لَمَّا أَتَاهُ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَقَتْلِ الْعَلَامِ وَإِقَامَةِ الْجِدَارِ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا، يَا ابْنَ الْفَضْلِ! إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَسِرٌّ مِنَ اللَّهِ وَغَيْبٌ مِنَ غَيْبِ اللَّهِ وَمَتَى عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَكِيمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَإِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا»؛ (۱)

«وجه حکمت غیبت امام زمان علیه السلام همان حکمت غایب شدن پیامبران و حجت های گذشته است، علت و حکمت این غیبت ها هم کشف نخواهد شد مگر بعد ظهور آن حضرت، چنان که حکمت کارهای خضرعلیه السلام نیز در مورد سوراخ کردن کشتی و کشتن آن جوان و تعمیر نمودن دیوار، در ابتدا برای موسی علیه السلام معلوم نبود، مگر آن گاه که قرار شد از یک دیگر جدا شوند. ای فرزند فضل! این امر، یکی از امور خدا و سرّی از اسرار او و یکی از امور مخفی خداوند است. وقتی ما اعتقاد داریم که خداوند حکیم است؛ حتماً تصدیق می کنیم که تمام کارهایش از روی حکمت است؛ هر چند سبب و وجه حکمت آن برای ما معلوم نباشد».

امام زمان علیه السلام چرا غایب شدند؟

حسن بن فضال از پدرش نقل می کند که امام رضا علیه السلام فرمود:

ص: ۱۰۰

«كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ عِنْدَ فَقْدَانِهِمُ الثَّلَاثَ مِنْ وُلْدِي يَطْلُبُونَ الْمَرْعَى فَلَا يَجِدُونَهُ»؛

«گویا شیعیان را می بینم، آن گاه که سومین فرزند من (امام عسکری علیه السلام) را از دست بدهند، به دنبال محل استراحتی می گردند ولی نمی یابند».

می گوید عرض کردم: برای چه ای فرزند رسول خدا؟

فرمود: «لَأَنَّ إِمَامَهُمْ يَغِيبُ عَنْهُمْ»؛

«چون امام آنان غایب می شود».

گفتم: برای چه غایب می شود؟

امام رضا علیه السلام فرمود:

«لِيَلَّا يَكُونَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ إِذَا قَامَ بِالسَّيْفِ»؛^(۱)

«برای این که آن گاه که ظهور می نماید بیعت هیچ احدی (هیچ حاکم طاغوت) به گردن او نباشد».

امام غایب چگونه ولایت و روشنی می بخشد؟

اگر مردم نیاز به امام دارند و او هم زنده است، پس چرا غایب شده است؟ مردم از این امام غایب چگونه استفاده کنند و امام غایب چه فایده ای برای مردم دارد؟

برای یافتن جواب این مطلب، جابر جعفی می گوید: جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سؤال کرد: آیا شیعیان در زمان غیبت امام قائم علیه السلام از آن حضرت استفاده ای می برند؟

ص: ۱۰۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِى وَالَّذِى بَعَثَنِى بِالنَّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَتَنَفَعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وَلايَتِهِ فِى غَيْبَتِهِ كَأَن تَفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَلَهَا السَّحَابُ»؛ (۱)

«آرى، قسم به خدایى که مرا به نبوت برگزید! هر آینه آنان از وی منتفع خواهند شد و به هنگام غیبت، از نور ولایت او روشنایی خواهند گرفت؛ همانند استفاده مردم از خورشید آن گاه که ابرها خورشید را پوشانده باشند».

اگر خورشید نباشد جهان تاریک و ظلمانی خواهد شد؛ اما با آمدن خورشید، همه جا روز و روشن می شود؛ هر چند ابرهای متراکم جلوی تابش مستقیم نور آن را بگیرند؛ ولی روز همچنان روز است و روشن.

امام غایب و خورشید پشت ابر!

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام اعمش گوید: آن حضرت فرمود:

«لَمْ تَخْلُو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّهِ لِلَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّهِ لِلَّهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَعْبُدِ اللَّهَ».

قَالَ سُلَيْمَانُ: فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّهِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟

ص: ۱۰۲

قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»؛ (۱)

«زمین از روزی که آدم آفریده شده خالی از حجت نبوده؛ چه امام ظاهر و شناخته شده و یا امام غایب و پنهان و تا روز قیامت نیز چنین خواهد بود. اگر غیر از این بود خدا عبادت نمی شد.

سلیمان عرض کرد: مردم چگونه از امام غایب استفاده می کنند؟

فرمود: همان طور که از خورشید استفاده می کنند؛ آن گاه که ابرها آن را پوشانده باشند». (۲)

آیا دشمنی با امام نیز علت غیبت است؟

شیعیان و اصحاب امامان از همان ابتدا به دنبال مهدی موعود و قائم آل محمد علیهم السلام بودند؛ لذا در کتاب غیبت نعمانی با سلسله سند نقل شده که ابو خالد کابلی می گوید:

پس از شهادت امام سجاد علیه السلام خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ! قَدْ عَرَفْتُ انْقِطَاعِي إِلَى أَبِيكَ وَأُنْسِي بِهِ وَوَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ.

ص: ۱۰۳

۱- ۷۳. امالی شیخ صدوق، ص ۱۸۶ / کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۷ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ و ج ۲۳، ص ۵.
۲- ۷۴. در این مورد در یکی از توقیعات امام زمان ۷ نیز آمده است: «وَأَمَّا وَجْهُ الانْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالِانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الأَبْصَارِ السَّحَابُ»؛ «و اما نحوه استفاده مردم از من آن گاه که غایب باشم، همانند استفاده از خورشید است آن گاه که ابرها آن را از چشم مردم پوشانده باشند». بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ / احتجاج.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا بَا خَالِدٍ تُرِيدُ مَاذَا؟

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ وَصَفَ لِي أَبُوكَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ بِصِفِهِ لَوْ رَأَيْتَهُ فِي بَعْضِ الطُّرُقِ لَأَخَذْتُ بِيَدِهِ.

قَالَ: فَتُرِيدُ مَاذَا يَا بَا خَالِدٍ؟

قَالَ: أُرِيدُ أَنْ تُسَمِّيَهُ لِي حَتَّى أَعْرِفَهُ بِاسْمِهِ.

فَقَالَ: سَأَلْتَنِي وَاللَّهِ يَا بَا خَالِدٍ عَنْ سُؤَالٍ مُجْهِدٍ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ مَا لَوْ كُنْتُ مُحَدِّثًا بِهِ أَحَدًا لَحَدَّثْتُكَ وَلَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوهُ حَرَّضُوا عَلَيَّ أَنْ يَقْطَعُوهُ بَضْعَةً بَضْعَةً؛^(۱)

«فدایتان شوم! دوری مرا از مردم و انس و علاقه ام به پدرت را می دانید.

امام فرمود: آری، درست می گویی ای اباخالد، چه می خواهی؟

گفتم: فدایتان شوم! صاحب این امر را برایم به گونه ای توصیف بفرمایید که اگر ایشان را در راهی دیدم، دست به دامنش شوم.

فرمود: حالا چه می خواهی؟

عرض کردم: می خواهم اسم آن حضرت را بفرمایید تا او را با نام بشناسم.

امام فرمود: ای اباخالد! به خدا قسم که از مسأله مهمی سؤال کردی، از چیزی پرسیدی که اگر آن را به کسی گفته بودم، به تو هم می گفتم. ولی از امری پرسیدی که حتی اگر بنی فاطمه هم از آن مطلع شوند و او را بشناسند، حریص گشته و او را قطعه قطعه خواهند کرد.»

ص: ۱۰۴

آن ناشناس را چه بنامیم؟

در کتاب غیبت نعمانی که از اولین کتاب‌هایی است که پیرامون غیبت امام زمان علیه السلام نوشته شده، آمده است که ابوهاشم جعفری می‌گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم می‌فرمود: جانشین پس از من، پسر من حسن است، پس چگونه خواهید بود نسبت به جانشین پس از او؟

عرض کردم: فدایتان شوم! چطور است مگر؟

فرمود: «لَأَنْتُمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ.

قُلْتُ: فَكَيْفَ نَذْكُرُهُ؟

فَقَالَ: قُولُوا الْحُجَّةَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»؛^(۱)

«چون شخص او را نخواهید دید و بیان نام او هم حلال نخواهد بود.

گفتم: پس چگونه آن حضرت را یاد کنیم؟

فرمود: بگوئید حجت آل محمد علیهم السلام».

آن ناپیدا کیست؟

ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد قائم پرسیدم، فرمود:

«لَا يَرَى جِسْمَهُ وَلَا يَسْمَى بِاسْمِهِ»؛^(۲)

«جسم او دیده نمی‌شود و نامش نیز برده نمی‌شود».

ص: ۱۰۵

۱- ۷۶. کافی، ج ۱، ص ۳۲۸ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۱ / كشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۹ / غیبت طوسی، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۱.

۲- ۷۷. کافی، ج ۱، ص ۴۳۳ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۳ / کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۸ / وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۳۹.

چرا غیبت طولانی شده است؟

در کتاب غیبت نعمانی آمده که داوود رقی به امام صادق علیه السلام عرض می کند:

فدایتان شوم! این مسأله خیلی طولانی شده، به گونه ای که قلب های ما تنگ شده و از غم و غصه مردیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيَسٌ مَا يَكُونُ وَأَشَدُّ غَمًّا، يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا اسْمُهُ؟

قَالَ: اسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ وَصِيِّ»؛ (۱)

«غم و اندوه و ناامیدی این امر بیشتر از این هاست، (هر گاه وقت آن برسد) منادی از آسمان به نام قائم و نام پدرش ندا خواهد داد.

عرض کردم: فدایتان شوم! نامش چیست؟

فرمود: نامش همان نام پیامبر است و نام پدرش نیز نام وصی پیامبر است».

آیا امتحان و آزمایش مردم هم از علل غیبت است؟

ابن ابی یعفر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم! چه تعداد از عرب به همراه قائم هستند؟

فرمود: «شَيْءٌ يَسِيرٌ»؛ «تعداد کمی هستند».

ص: ۱۰۶

گفتم: اما خیلی از آنان در این مورد حرف می زنند؟

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَمَحَّضُوا وَيَمَيِّزُوا وَيَعْرَبُوا وَيَخْرُجُ فِي الْعَرَبِ خَلْقٌ كَثِيرٌ»؛ (۱)

«چاره ای جز امتحان مردم نیست، همه باید امتحان شوند، تا خوب و بد جدا گردند، همه باید غربال شوند و بسیاری از مردم ناخالص از آن خارج می شوند».

آن تنهای غریب!

داوود بن کثیر یکی دیگر از اصحاب است که از امام کاظم علیه السلام در مورد «صاحب هذا الامر» پرسیده است که آن جناب فرموده اند:

«هُوَ الطَّرِيدُ الْوَجِيدُ الْغَرِيبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمُؤْتَرُ بِأَبِيهِ»؛ (۲)

«او کسی است که از همه جا دور مانده و تنها و غریب است، حتی از اهل خود نیز غایب است و هنوز انتقام خون پدر به ناحق کشته اش را نگرفته است».

مدت حیرت و غیبت چقدر است؟

در حدیثی طولانی اصبع بن نباته از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که به آن

ص: ۱۰۷

۱- ۷۹. کافی، ج ۱، ص ۳۷۰ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۴ / غیبت نعمانی، ص ۲۰۴.

۲- ۸۰. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۱ / کمال الدین، ج ۲، ص ۳۶۱.

حضرت گفتیم: ای امیرمؤمنان! این حیرت و غیبت چقدر طول می کشد؟

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شش روز یا شش ماه یا شش سال!

عرض کردم: آیا چنین خواهد شد؟

فرمود:

«نَعَمْ كَمَا أَنَّهُ مَخْلُوقٌ وَأَنَا لَكَ بِالْعِلْمِ بِهَذَا الْأَمْرِ يَا أَصْبَغُ أَوْلَيْكَ خِيَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَعَ أُبْرَارِ هَذِهِ الْعِثْرَةِ.

قُلْتُ: وَمَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ؟

قَالَ: ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ، فَإِنَّ لَهُ إِرَادَاتٍ وَغَايَاتٍ وَنَهَايَاتٍ»؛^(۱)

«آری، چنان که او مخلوق است و تو کجا و درک این امر کجا، ای اصبغ!

آنان بهترینان این امت هستند، به همراه نیکان این عترت و خانواده.

گفتم: سپس چه خواهد شد؟

فرمود: هرچه خدا بخواهد همان خواهد شد. چرا که برای خداوند اراده ها و بداها و غایت ها و نهایت هاست».

بنابراین دلالت دارد که این مسأله نیز قابل بداء هست و بیان تردید ایشان بین شش روز و شش ماه و شش سال هم قرینه آن است.

چگونه به مهدی علیه السلام سلام کنیم؟

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا به حضرت مهدی با عنوان

ص: ۱۰۸

۱- ۸۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸ / غیبت طوسی، ص ۱۶۴ / بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۵ / کافی، ج ۱، ص ۳۲۸.

امیرالمؤمنین سلام کنیم؟

امام فرمود:

«لَا، ذَلِكْ اسْمُ سَمَاءِ اللَّهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَسْمَى بِهِ أَحَدٌ قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ إِلَّا كَافِرٌ»؛ (۱)

«خیر، این اسمی است که خداوند فقط برای امیر المؤمنین علیه السلام انتخاب کرده که نه قبل از ایشان و نه بعد از ایشان کسی به این اسم نامگذاری نشده است مگر کافر باشد.»

گفت: پس چگونه به آن حضرت سلام کنیم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: بگو «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَةَ اللَّهِ».

و سپس این آیه را قرائت فرمودند: «بَقِيْتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (۲)

دعای زمان غیبت چیست؟

زراره که از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام است می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: برای امام قائم قبل از قیامت غیبتی خواهد بود.

سپس توضیحاتی فرمودند و این که در آن زمان شیعه امتحان خواهد شد و دیگران نیز به شک و تردید می افتند.

زراره گوید عرض کردم: فدایتان شوم! اگر من آن زمان را درک کردم چه عملی انجام دهم؟

ص: ۱۰۹

۱- ۸۲. تفسیر فرات، ص ۱۹۳ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۲- ۸۳. سوره هود، آیه ۸۶: آنچه خداوند برای شما باقی گذارده، برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید! .

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يا زُرَّارَةُ إِنَّ أَدْرَكَتْ ذَلِكَ الزَّمانَ فَالزَّمْ هَذَا الدُّعاءَ:

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

ثُمَّ قَالَ: يا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلامٍ بِالْمَدِينَةِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَلَيْسَ يَقْتُلُهُ جَيْشُ السُّفْيَانِي؟

قَالَ: لَا وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ بَنِي فُلانٍ، يَخْرُجُ حَتَّى يَدْخُلَ الْمَدِينَةَ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ فِي أَي شَيْءٍ دَخَلَ فَيَأْخُذُ الْغُلامَ فَيَقْتُلُهُ فَإِذَا قَتَلَهُ بَغِيًّا وَعُدْوَانًا وَظُلْمًا لَمْ يَمُهَلِّهِمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَعِنْدَ ذَلِكَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ»؛(۱)

«ای زراره! اگر آن زمان را درک کردی این دعا را همیشه بخوان:

خدایا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من معرفی نکنی، پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا! رسالت را به من معرفی کن، چرا که اگر رسالت را به من معرفی نکنی حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! امام و حجت خودت را به من معرفی کن، چون اگر حجت خود را به من معرفی نکنی از دین خود گمراه خواهم شد.

سپس فرمود: ای زراره! قبل از ظهور، حتماً جوانی در مدینه کشته خواهد شد.

ص: ۱۱۰

عرض کردم: فدایتان شوم! آیا چنین نیست که لشکر سفیانی او را خواهند کشت؟

فرمود: خیر، بلکه فلانی‌ها او را خواهند کشت؛ خروج می‌کنند و به گونه‌ای وارد مدینه می‌شوند که کسی نمی‌فهمد از کجا داخل شده‌اند. در این حال آن جوان را می‌گیرند و به قتل می‌رسانند. آن‌گاه که او را به ناحق و از روی ظلم و ستم کشتند، دیگر خدا به آنان مهلت نمی‌دهد. پس در این وقت منتظر فرج باشید».

ندبه امام صادق علیه السلام در فراق مهدی علیه السلام

سدیر صیرفی می‌گوید: من و چند تن از اصحاب؛ از جمله: مفضل بن عمر و ابوبصیر و ابان بن تغلب به محضر امام صادق علیه السلام رسیدیم که آن حضرت را این‌گونه مشاهده کردیم: بر روی زمین نشسته بود، لباسی به نام مسح خیبری داشت که یقه نداشت و آستین‌هایش کوتاه بود، شدیداً گریه می‌کرد، همانند گریه زن فرزند مرده که جگرش آتش گرفته باشد، آثار غم و اندوه از رخسارش هویدا بود و در حالی که چشمانش پر از اشک بود، می‌فرمود:

«سیدی! غیبتک نَفَثَ رُقَادِی وَضِیْقَتْ عَلَی مِهَادِی وَأَسْرَتْ مِنِّی رَاحَهُ فُؤَادِی.

سیدی! غیبتک اَوْصَلَتْ مُصَابِی بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَفَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ یَفْنِی الْجَمْعُ وَالْعَدَدُ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعِهِ تَوْقَى مِنْ عَیْنِی وَأَنْبِیْ یَفْتُرُ مِنْ صَدْرِی عَنْ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَسَوَالِفِ الْبَلَايَا إِلَّا مَثَلَ لِعَیْنِی عَنْ عَوَائِرِ

أَعْظَمَهَا وَأَفْظَعَهَا وَتَرَاقَى أَشَدَّهَا وَأَنْكَرَهَا وَنَوَائِبَ مَخْلُوطِهِ بِغَضَبِكَ وَنَوَازِلَ مَعْجُونِهِ بِسَخَطِكَ.

ای آقای من! غیبت تو خواب را از من گرفته، رختخواب را بر من تنگ نموده و راحت و استراحت دلم را اسیر کرده است.

ای مولای من! غیبت تو مصیب من را ابدی کرده و فقدان یکی پس از دیگری، اجتماع را زایل نموده است. دیگر اشک دیدگانم را که از چشمانم روان است و آه و ناله ای که از سینه ام خارج می شود را احساس نمی کنم جز آنچه را که در برابر چشمانم مجسم است، به جهت مصایب و بلاهای گذشته، چون آن گرفتاری ها از همه جانگدازتر و سخت تر است و نیز به علت ناملایماتی که با غضب تو آمیخته شده و مصیبت هایی که با خشم تو عجین گردیده است.

قَالَ سَدِيرٌ: فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَا وَتَصَدَّعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا عَنِ ذَلِكَ الْخَطْبِ الْهَائِلِ وَالْحَادِثِ الْغَائِلِ وَظَنْنَا أَنَّهُ سَمَةٌ لِمَكْرُوهٍ قَارِعٍ أَوْ حَلَّتْ بِهِ مِنَ الدَّهْرِ بَيَاقُهُ، فَقُلْنَا: لَا أَبْكِي اللَّهُ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى عَيْنِيكَ مِنْ أَى حَادِثِهِ تَسْتَنْزِفُ دَمْعَتَكَ وَتَسِي تَمَطَّرُ عَبْرَتَكَ وَأَيُّهُ حَالَهُ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا الْمَأْتَمُ؟

قَالَ: فَزَفَرَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَفْرَهُ انْتَفَحَ مِنْهَا جَوْفُهُ وَاشْتَدَّ مِنْهَا خَوْفُهُ وَقَالَ: وَيَكُمُ إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ الْجَفْرِ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ وَهُوَ الْكِتَابُ الْمُشْتَمِلُ عَلَى عِلْمِ الْمَنِيَا وَالْبَلَايَا وَالرَّزَايَا وَعِلْمِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي خَصَّ اللَّهُ تَقَدَّسَ اسْمُهُ بِهِ مُحَمَّدًا وَالْأَيُّمَةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

السَّلَامُ وَتَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا وَغَيْبَتَهُ وَإِبْطَاءَهُ وَطُولَ عُمُرِهِ وَبَلْوَى الْمُؤْمِنِينَ بِهِ مِنْ بَعِيدِهِ فِي ذَلِكِ الزَّمَانِ وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِهِمْ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ وَازْتِدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِمْ وَخَلْعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ فَأَخَذْتَنِي الرَّقَّةُ وَاسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ.

سدیر می گوید: با دیدن این حالت از امام صادق علیه السلام از شدت حیرت، عقل از سرمان پرید و به جهت جزع از آن رخداد هولناک، قلب هایمان چاک چاک شد. و فکر کردیم مصیبتی کوبنده و حادثه ناگواری بر آن حضرت وارد شده؛ لذا عرض کردیم: ای فرزند بهترین خلق خدا! خداوند شما را گریان نکند! از چه حادثه ای است که چشمانتان گریان و اشکتان روان است؟ چه علتی موجب شده که این ماتم بر شما وارد شده است؟

امام صادق علیه السلام نفس عمیقی کشید که درونش لرزید و اندوهش افزون شد و فرمود: صبح امروز در کتاب جعفر نگاه کردم، کتابی که علم تمام حوادث آینده از بلاها و مصایب و هر چه هست و تا روز قیامت خواهد بود در آن وجود دارد، همان کتابی که خداوند آن را به پیامبر و اهل بیتش اختصاص داده است. در آن کتاب به میلاد قائم ما و غیبت او و طول عمر و تأخیر در فرج و بلاهای مؤمنان در آن زمان نگریستم که تردید و شک ها به جهت غیبت در دل مؤمنان حادث می شود، بسیاری از دین بر می گردند، و لباس اسلام را از تن بیرون و گردن خود را از اطاعت آن خارج می کنند، همان که خداوند فرمود: «کل انسان الزمناه طائره فی عنقه» که منظور از آن

ولایت ماست. به این جهت رقتی مرا گرفت و اندوه بر من چیره شد.

فَقُلْنَا: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! كَرَّمْنَا وَشَرَّفْنَا بِإِشْرَاكِكَ إِيَّانَا فِي بَعْضِ مَا أَنْتَ تَعْلَمُهُ مِنْ عِلْمٍ. قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَارَ فِي الْقَائِمِ مِنَّا ثَلَاثَةً أَدَارَهَا فِي ثَلَاثَةٍ مِنَ الرُّسُلِ؛ قَدَّرَ مَوْلِدَهُ تَقْدِيرَ مَوْلِدِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدَّرَ غَيْبَتَهُ تَقْدِيرَ غَيْبَةِ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدَّرَ إِبْطَاءَهُ تَقْدِيرَ إِبْطَاءِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عُمَرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ أَعْنَى الْخَضِرِ دَلِيلًا عَلَى عُمَرِهِ.

گفتیم: افتخار بدهید و ما را هم در مقداری از آنچه می دانید شریک بفرمایید.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند در قائم ما سه خصلت از سه پیامبر الهی را جاری می سازد: ولادتش را همانند ولادت موسی، غیبت او را همانند غیبت عیسی و تأخیرش را همانند تأخیر نوح و طولانی بودن عمر عبد صالح؛ یعنی خضر را دلیل بر طول مدت عمر قائم علیه السلام قرار داده است.

فَقُلْتُ: اكشِفْ لَنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ وُجُوهِ هَذِهِ الْمَعَانِي؟

گفتم: برایمان بیشتر توضیح بفرمایید.

آن حضرت نیز به تفصیل جریان موسی و نوح و عیسی را بیان کرد، به این که فرعون چون جریان موسی را فهمیده بود، شروع کرد به بازرسی زنان حامله و کشتن پسران بنی اسرائیل... سپس امام فرمود:

كَذَلِكَ بَنُو أُمِّيهِ وَبَنُو الْعَبَّاسِ لَمَّا وَقَفُوا عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِهِمْ وَالْأَمْرَ وَالْجَبَابِرَةَ مِنْهُمْ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا نَاصِيَةُ بُنَا الْعَدَاوَةِ وَوَضَعُوا سُيُوفَهُمْ فِي قَتْلِ آلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَإِبَادَةِ نَسْلِهِ طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى قَتْلِ

الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَأْبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنَ الظَّالِمِينَ إِلَى أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ... وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.

بنی امیه و بنی عباس نیز وقتی فهمیدند که سرنگونی سلطنت حاکمان و ظالمان ایشان به دست قائم ما خواهد بود، به دشمنی با ما اصرار کردند و برای کشتار اهل بیت رسول خدا علیهم السلام و قطع نسل آن جناب شمشیر کشیدند، به امید این که حضرت قائم علیه السلام را نیز به قتل برسانند؛ اما غافل از این که خداوند هرگز امر خود را برای کسی از ظالمان ظاهر نخواهد ساخت، تا آن گاه که نور الهی به تمام و کمال خود برسد؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

امام صادق علیه السلام در مورد غیبت عیسی و شبهه در قتل و صلیب ایشان نیز توضیح دادند و سپس فرمودند:

كَذَلِكَ غَيَّبَهُ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّ الْأُمَّةَ تُنَكِّرُهَا لِطَوْلِهَا فَمِنْ قَائِلٍ بغير هِدْيٍ بِأَنَّهُ لَمْ يُولَدْ وَقَائِلٍ يَقُولُ إِنَّهُ وُلِدَ وَمَاتَ وَقَائِلٍ يَكْفُرُ بِقَوْلِهِ إِنَّ حَادِي عَشْرًا كَانَ عَقِيمًا وَقَائِلٍ يَمْرُقُ بِقَوْلِهِ إِنَّهُ يَتَعَدَّى إِلَى ثَالِثِ عَشْرٍ فَصَاعِدًا وَقَائِلٍ يَعْصِي اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ إِنَّ رُوحَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْطِقُ فِي هَيْكَلٍ غَيْرِهِ.

در مورد قائم ما نیز به جهت طولانی شدن آن، برخی ها انکار خواهند کرد، آنان که هدایت نیافته اند می گویند هنوز متولد نشده یا متولد شده و از دنیا رفته، بعضی هم سخن کفرآمیز می گویند که امام یازدهم عقیم بوده، برخی هم قائل به بیش از سیزده امام می شوند و عده ای هم در معصیت خدا می گویند روح قائم در شخص دیگری حلول کرده و سخن می گوید.

امام صادق علیه السلام در مورد طولانی شدن عمر نوح علیه السلام و تبلیغ وی و درخواست عذاب برای قومش و نیز تأخیر عذاب آنان توضیح داد: تا کافران محض و مؤمنان خالص از یکدیگر مشخص شوند، آن گاه در شباهت امام زمان علیه السلام به آن جناب فرمود:

وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَمْتَدُّ أَيَّامُ غَيْبَتِهِ لِيَصْرِحَ الْحَقُّ عَنْ مَخْضِهِ وَيُضْفُو الْإِيمَانَ مِنَ الْكَدْرِ بِازْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ حَيْثُ مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يَخْشَى عَلَيْهِمُ النَّفَاقُ إِذَا أَحْسُوا بِالِاسْتِخْلَافِ وَالتَّمَكِينِ وَالْأَمْنِ الْمُتَشِيرِ فِي عَهْدِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قائم ما نیز چنین است؛ چرا که ایام غیبت آن حضرت طولانی می شود، تا زمانی که حق خالص و ایمان صاف از غیر آن مشخص شود و هر کسی از شیعیان که ناخالص است از آن بیرون رود، آنان که ممکن است اگر خلافت و حکومت و امنیت زمان قائم علیه السلام را ببینند دچار نفاق گردند.

وَ أَمَّا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْخَصْرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَا طَوَّلَ عُمُرَهُ لِنُبُوِّهِ قَدَرَهَا لَهُ وَلَا لِكِتَابٍ يُنَزِّلُهُ عَلَيْهِ وَلَا لِشَرِيْعَةٍ يَنْسَخُ بِهَا شَرِيْعَةَ مَنْ كَانَ قَبْلَهَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَلَا لِإِمَامَةٍ يُلْزِمُ عِبَادَهُ الْإِقْدَاءَ بِهَا وَلَا لِطَاعَةٍ يَفْرِضُهَا لَهُ بَلَى إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا كَانَ فِي سِيَاقِ عِلْمِهِ أَنْ يَقْدَرَ مِنْ عُمُرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَيَّامِ غَيْبَتِهِ مَا يَقْدَرُ وَعَلِمَ مَا يَكُونُ مِنْ إِنْكَارِ عِبَادِهِ بِمَقْدَارِ ذَلِكَ الْعُمُرِ فِي الطُّوْلِ طَوَّلَ عُمُرَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مِنْ غَيْرِ سَبَبٍ أَوْجَبَ ذَلِكَ إِلَّا لِعِلَّةِ الْإِسْتِدْلَالِ بِهِ عَلَى عُمُرِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلِيَقْطَعَ بِذَلِكَ؛ (۱)

ص: ۱۱۶

امّیا در مورد حضرت خضر علیه السلام؛ خداوند متعال عمر او را نه به جهت نبوت و رسالت طولانی کرد و نه به سبب نزول کتاب آسمانی بود، نه به خاطر شریعتی که بخواهد به وسیله آن شریعت انبیا گذشته را نسخ کند، نه به علت امانتی که بخواهد بندگان را ملزم به اقتدای او کند و نه به جهت اطاعتی که برای او واجب کرده باشد؛ بلکه چون خداوند متعال در علم ازلی و ابدی خود می دانست که قضا و تقدیر بر طولانی شدن عمر امام زمان علیه السلام در ایام غیبت خواهد گذشت و نیز می دانست که به جهت طولانی شدن عمر قائم علیه السلام برخی از بندگان به انکار خواهند افتاد، عمر حضرت خضر علیه السلام را بدون علت طولانی کرد تا بر طولانی شدن عمر قائم علیه السلام استدلال کند و به این وسیله عذر منکران را قطع نماید.

فضیلت انتظار فرج چیست؟

اجر مجاهدان جنگ بدر و احد بیشتر است یا منتظران ظهور امام زمان علیه السلام؟

این سؤالی است که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شده است؛ چنان که در کتاب غیبت شیخ طوسی آمده، امام صادق علیه السلام فرموده اند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

«سَيَأْتِي قَوْمٌ مِنْ بَعْدِكُمْ الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ مِنْكُمْ.

قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! نَحْنُ كُنَّا مَعَكَ بِبَدْرٍ وَأُحُدٍ وَحُنَيْنٍ وَنَزَلَ فِيْنَا الْقُرْآنُ!

فَقَالَ: إِنَّكُمْ لَوْ تَحَمَّلُوا [تَحَمَّلُونَ لِمَا حُمِّلُوا لَمْ تَصْبِرُوا صَبَرَهُمْ]؛ (۱)

«به زودی مردمی خواهند آمد که ثواب کار هر یک از آنان برابر پنجاه نفر شماست.

اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! یعنی از ما که در جنگ بدر و احد و حنین به همراه شما بودیم و قرآن هم در بین ما نازل شده است؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر وظیفه ای که به عهده آنان گذاشته اند

ص: ۱۲۰

به عهده شما گذاشته شود و اگر به بلاها و امتحانات آن دچار شوید توانایی و صبر آنان را نخواهید داشت».

پاداش کسی که در حال انتظار بمیرد چیست؟

در کتاب محاسن برقی نقل شده که از امام صادق علیه السلام پرسیده شد:

اجر و ثواب کسی که در حالت انتظار این امر مرده باشد، چیست؟

آن حضرت فرمودند:

«هُوَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ.

ثُمَّ سَكَتَ هُنَيْئَةً، ثُمَّ قَالَ: هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛^(۱)

«او به منزله کسی است که به همراه قائم و در خیمه آن حضرت باشد.

امام اندکی سکوت کرده، سپس فرمودند:

بلکه او همانند کسی است که به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است».

رابطه فرج و انتظار چیست؟

حسن بن جهم می گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: در مورد فرج توضیحی بفرمایید؟

آن حضرت فرمودند: مگر نمی دانی که انتظار فرج نیز خودش فرج است؟

ص: ۱۲۱

عرض کردم: من که چیزی نمی دانم، هر چه شما بفرمایید.

امام علیه السلام فرمود: آری انتظار فرج نیز خودش نوعی از فرج است. (۱)

انتظار یعنی جهاد

عبدالحمید واسطی به امام باقر علیه السلام عرض کرده است:

خدا به شما خیر دهد، به خدا قسم که ما کارها و بازارمان را به خاطر انتظار این امر تعطیل کردیم، به گونه ای که نزدیک است گدا و دست به دامن دیگران شویم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«يا عبيد الحميد! أ ترى من حَسَسَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ لَمَّا يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا بَلَى وَاللَّهِ لَيَجْعَلَنَّ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا، رَحِمَ اللَّهُ عبيدًا حَسَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا، رَحِمَ اللَّهُ عبيدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.

قَالَ قُلْتُ: فَإِنْ مِتُّ قَبْلَ أَنْ أُدْرِكَ الْقَائِمَ؟

فَقَالَ: الْقَائِلُ مِنْكُمْ إِنْ أُدْرِكْتَ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصْرَتُهُ كَالْمُقَارِعِ مَعَهُ بِسَيْفِهِ وَالشَّهِيدُ مَعَهُ لَهُ شَهَادَتَانِ»؛ (۲)

«ای عبدالحمید! آیا فکر می کنی کسی که خودش را وقف خدا کرده خداوند برای او فرجی نمی رساند؟! آری؛ به خدا قسم که خدا برایش فرج و گشایش عنایت می فرماید. خدا رحمت کند کسی را که خودش را وقف ما کند، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا نماید.

پرسیدم: اگر قبل از درک و ظهور قائم بمیرم چی؟

امام فرمود: هر کسی از شما که بگوید: «اگر قائم آل محمد را درک کنم

ص: ۱۲۲

۱- ۸۸. غیبت شیخ طوسی، حدیث ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۰.

۲- ۸۹. کافی، ج ۸، ص ۸۰ / محاسن، ج ۱، ص ۱۷۳ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶ / صراط مستقیم، ج ۲، ص ۲۶۲.

او را یاری خواهم کرد» این مانند کسی است که به همراه او جنگ کرده (حتی اگر قبل از ظهور بمیرد) و کسی هم که همراه آن حضرت به شهادت برسد، ثواب دو شهید دارد».

برادران پیامبر چه اوصافی دارند؟

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:

در یکی از روزها که عده ای از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خدمت ایشان بوده اند آن جناب دو بار فرموده اند:

«اللَّهُمَّ لَقِّنِي إِخْوَانِي»؛ «خدایا برادرانم را به من برسان».

اصحاب پیامبر عرض می کنند: مگر ما برادران شما نیستیم ای رسول خدا؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله می فرماید:

«لَمَّا، إِنَّكُمْ أَصِيحَابِي، وَإِخْوَانِي قَوْمٌ فِي آخِرِ الزَّمَانِ، آمَنُوا وَلَمْ يَرُونِي، لَقَدْ عَرَفَنِيهِمُ اللَّهُ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَخْرُجَهُمْ مِنْ أَصْلَابِ آبَائِهِمْ وَأَرْحَامِ أُمَّهَاتِهِمْ، لِأَخِيذِهِمْ أَشَدُّ بَقِيَّةً عَلَى دِينِهِ مِنْ خَرْطِ الْقِتَادِ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الغُضَا، أَوْلَيْتَكَ مَصَابِيحُ الدُّجَى، يَنْجِيهِمُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ غَبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ»؛ (۱)

«خیر، شما اصحاب و یاران من هستید، اما برادران من کسانی اند که در آخر الزمان می آیند، مرا نمی بینند اما به من ایمان می آورند. خداوند متعال آنان را با نام خودشان و نام پدرانشان به من معرفی فرموده است قبل از

ص: ۱۲۳

آن که از نسل پدرانشان و از رحم مادرانشان بیرون بیایند. هر کدام از آنان نسبت به دین خودش پایدارتر است از کشیدن تیغ های خشن و تیز، در شب تاریک، یا مانند کسی است که اخگر درخت غضا را در دستش نگه دارد؛ آنان همانند چراغی در شب تاریک هستند، خداوند ایشان را از فتنه های تیره و تاریک نجات خواهد داد».

برترین عبادت کدام است؟

سؤال بعدی از عمار سباطی است که در مورد مقایسه زمان حضور و دولت امام و زمان تقیه یا غیبت معصوم، از امام صادق علیه السلام پرسیده است.

وی می گوید به آن جناب عرض کردم: آیا عبادتی که همراه با امامی از شما که در دولت باطل، غایب و مستتر است، برتر است یا عبادت در زمان ظهور و حضور امامی از شما؟

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ وَاللَّهُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَكَذَلِكَ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ مَعَ إِمَامِكُمُ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَفْضَلُ لِيَخَوْفَكُمْ مِنْ عِدْوِكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَحَالِ الْهُدْنَةِ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَلَيْسَ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ مَعَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ».

اعلموا أن من صلى منكم صلاةً فريضةً وُحْدَانًا مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ

فِي وَقْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَحَدَانِيَةً، وَمَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً فِي وَقْتِهَا فَاتَمَّهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ، وَمَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِشْرِينَ حَسَنَةً وَيَضَاعِفُ اللَّهُ تَعَالَى حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَدَانَ اللَّهُ بِإِتْقَانِهِ عَلَى دِينِهِ وَعَلَى إِمَامِهِ وَعَلَى نَفْسِهِ وَأَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً كَثِيرَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِيمٌ.

«ای عمار! به خدا قسم صدقه نهانی بهتر از صدقه آشکار است، عبادت شما در نهان نیز چنین است، به همراه امامتان که در دولت باطل، غایب است، به جهت خوف و ترسی که از دشمنان خود و از دولت باطل دارید، این عبادت بهتر است از عبادتی که در حال ظهور حقّ و حضور امام ظاهر و ایجاد دولت حقّ باشد. پس عبادتی که در حال خوف از دولت باطل انجام گیرد مثل عبادت در حالت امنیت در دولت حقّ نخواهد بود.»

بدانید! هر یک از شما که یک نماز واجب، آن هم به صورت فردی و به جهت ترس از دشمن در نهان بخواند و آن را در وقت بخواند و تمام کند، خداوند متعال به اندازه ۲۵ نماز واجب برایش بنویسد، و اگر کسی یک نماز نافله در وقت بخواند و تمام کند، خداوند متعال ۱۰ نماز نافله برایش می نویسد و هر کسی یک حسنه و کار نیک انجام دهد خداوند ۲۰ حسنه به او می دهد.

اگر مؤمن کارهایش را به نیکی انجام دهد و در دین خدا تقیه را رعایت

نماید و مراقب امام و نفس خود نیز باشد و زبانش را کنترل کند، خداوند متعال حسنات وی را چند برابر، بلکه بیشتر خواهد کرد؛ زیرا خداوند بسیار کریم و بخشنده است.

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ رَغَّبْتَنِي فِي الْعَمَلِ وَحَثَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَلَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلَ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَنَحْنُ وَهُمْ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ وَهُوَ دِينُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

فَقَالَ: إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ وَإِلَى الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَإِلَى كُلِّ فِقْهِ وَخَيْرٍ وَإِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ الْإِمَامِ الْمُسْتَتِرِ مُطِيعُونَ لَهُ صَابِرُونَ مَعَهُ مُنْتَظِرُونَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفُونَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَعَلَى أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ تَنْظُرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَحَقِّكُمْ فِي أَيِّدِي الظَّلْمَةِ قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَاضْطَرُّوكُمْ إِلَى جَذْبِ الدُّنْيَا وَطَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَعِبَادَتِكُمْ وَطَاعَةِ رَبِّكُمْ وَالْخَوْفِ مِنْ عَدُوِّكُمْ فَبَدَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ أَعْمَالَكُمْ فَهَنِيئًا لَكُمْ هَنِيئًا.

عرض کردم: فدایتان شوم! مرا به عمل و عبادت ترغیب و به آن تشویق نمودید، لکن دوست دارم بدانم چطور عبادت ما افضل است از عبادت اصحاب امامی که در دولت حق است، در حالی که همه بر دین واحد هستیم و آن هم دین خداوند متعال است؟

فرمود: شما نسبت به آنان زودتر به دین اسلام وارد شدید، شما نماز و روزه و حج را زودتر به جا آورید، شما زودتر به هر نوع علم و فقه

وخیری وارد شدید، شما زودتر به عبادت خداوند مشغول شدید، آن هم عبادت پنهانی به جهت ترس از دشمنان، همراه با امام خود که در حال تقیه است. شما مطیع امام خود هستید، به همراه او صبر می کنید و در انتظار برپایی دولت حق هستید، برجان امام خود و بر جان خودتان از حاکمان جور نگران هستید، شما حق خود و حق امام خود را در دست ظالمان می بینید که چگونه شما را از آن منع کردند و شما را برای طلب معاش دنیایی به اضطرار و زحمت انداختند. البته شما هم بر دین و عبادت خود و اطاعت پروردگارتان و ترس از دشمنانتان صابر هستید. به همین سبب خداوند نیز پاداش اعمال شما را مضاعف می گرداند، پس گوارای شما باد!

قَالَ: فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا نَتَمَنَّى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَنَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَطَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ.

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظَهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَقَّ وَالْعِدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيُحْسِنَ حَالَ عَامَّةِ النَّاسِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ الْمُخْتَلِفَةِ وَلَا يَعْصِيَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَيَقَامَ حُدُودَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَيَرُدَّ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ؟

أَمَا وَاللَّهِ يَا عَمَّارُ! لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ كَثِيرٍ مِمَّنْ شَهِدَ بَدْرًا وَأُحُدًا فَأَبْشِرُوا! (۱)

ص: ۱۲۷

می گوید گفتم: فدایتان شوم! پس بنا بر فرمایش شما، نباید آرزو کنیم که از اصحاب قائم علیه السلام و در زمان ظهور حاکمیت حق باشیم؛ چون اکنون در امامت و اطاعت شما هستیم و اعمال ما برتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟

امام فرمود: سبحان الله! عجب! آیا دوست ندارید که خداوند متعال، حق و عدل را در تمام شهرها ظاهر گرداند و حال تمام مردم نیکو گردد و وحدت کلمه را ایجاد نماید و بین قلب های متفرق، الفت و محبت برقرار کند، و کسی در روی زمین گناه نکند و حدود الهی اقامه شود و حق به صاحب آن برگردد و آنان نیز آن را اظهار نموده؛ به گونه ای که هیچ چیزی از حق به جهت ترس از کسی مخفی نماند؟

آگاه باش، ای عمار! به خدا قسم! هیچ یک از شما در این حالی که دارد نمی میرد مگر این که نزد خداوند متعال بهتر است از بسیاری از کسانی که در جنگ بدر و احد حاضر بودند، پس مژده باد بر شما!»

باید منتظر باشید!

حال که بنا بر مصالحی قرار است امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت باشند، مسلمانان وظیفه دارند که در انتظار ظهور و فرج آن حضرت باشند؛ یعنی هر لحظه منتظر باشند تا او بیاید و جهان را اصلاح نماید؛ البته این انتظار نیز از بزرگ ترین عبادات شمرده شده است. ابوبصیر می گوید: روزی امام صادق علیه السلام به یاران خود فرمود:

ص: ۱۲۸

«أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟»

«آیا به شما خبر دهم چیزی را که خداوند متعال هیچ عمل بندگان را جز به خاطر آن قبول نمی کند؟»

گفتم: بفرمایید.

فرمود: «شَهَادَةُ أَنْ لَمَّا إِلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَالْإِقْرَارُ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَالْوَلَايَةُ لَنَا وَالْبَرَاءَةُ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْنِي أُمَّهُ [الْأَيْمَةُ] خَاصَّةً وَالتَّسْلِيمُ لَهُمْ وَالْوَرَعُ وَالِاجْتِهَادُ وَالطَّمَأْنِينَةُ وَالِانْتِظَارُ لِلْقَائِمِ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.

ثُمَّ قَالَ: مَنْ سِرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَيِّنًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ»؛(۱)

«شهادت به یگانگی خداوند و این که محمد صلی الله علیه وآله بنده و رسول خداست و اقرار به آنچه که خداوند امر فرموده، و به ولایت ما و بیزاری از دشمنان ما خاندان، و تسلیم آنان بودن، و ورع و دوری از گناه و تلاش در راه خدا و اطمینان قلب و انتظار فرج امام زمان علیه السلام.

سپس فرمود: برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را خواهد آورد.

آن گاه فرمود: هر کسی دوست دارد از اصحاب قائم باشد باید به انتظار قائم باشد و باید به ورع و محاسن اخلاق بپردازد؛ در حالی که منتظر است.

ص: ۱۲۹

پس اگر قبل از ظهور بمیرد و آن گاه قائم ما قیام نماید، برایش به اندازه اجر کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده باشد. پس تلاش و کوشش کنید و در انتظار باشید، گوارایتان باد، ای گروه و امت مرحومه!»

فرج چه موقع است؟

عبدالاعلی فرزند حصین ثقلی از قول پدرش نقل می کند که امام باقرعلیه السلام را در حج زیارت کردم، و به آن جناب عرض کردم:

سنّ من زیاد شده و پیر شده ام، نمی دانم آیا بار دیگر افتخار ملاقات شما نصیب من می شود یا نه، مطلبی به من بفرمایید و این که فرج چه موقع خواهد شد؟

امام باقرعلیه السلام فرمود:

«إِنَّ الشَّرِيدَ الطَّرِيدَ الْفَرِيدَ الْوَحِيدَ الْفَرْدَ مِنْ أَهْلِ الْمُؤْتُورِ بِوَالِدِهِ الْمُكَنَّى بِعَمِّهِ هُوَ صَاحِبُ الرَّايَاتِ وَأَسْمُهُ اسْمُ نَبِيِّ.

فَقُلْتُ: أَعِدْ عَلَيَّ. فَدَعَا بِكِتَابٍ أَدِيمٍ أَوْ صَحِيفَةٍ فَكَتَبَ فِيهَا»؛(۱)

«آن تنهای رانده شده از اهل و وطن خود که انتقام پدرش نیز گرفته نشده و او که کنیه عمویش را دارد، او صاحب پرچم هاست و همان که نامش به اسم پیامبر است.

گفتم: بار دیگر بفرمایید.

پس فرمود تا دفتر و قلمی آوردم و در آن نوشت.»

ص: ۱۳۰

ابوجارود می گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم! در مورد صاحب الامر به من خبری بفرمایید.

امام فرمود:

«يُمَسِّي مِنْ أَخْوَفِ النَّاسِ وَيُصْبِحُ مِنْ أَمَنِ النَّاسِ يُوْحَىٰ إِلَيْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ.

قَالَ: قُلْتُ: يُوْحَىٰ إِلَيْهِ يَا بَا جَعْفَرٍ؟

قَالَ: يَا بَا جَارُودٍ إِنَّهُ لَيْسَ وَحَىٰ نُبُوَّهُ وَلَكِنَّهُ يُوْحَىٰ إِلَيْهِ كَوَحْيِهِ إِلَىٰ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَإِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ وَإِلَىٰ النَّحْلِ يَا بَا الْجَارُودِ إِنَّ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ لَأَكْرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأُمِّ مُوسَىٰ وَالنَّحْلِ»؛ (۱)

«شب می کند در حالی که از همه بیشتر (از احوال مردم) می ترسد؛ ولی صبح می کند در حالی که از همه ایمن تر است، این مطلب در شب و روز به او وحی می شود.

گفتم: آیا به ایشان هم وحی می شود؟

فرمود: این وحی نبوت نیست؛ بلکه از آن نوع وحی ای است که به مریم دختر عمران (مادر عیسی) و مادر موسی می شد؛ حتی به زنبور عسل هم وحی می شود. ای ابا جارود! یقیناً قائم آل محمد علیهم السلام نزد خداوند متعال گرامی تر است از دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل!.

ص: ۱۳۱

نشانه های پنجگانه ظهور چیست؟

در مورد این که ظهور چه موقع خواهد بود و چه نشانه هایی دارد نیز از مواردی است که از همان ابتدا مورد توجه و سؤال اصحاب واقع شده است.

این سؤال را ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسیده است، وی می گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایتان شوم! ظهور قائم چه موقع خواهد بود؟

آن جناب فرموده اند:

«يا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُوقِتُ وَقَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ.

يا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ: أَوْلُهُنَّ النَّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَخُرُوجُ السُّفْيَانِي وَخُرُوجُ الْخُرَاسَانِي وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيهِ وَخَشْفُ الْبَيْدَاءِ.

ثُمَّ قَالَ: يَا بَا مُحَمَّدٍ! إِنَّهُ لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ: الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ.

قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ أَي شَيْءٍ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَأَي شَيْءٍ الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ؟

قَالَ: الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ الْمَوْتُ الْجَازِفُ وَالطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَلَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَنَادِيَ بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ

ص: ۱۳۴

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةَ جُمُعَةٍ.

قُلْتُ: بِمَ يَنَادَى؟

قَالَ: بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ؛ أَلَا إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانًا قَائِمًا آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَأَطِيعُوا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا سَمِعَ الصَّيْحَةَ فَتَوَقَّطُ النَّائِمُ وَيَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَتَخْرُجُ الْعُدْرَاءُ مِنْ خُدْرِهَا وَيَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَهِيَ صَيْحَةُ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ (١)

«ای ابامحمد! ما خاندان پیامبر صلی الله علیه وآله وقت تعیین نمی کنیم، و آن حضرت نیز فرموده است: وقت گذاران دروغ گو هستند.

ای ابامحمد! قبل از ظهور قائم پنج علامت و نشانه خواهد بود، اولین آنان ندا در ماه رمضان است، بعد خروج سفیانی، سپس خروج خراسانی دیگری قتل نفس زکیه، و آن گاه فرو رفتن در سرزمین بیداء.

امام صادق علیه السلام سپس فرمود: ای ابامحمد! قبل از ظهور دو طاعون حتمی است: یکی طاعون سفید و دیگری طاعون قرمز.

گفتم: فدایتان شوم! طاعون سفید چیست و طاعون قرمز کدام است؟

فرمود: طاعون سفید، مرگ های سریع و ناگهانی است و طاعون قرمز، مرگ با شمشیر است. قائم ظهور نمی کند مگر این که به اسم آن حضرت از آسمان ندا داده شود، در شب ۲۳ ماه رمضان، و در شب جمعه.

عرض کردم: به چه چیزی ندا می دهند؟

فرمود: به اسم خودش و به اسم پدرش؛ این گونه: آگاه باشید ای اهل دنیا!

ص: ۱۳۵

همانا فلانی پسر فلانی، قائم آل محمد است، حرف او را گوش کنید و اطاعت نمایید. پس هیچ جاننداری نیست که خداوند آن را خلق کرده باشد؛ مگر این که آن صدا و ندا را خواهد شنید.

پس آنان که خواب باشند بیدار می شوند و به حیاط خانه می آیند، حتی دختران دوشیزه نیز از پشت پرده بیرون می آیند. به سبب همین صداست که قائم نیز ظهور خواهد کرد. و این صدای جبرئیل است.»

نشانه های قبل از ظهور چیست؟

محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

«إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٍ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ»؛

«برای قیام قائم علیه السلام علامات و نشانه هایی است که خداوند آن ها را برای مؤمنان قرار داده است.»

عرض کردم: فدایتان شوم! آن علامت ها و نشانه ها چیست؟

فرمود:

«قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِغُلَامٍ غَافِقَةٍ أَوْ نَسِيَةٍ أَوْ نَضُوبٍ أَوْ غُلَامٍ مَلُومٍ أَوْ نَجَسٍ أَوْ أَثَمٍ أَوْ نِسَاءٍ مُّسَوِّمَاتٍ لَّا يَدْخُلْنَ الْكِبْرَاءَ أُولَئِكَ نَجْصَبُهُمْ عَلَىٰ مَا يَنْفُسُ أُوّسِرُونَ»
وَالثَّمَرَاتِ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ قَالَ نَبْلُوهُمْ بِشَىءٍ مِّنَ الْخَوْفِ مِنْ مَّلُوكٍ بَنِي فُلَانٍ فِي آخِرِ سُلْطَانِهِمْ وَالْجُوعِ بَعْلَاءِ أَشْعَارِهِمْ وَنَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ قَالَ كَسَادُ التَّجَارَاتِ وَقِلَّةُ الْفُضْلِ وَنَقْصِ مِنَ الْأَنْفُسِ قَالَ مَوْتُ دَرِيْعٍ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ قِلَّةِ رِيْعٍ مَا يَزْرَعُ وَبَشْرِ الصَّابِرِينَ عِنْدَ ذَلِكَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ.

ص: ۱۳۶

ثُمَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذَا تَأْوِيلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (۱) وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ؛ (۲)

«این که خداوند می فرماید: لنبلونکم یعنی شما را امتحان می کنیم منظور مؤمنان هستند که قبل از قیام امام زمان علیه السلام به ترس و گرسنگی و کمبود اموال و اولاد و میوه ها امتحان می گردند، و فرمود: یعنی شما را به ترس از فلان پادشاهان در آخر حکومتشان و با گرسنگی به جهت گرانی و کمبود اموال به سبب کسادی تجارت و سود کم، امتحان می کنیم، و به نقص در جان ها که به علت مرگ های ناگهانی پیش می آید و با کمبود میوه ها که به سبب کمی زراعت و عدم برکت رخ می دهد، امتحان می کنیم.

در این هنگام آنان را که بر این مصایب صبر می کنند به تعجیل در فرج مژده بده.

سپس به من فرمود: ای محمد! این تأویل این آیه است که خداوند می فرماید: و تأویل آن را نمی دانند؛ مگر خداوند و آنان که راسخ در علم هستند.»

نشانه های حتمی ظهور

ثمالی می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می فرمود: خروج سفیانی از امور حتمی است. امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۱۳۷

۱- ۹۶. سوره آل عمران، آیه ۷.

۲- ۹۷. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۹ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۲.

«نَعَمْ وَاخْتِلَافُ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَةِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَحْتُومِ»؛

«آری، هم آن از امور حتمی است و هم اختلاف بنی عباس و هم قتل نفس زکیه و نیز ظهور قائم علیه السلام از امور حتمی است.»

عرض کردم: پس ندا چگونه خواهد بود؟

فرمود: «يَنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشَيْعَتِهِ، ثُمَّ يَنَادِي إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ فِي آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِيِّ وَشَيْعَتِهِ؛ فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ»؛^(۱)

«منادی در اول روز از آسمان ندا می دهد: آگاه باشید که حق با «علی» و شیعیان اوست. شیطان نیز در آخر روز ندا می دهد: بدانید که حق با سفیانی و یاران اوست. در این هنگام باطل گرایان به شک و تردید می افتند.»

نشانه های بی سابقه و بی نظیر

در مورد نشانه هایی که قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام واقع می شود، بدر بن خلیل ازدی می گوید: دو نمونه آن را امام صادق علیه السلام چنین بیان می فرماید:

«آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ الْقَائِمِ لَمْ يَكُونَا [تَكُونَا] مُنْذُ هَبَطَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْأَرْضِ: تَنَكُّسُ الشَّمْسِ فِي النُّصْفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَالْقَمَرُ فِي آخِرِهِ.»

فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! تَنَكُّسُ الشَّمْسِ فِي آخِرِ الشَّهْرِ وَالْقَمَرُ فِي النُّصْفِ؟

ص: ۱۳۸

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي لَأَعْلَمُ بِمَا تَقُولُ وَلَكِنَّهُمَا آيَاتَانِ لَمْ يَكُونَا [تَكُونَا] مُنْذُ هَبِطَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^(۱)

«دو آیت و نشانه مهم قبل از ظهور قائم خواهد بود که از ابتدای فرود آدم به زمین چنین نشانه هایی رخ نداده است: یکی این که در نیمه ماه رمضان کسوف رخ می دهد و دیگر این که در آخر آن ماه نیز خسوف می شود.

سؤال کردند: ای فرزند رسول خدا! معمولاً کسوف خورشید در آخر ماه است و خسوف ماه در وسط ماه است.

امام علیه السلام فرمود: می دانم چه می گویی، ولی این ها دو آیت و نشانه ای است که از ابتدای فرود آدم از آسمان به زمین، تاکنون اتفاق نیفتاده است».

نشانه هایی دیگر

نشانه های قبل از ظهور از مواردی است که ذهن همه را مشغول کرده است لذا حسن بن جهم می گوید: مردی خدمت امام ابوالحسن علیه السلام رسید و در مورد فرج سؤال کرد. امام فرمود: کم می خواهی یا زیاد؟

عرض کرد: به اجمال بفرمایید.

امام فرمود: «إِذَا تَحَرَّكَتْ رَايَاتُ قَيْسٍ بِمِصْرَ وَرَايَاتُ كِنْدَةَ بِخُرَّاسَانَ؛ أَوْ ذَكَرَ غَيْرَ كِنْدَةَ»؛^(۲)

«آن گاه که پرچم های قیس در مصر به حرکت درآیند و پرچم های کنده

ص: ۱۳۹

۱- ۹۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۳ / غیبت طوسی، ص ۴۴۴.

۲- ۱۰۰. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۴ / ارشاد، ج ۲، ص ۳۷۶ / غیبت طوسی، ص ۴۴۸.

نیز در خراسان افراشته شود». راوی گوید: شاید هم غیر کنده گفت.

نشانه ها و پیش‌گویی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: در حجه الوداع که آخرین حج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، من هم حاضر بودم، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله اعمال حج را به پایان برد، جهت وداع نزد کعبه آمد و حلقه درب کعبه را گرفت و با صدای بلند فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ!»؛ ای مردم!

همه اهل مسجد و بازار با صدای آن حضرت در مسجد اجتماع کردند.

آن گاه فرمود:

«اسْمَعُوا إِنِّي قَائِلٌ مَا هُوَ بَعْدِي كَائِنٌ فَلْيَبْلُغْ شَاهِدُكُمْ غَائِبِكُمْ»؛

«گوش کنید که امروز خواهم گفت در آینده چه اتفاق خواهد افتاد، پس حاضرین به غائبین برسانند.»

بعد پیامبر صلی الله علیه و آله گریه کرد به گونه‌ای که همه مردم از گریه آن حضرت به گریه افتادند، وقتی از گریه ساکت شد، فرمود:

«اعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنْ مَثَلَكُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ كَمَثَلِ وَرَقٍ لَا شَوْكَ فِيهِ إِلَى أَرْبَعِينَ وَمِائَةٍ سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ وَوَرَقٌ إِلَى مِائَتِي سَنَةٍ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ شَوْكٌ لَا وَرَقَ فِيهِ حَتَّى لَا يَرَى فِيهِ إِلَّا سُلْطَانَ جَائِرٌ أَوْ غَنِيٌّ بَخِيلٌ أَوْ عَالِمٌ مُرَاغِبٌ فِي الْمَالِ أَوْ فَقِيرٌ كَذَّابٌ أَوْ شَيْخٌ فَاجِرٌ أَوْ صَبِيٌّ وَقِحٌ أَوْ امْرَأَةٌ رَعْنَاءٌ»؛^(۱)

ص: ۱۴۰

«ای مردم! خدا شما را رحمت کند، بدانید! مثل شما در این روز و زمان تا ۱۴۰ سال بعد از این، مثل برگ‌گی باشد که خار ندارد (مشکل آن چنانی ندارید)، پس از آن تا ۲۰۰ سال هم برگ است و هم خار می باشد (گاه خوشی و راحتی است و گاه سختی و مشقت)، سپس خار است و بدون برگ (همه اش زحمت و مشقت است و زمان استراحت نیست)؛ به گونه ای که دیده نمی شود در آن، مگر حاکم ظالم یا ثروتمند بخیل یا عالمی که تشنه ثروت است و یا گدای دروغگوست یا پیرمرد گناهکار، یا بچه بی ادب و زن بی خرد»

آیا پیش بینی ها واقع شده است؟

از علی بن یقطین نقل شده که به امام کاظم علیه السلام عرض کرد:

چطور است که هرچه از پیش بینی ها و فتنه ها در مورد شما گفته شده روی نداده؛ اما هر آنچه در مورد دشمنان شما گفته شده صحیح در آمده است؟

امام کاظم علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الَّذِي خَرَجَ فِي أَعْدَائِنَا كَانَ مِنَ الْحَقِّ فَكَانَ كَمَا قِيلَ وَأَنْتُمْ عَلَّيْتُمْ بِالْأَمَانِي فَخَرَجَ إِلَيْكُمْ كَمَا خَرَجَ»؛ (۱)

«آنچه را هم که در مورد دشمنان ما گفته شده نیز از جانب حق بوده است لذا همان طور که گفته شده به وقوع پیوسته است. در مورد شما نیز به جهت انتظار و آرزو و امید گفته شده و این نیز همان گونه که گفته شده به وقوع پیوسته است و شما هم در حال انتظار و آرزو می باشید».

ص: ۱۴۱

پیش‌گویی و خبر امام حسین علیه السلام چه بود؟

عبدالله بن شریک در یک حدیث طولانی نقل کرده که روزی امام حسین علیه السلام به گروهی از بنی امیه عبور می‌کرد که در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله گرد هم جمع شده بودند، حضرت در آن جمع فرمود:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَا يَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ مِنِّي رَجُلًا يَقْتُلُ مِنْكُمْ أَلْفًا وَمَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا وَمَعَ الْأَلْفِ أَلْفًا؛

«آگاه باشید! به خدا قسم که هر آینه دنیا تمام نخواهد شد تا این که خداوند از نسل من مردی را برانگیزد که از شما هزار نفر را بکشد و پس از آن نیز هزار هزار نفر دیگر».

عرض کردم: فدایتان شوم! اینان فرزندان فلان و فلان هستند و تعدادشان به این همه نمی‌رسد.

امام حسین علیه السلام فرمود:

«وَيَحْكُكَ إِنَّ فِي ذَلِكَ الزَّمَانَ يَكُونُ لِلرَّجُلِ مِنْ صُلْبِهِ كَذَا وَكَذَا رَجُلًا وَإِنَّ مَوْلَى الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛^(۱)

«خدا خیرت دهد! در آن زمان از هر مردی مردان بسیاری بیرون خواهند آمد و بزرگ آنان هم از خودشان خواهد بود».

ظلم و فساد همه جا را فرا می‌گیرد

در مورد ظلم و فساد که در آخرالزمان و قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ص: ۱۴۲

۱-۱۰۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۴ / غیبت طوسی، ص ۱۹۰.

روی می دهد احادیث فراوانی آمده است.

در حدیثی امام صادق و امام باقر علیهما السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که آن حضرت فرمودند:

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

فَقِيلَ لَهُ: وَيَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَيَكُونُ ذَلِكَ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟ (۱)

چگونه خواهید بود آن گاه که زنان شما فاسد و جوانانتان فاسق گردند، شما هم امر به معروف و نهی از منکر نکنید.

به آن حضرت گفته شد: یعنی این چنین خواهد شد، ای رسول خدا؟

فرمود: آری و بدتر از این، چگونه خواهید بود آن گاه که امر به بدی کنید و از خوبی نهی کنید؟

گفته شد: ای رسول خدا یعنی چنین خواهد شد؟

پیامبر فرمود: آری و بدتر از این، آن گاه که معروف را بد بدانید و منکر را خوب بپندارید.

ص: ۱۴۳

سؤال اول

این بار محمد بن صامت است که از امام صادق علیه السلام در مورد علامت ها و نشانه های قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام سؤال می کند و آن جناب می فرمایند:

«هَلَاكُ الْعَبَّاسِيِّ وَخُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ وَالصَّوْتُ مِنَ السَّمَاءِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَخَافُ أَنْ يُطَوَّلَ هَذَا الْأَمْرُ؟

فَقَالَ: لَا، إِنَّمَا هُوَ كَنْظَامِ الْخَرْزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا؛^(۱)

«هلاکت عباسی، خروج سفیانی، کشته شدن نفس زکیه، فرو رفتن زمین در بیدا و صدایی از آسمان.

عرض کردم: فدایتان شوم! می ترسم این امر خیلی طولانی شود.

فرمود: خیر، برنامه آن همانند دانه ها و مهره های تسبیح پی در پی خواهد آمد».

سؤال دوم

یعقوب بن سراج می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و پرسیدم: فرج شیعیان شما چه موقع خواهد رسید؟

امام فرمود:

«إِذَا اِخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَوَهَى سُلْطَانُهُمْ وَطَمِعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ

ص: ۱۴۴

يَطْمَعُ وَخَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعْتَبَهَا [جمع العنان وَرَفَعَ كُلَّ ذِي صِيصَةٍ بِهِ صِيصِيَّتُهُ وَظَهَرَ السُّفْيَانِي وَالْيَمَانِي وَتَحَرَّكَ الْحَسَنِي خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ بِتَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

قُلْتُ: وَمَا تَرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

فَقَالَ: سَيْفُهُ وَدِرْعُهُ وَعِمَامَتُهُ وَبُرْدُهُ وَقَضِيْبُهُ وَفَرَسُهُ وَلَأَمَّتُهُ وَسَرَجُهُ»؛ (۱)

«آن گاه که فرزندان عباس با یک دیگر اختلاف کنند و حکومت آنان از هم بپاشد و کسانی در آن طمع می کنند که تا آن موقع چنین جرأتی نداشتند، پس از آن هر کسی برای خودش پرچمی بلند می کند، سفیانی از یک طرف و یمانی از طرفی دیگر خروج می کنند، حسنی به حرکت درآید، آن گاه صاحب الامر از مدینه به طرف مکه می آید و به همراهش تراث رسول خداصلی الله علیه و آله می باشد.

عرض کردم: تراث رسول الله چیست؟

فرمود: شمشیر، زره، عمامه، عبا، چوب دستی، اسب، زین اسب».

سؤال سوم

در حدیثی امام صادق علیه السلام زمان خروج سفیانی را ماه رجب اعلام می کنند چنان که خلاد صائغ از آن حضرت روایت کرده که فرمودند:

«السُّفْيَانِي لَا بُدَّ مِنْهُ وَلَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ».

چاره ای از خروج سفیانی نیست، و خروج او هم نخواهد بود مگر در ماه رجب. شخصی عرض کرد:

ص: ۱۴۵

يا ابا عبد الله اذا خرج فما حالنا؟ قال: اذا كان ذلك فإلينا» (۱)

وقتی سفیانی خروج می کند، ما چه کنیم و حال ما چگونه است؟

امام علیه السلام فرمود: وقتی چنان شد، شما به طرف ما بیایید. (یعنی در آن زمان، امام ظهور خواهد کرد).

سؤال چهارم

راوی این حدیث امام صادق علیه السلام است از قول امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند:

«لَيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَظْرَفُ فِيهِ الْفَاجِرُ وَيَقْرَبُ فِيهِ الْمَاجِنُ وَيَضَعُ فِيهِ الْمُنْصِفُ.

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: مَتَى ذَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟

فَقَالَ: إِذَا اتَّخَذَتِ الْأَمَانَةُ مَغْنَمًا وَالزُّكَاةُ مَغْرَمًا وَالْعِبَادَةُ اسْتِطَالَةً وَالصَّلَاةُ مَنًّا.

قَالَ: فَقِيلَ لَهُ: مَتَى ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟

فَقَالَ: إِذَا تَسَلَّطَنَ النِّسَاءُ وَسُلَّطَنَ الْإِمَاءُ وَأُمِّرَ الصَّبِيَّانُ»؛ (۲)

«زمانی بر مردم خواهد آمد که فاجران را باهوش و زرننگ می شمردند و بی عاران مقرب می شوند و افراد با انصاف ضعیف می گردند.

گفته شد: این چه زمانی است، ای امیرمؤمنان؟

فرمود: آن گاه که امانت را غنیمت و پرداخت زکات را خسارت می پندارند و عبادت را عملی بیهوده و صله رحم را منت می دانند.

ص: ۱۴۶

۱- ۱۰۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹ / غیبت نعمانی.

۲- ۱۰۸. اعلام الدین، ص ۲۲۲ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵ به نقل از کافی.

گفته شد: این چه موقعی است، ای امیرمؤمنان؟

فرمود: آن گاه که زنان و کنیزان مسلط گردند و کودکان فرمانروا شوند».

سؤال پنجم

خبر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام مسأله ای است که از همان ابتدای صدر اسلام با اعلام پیامبر صلی الله علیه وآله بین اصحاب، معروف و مشهور بود؛ لذا حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید: خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام آدمم و عرض کردم:

قائم از فرزندان شما چه موقع خواهد آمد؟

آن حضرت نفس عمیقی کشیدند و فرمودند:

«لَمَّا يَظْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَكُونَ أُمُورُ الصَّبِيَانِ وَيَضَعُ حُقُوقَ الرَّحْمَنِ وَيَتَغَنَّى بِالْقُرْآنِ فَإِذَا قُتِلَتْ مُلُوكُ بَنِي الْعَبَّاسِ أَوْلَى الْعَمَى وَالْإِلْتِبَاسِ أَصْحَابِ الرَّمَى عَنِ الْأَفْوَاسِ بُوْجُوهِ كَالْتَّرَاسِ وَخَرِبَتِ الْبَصْرَةُ هُنَاكَ يَقُومُ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (۱)

«قائم ظهور نخواهد کرد تا این که کودکان فرمانروا شوند، حقوق الهی ضایع گردد و با قرآن آواز بخوانند. پس هنگامی که حاکمان بنی عباس کشته شوند، آنان که کور و کر و صاحبان گمراهی اند و هنگامی که بصره خراب شود، آن گاه قائمی که از فرزندان حسین علیه السلام است، قیام خواهد کرد».

سؤال ششم

حذلم بن بشیر می گوید: به امام سجاد علیه السلام عرض کردم:

ص: ۱۴۷

آقا! جریان خروج و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را برایم توصیف بفرما و این که نشانه ها و علامت های آن چیست؟

حضرت فرمود:

يُكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجَ رَجُلٍ يُقَالُ لَهُ عَوْفُ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيْتٌ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَهُوَ مِنْ وُلْدِ عْتَبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ؛ (۱)

«قبل از ظهور آن حضرت، مردی که به عوف سلمی معروف است در سرزمین جزیره خروج می کند، وی که منزلش در تکریت است در مسجد دمشق کشته می شود، پس از آن خروج شعیب بن صالح از سمرقند خواهد بود، سپس سفیانی ملعون که از اولاد عتبه بن ابو سفیان است از وادی یابس خروج می کند؛ آن گاه که امر سفیانی ظاهر گردد، مهدی علیه السلام پنهان می شود و پس از آن قیام خواهد نمود.»

خلاصه برخی از نشانه ها

برخی از علائم و نشانه های عمومی که قبل و هنگامه ظهور امام زمان علیهما السلام واقع خواهد شد و در روایات و کتب مختلف آمده که البته برخی حتمی و بعضی مشروط است به این شرح می باشد:

ص: ۱۴۸

خروج سفیانی، صیحه آسمانی، ندای جبرئیل از آسمان، ندای شیطان از زمین، قتل حسنی، اختلاف بنی عباس در امور دنیایی، خسوف در وسط ماه رمضان، خسوف در آخر ماه رمضان، خسف در بیداء، خسف در مغرب، خسف در مشرق، رکود خورشید، قتل نفس زکیه در پشت کوفه به همراه هفتاد نفر از صالحان، سر بریدن یکی از هاشمیان بین رکن و مقام، خرابی قسمتی از مسجد کوفه، پرچم های سیاه از سمت خراسان، خروج یمانی، ظهور مغربی در مصر و تصرف شام، ورود ترک ها به جزیره، ورود روم به رمله، مرگ و میر عمومی: یکی مرگ سرخ و یکی مرگ سفید، از بین رفتن دو سوم مردم، طلوع ستاره ای همانند ماه در مشرق، سرخی ای که در آسمان پدید می آید و منتشر می شود، آتشی طولانی که از مشرق ظاهر می گردد و حدود سه تا هفت روز در جو می ماند، تملک بلاد توسط اعراب و خروج از سلطنت عجم، کشتن پادشاه مصر توسط مردم، خرابی شام، ورود پرچم های قیس و عرب به مصر، ورود پرچم های کنده به خراسان، خروج ۶۰ مدعی نبوت، خروج ۱۲ مدعی امامت، طوفان سیاه، زلزله شدید، ترس اهل عراق و بغداد، ظهور ملخ های فراوان، اختلاف عجم ها، شورش بندگان، مسخ عده ای از اهل بدعت، ... (۱).

ص: ۱۴۹

۱- ۱۱۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۵۳؛ غیبت شیخ طوسی؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۹؛ ارشاد شیخ مفید.

فصل دهم: زمان ظهور

اشاره

ص: ۱۵۱

زمان ظهور چه موقع است؟

عبدالرحمن بن کثیر می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم اسدی وارد شد و عرض کرد: فدایتان شوم! بفرمایید این امری که در انتظار آن می باشید چه موقع خواهد بود؟ چون خیلی طولانی شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مَهْزَمُ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ وَهَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَنَجَا الْمُسْلِمُونَ وَإِنَّا يَصِيرُونَ»؛^(۱)

«ای مهزم! آنان که تعیین وقت می کنند دروغ می گویند، آنان که عجله می کنند نیز هلاک خواهند شد، اما آنان که مسلمان واقعی باشند و تسلیم باشند نجات می یابند و به سوی ما خواهند آمد».

جمعیت جهان در زمان ظهور؟

محمد بن مسلم و ابوبصیر که از بهترین اصحاب و یاران امام صادق علیه السلام می باشند نقل می کنند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلُثَا النَّاسِ»؛

«این امر محقق نمی شود مگر زمانی که دو سوم مردم از بین بروند».

ص: ۱۵۲

عرض کردیم: وقتی دو سوم مردم بروند، پس چه کسی باقی می ماند؟

امام فرمود:

«أَمَّا تَرَضُّونَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي؟»؛ (۱)

«آیا شما دوست ندارید که جزو آن یک سوم باقی مانده باشید؟»

زمان ظهور بعد از غربال شدن مردم است؟

جابر جعفی می گوید از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: چه موقع فرج شما محقق می شود؟ آن جناب فرمود:

«هِيَاهُتْ هِيَاهُتْ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا، ثُمَّ تُغْرِبُوا؛ يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يَذْهَبَ الْكَدِرُ وَيَبْقَى الصَّفْوُ»؛ (۲)

«هیاهات! به این زودی نخواهد بود، فرج ما نخواهد شد مگر این که غربال شوید و امتحان گردید، باز هم غربال و غربال شوید تا ناخالص ها جدا شوند، و خالص ها باقی بمانند.»

باید آنان که به زبان ادعای اسلام و ایمان می کنند، امتحان گردند و کسانی که مرد عمل می باشند شناخته شوند، آن گاه ظهور حاصل خواهد شد.

چرا وقت ظهور معلوم نیست؟

از مفضل بن عمر نقل شده که می گوید: از آقایم امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا

ص: ۱۵۳

۱- ۱۱۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳ / غیبت طوسی، ص ۳۳۹.

۲- ۱۱۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

برای زمان ظهور امام مهدی منتظر وقت مشخصی هست که مردم بدانند؟

امام صادق علیه السلام فرمودند:

حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يَوْقَتَ ظُهُورَهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شِيعَتُنَا.

هرگز چنین نیست که خداوند متعال زمان ظهور آن حضرت را در وقتی قرار دهد که شیعیان ما هم بدانند.

عرض کردم: چرا این گونه است؟

آن حضرت فرمود:

لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. وَهُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا وَقَالَ: عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَلَمْ يَقُلْ إِنَّهَا عِنْدَ أَحَدٍ وَقَالَ: فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا الْآيَةَ وَقَالَ: اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ وَقَالَ: مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا، يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يَمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.

چون زمان ظهور همانند «الساعة» است که خداوند متعال در آن فرموده: درباره ساعت از تو سؤال می کنند، کی فرا می رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس جز او (نمی تواند) وقت آن را آشکار سازد؛ (اما قیام قیامت، حتی) در آسمان ها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است.»

و نیز همان ساعتی است که خداوند متعال فرموده است: و از تو درباره ساعت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟!

خداوند متعال فرموده: علم آن نزد خودش می باشد و نفرمود که نزد کسی دیگر می باشد و همچنین فرموده است: قیامت نزدیک شد و ماه از هم شکافت! و باز فرموده: و چه می دانی شاید ساعت نزدیک باشد!

کسانی که به ساعت ایمان ندارند درباره آن شتاب می کنند؛ ولی آن ها که ایمان آورده اند پیوسته از آن هراسانند، و می دانند آن حق است؛ آگاه باشید کسانی که در ساعت تردید می کنند، در گمراهی عمیقی هستند.

عرض کردم: مراد از یماون چیست؟

آن حضرت فرمودند: يَقُولُونَ مَتَىٰ وَرَأَىٰ؟ وَمَنْ رَأَىٰ؟ وَأَيْنَ يَكُونُ؟ وَمَتَىٰ يَظْهَرُ؟ وَكُلُّ ذَلِكَ اسْتِعْجَالًا لِأَمْرِ اللَّهِ وَشَكَاً فِي قَضَائِهِ وَدُخُولًا فِي قُدْرَتِهِ أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ خَسِرُوا الدُّنْيَا وَإِنَّ لِلْكَافِرِينَ لَشَرًّا مَّآبٍ. (۱)

می گویند چه وقتی متولد شده؟ چه کسی او را دیده؟ الان کجا هست؟ چه موقع ظهور می کند؟... همه این سؤال ها برای این است که در کار خدا عجله می کنند و در قضا و تقدیر الهی شک دارند و می خواهند در کار خدا دخالت کنند؛ آنان همانان هستند که در دنیا زیانکاری کردند و بدترین عاقبت کار برای کافران است.»

ص: ۱۵۵

یاران امام زمان علیه السلام چند نفرند؟

این که یاران خاص امام زمان علیه السلام چند نفرند، مفضل بن عمرو می گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أَدَانَ الْإِمَامُ دَعَا اللَّهَ بِاسْمِهِ الْعِبْرَانِي فَأَتِيَتْ لَهُ صَحَابَتُهُ الثَّلَاثُمِائَةِ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ قَرْعَ كَقَرْعِ الْخَرِيفِ وَهُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ مِنْهُمْ مَنْ يَفْقَدُ عَنْ فِرَاشِهِ لَيْلاً فَيَصْبِحُ بِمَكَهٍ وَمِنْهُمْ مَنْ يَرَى يَسِيرٌ فِي السَّحَابِ نَهَاراً يَعْرِفُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَحَلِيَّتِهِ وَنَسَبِهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَيُّهُمْ أَعْظَمُ إِيمَانًا؟

قَالَ: الَّذِي يَسِيرُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً وَهُمْ الْمَفْقُودُونَ وَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً؛ (۱)

«آن گاه که به امام اجازه ظهور داده شود، خداوند متعال به نام عبرانی او از آسمان ندا دهد، سپس تمام ۳۱۳ نفر اصحاب ایشان همانند ابرهای پاییزی به گرد وی جمع می شوند. آنان اصحاب بیرق ها هستند که برخی از ایشان در حالی که شب را در بستر خود خوابیدند مفقود می شوند؛ اما صبح در مکه هستند، بعضی از آنان در روز بر ابرها سوار می شوند، هر کدام از آنان به نام

ص: ۱۵۸

خود و اسم پدرش و با کیفیت و صفت نسبش شناخته می شود.

گفتم: فدایتان شوم! ایمان کدام یک از آنان بیشتر است؟

فرمود: آنان که در روز بر ابرها سوار می شوند که ایشان همان مفقودان هستند. و این آیه شریفه در مورد آنان نازل شده است که فرمود: ... هر جا باشید، خداوند همه شما را (برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز،) حاضر می کند.

منزل و مأوای مهدی علیه السلام بعد از ظهور کجاست؟

پیرامون این که امام زمان علیه السلام بعد از ظهور در کجا اقامت خواهند داشت و آیا این که در آن زمان خانواده و زن و فرزند هم دارند یا نه، احادیث مختلفی آمده است.

در حدیثی از ابوبصیر آمده است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

ای ابامحمد! گویا می بینم قائم را که با اهل و عیال خود در مسجد سهله نزول فرموده است.

ابوبصیر می گوید: آنجا منزل ایشان است؟

امام فرمود:

«نَعَمْ هُوَ مَنزِلُ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَا بَعَثَ إِلَهُ إِلَّا نَبِيًّا إِلَّا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ وَالْمُقِيمِ فِيهِ كَالْمُقِيمِ فِي فُسَيْطَاطِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِلَّا وَقَلْبُهُ يَحْنُ إِلَيْهِ وَمَا مِنْ يَوْمٍ وَلَا لَيْلَةٍ إِلَّا وَالْمَلَائِكَةُ يَأْوُونَ إِلَيَّ هَذَا الْمَسْجِدِ يَعْبُدُونَ اللَّهَ فِيهِ.»

ص: ۱۵۹

يَا بَا مُحَمَّدٍ! أَمَا إِنِّي لَوْ كُنْتُ بِالْقُرْبِ مِنْكُمْ مَا صَلَّيْتُ صَلَاةَ إِلَّا فِيهِ ثُمَّ إِذَا قَامَ قَائِمًا اتَّقَمَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ وَلَنَا أَجْمَعِينَ»؛ (۱)

«آری آن منزل ادریس پیامبر است، هیچ پیامبری مبعوث نشده مگر این که در آنجا نماز خوانده است، هر که در آن اقامه کند مثل این است که در خیمه پیامبر خدا اقامه کرده باشد. هیچ مرد و زن مؤمنی نیست مگر این که قلب او عاشق آنجاست و هیچ روز و شبی نیست مگر این که فرشتگان الهی به آن مسجد می آیند و خدا را در آن عبادت می کنند.

ای ابو محمد! بدان و آگاه باش که اگر من نزدیک آن مسجد بودم، تمام نمازهایم را در آن می خواندم. پس آن گاه که قائم ما قیام نماید، خداوند برای پیامبرش و همه ما انتقام خواهد گرفت».

اقدامات حضرت مهدی علیه السلام چه خواهد بود؟

امّا این که وقتی امام زمان علیه السلام ظهور و قیام فرمودند چه کارها و اقداماتی انجام خواهند داد، خود از موارد مهم این موضوع می باشد، آن حضرت به مصلح جهان و منجی عالم بشریت معروف است، پس هر کار خلاف و فاسدی که باشد را اصلاح خواهند فرمود، لذا ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ وَلَمْ يَبْقَ مَسْجِدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَهُ شُرْفٌ إِلَّا هَدَمَهَا وَجَعَلَهَا جَمَاءً وَوَسَّعَ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ وَكَسَرَ كُلَّ جَنَاحٍ خَارِجٍ عَنِ الطَّرِيقِ وَأَبْطَلَ الْكُنْفَ وَالْمِيَازِيبَ إِلَى

ص: ۱۶۰

الطَّرَاقَاتِ وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَهُ إِلَّا أزالَهَا وَلَا سِنَّةَ إِلَّا أَقَامَهَا وَيَفْتَحُ قَسِطَ طَنْطِينِيَهَ وَالصَّيْنَ وَجِبَالَ الدَّيْلِمِ فَيَمَكْتُ عَلَى ذَلِكَ سَيِّعَ سِنِينَ
مَقْدَارُ كُلِّ سَنَةٍ عَشْرُ سِنِينَ مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ.

«آن گاه که قائم ظهور و قیام فرماید به کوفه می آید و در آنجا چهار مسجد است که خراب خواهد کرد. و هیچ مسجد کنگره
داری روی زمین نیست مگر این که کنگره های آن را خراب می کند و آن را بدون کنگره باقی می گذارد. بزرگ راه ها را
وسیع می کند، پنجره های مشرف بر خیابان را می بندد، فاضلاب و ناودان ها که بر راه ها می ریزند را جمع می کند، بدعتی
نمی ماند؛ مگر این که آن را از بین می برد، تمام سنت های اسلامی را زنده و برپا می کند. قسطنطنیه و چین و کوه های دیلم
را فتح می نماید، پس هفت سال در این حکومت و خلافت خواهد بود که هر سال آن برابر ده سال از سال های شماسه،
سپس هرچه را که خدا بخواهد همان می کند.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَكَيْفَ تَطُولُ السُّنُونَ؟

قَالَ: يَا مُرُّ اللَّهِ تَعَالَى الْفَلَكَ بِاللُّبُوثِ وَقَلْبَهُ الْحَرَكَهَ فَتَطُولُ الْأَيَّامُ لَدَيْكَ وَالسُّنُونَ.

گفتم: قربانت شوم! چطور سال ها این قدر طولانی می شود؟

فرمود: خداوند ستارگان را به درنگ فرمان می دهد و به آرامی حرکت خواهند کرد، پس روزها طولانی می شود، سال ها نیز
طول می کشد.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْفَلَكَ إِذَا تَغَيَّرَ فَسَدَ؟

قَالَ: ذَلِكَ قَوْلُ الرِّزَادِقِ، فَأَمَّا الْمُسْلِمُونَ فَلَا سَبِيلَ لَهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَقَدْ

شَقَّ اللَّهُ الْقَمَرَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَدَّ الشَّمْسَ مِنْ قَبْلِهِ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ وَأَخْبَرَ بِطُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَنَّهُ كَأَلْفِ سِنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ»؛ (۱)

گفتم: برخی می گویند: اگر فلک و ستارگان اندکی تغییر کنند از بین می روند؟

فرمود: این حرف زندیقان و کافران است؛ امّا مسلمانان چنین سخنی ندارند، این در حالی است که خداوند، ماه را برای پیامبرش دو نیم کرد، و قبل از آن هم خورشید را برای یوشع بن نون به عقب برگرداند، علاوه بر این خداوند از طولانی بودن روز قیامت خبر داد که یک روز آن همانند هزار سال از سال های شما است.»

سیره و روش صاحب الزمان علیه السلام چگونه است؟

سؤال اول

عبدالله بن عطا می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم:

هنگامی که قائم قیام فرماید، به کدام سیره در بین مردم عمل می کند؟

امام فرمود:

«يَهْدِمُ مَا قَبْلَهُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛ (۲)

«هرچه از باطل که قبل از آن باشد منهدم می کند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین کرد و اسلام را از نو برپا می کند.»

ص: ۱۶۲

۱- ۱۱۸. الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵ / بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹ و ج ۵۵، ص ۹۱.

۲- ۱۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۴ / غیبت نعمانی، ص ۲۳۰.

سؤال دوم

سؤالی دیگر از عبدالله بن عطاء. این بار نیز به امام باقر علیه السلام عرض می کند: در مورد قائم علیه السلام برایم صحبت کنید.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ مَا هُوَ أَنَا وَلَا الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْنَاقَكُمْ وَلَا يَعْرِفُ وَلَدَتَهُ.

قُلْتُ: بِمَا يَسِيرُ؟

قَالَ: بِمَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، هَدَرَ مَا قَبْلَهُ وَاسْتَقْبَلَ»؛^(۱)

«به خدا قسم که من او نیستم، و نیز آنی نیستم که شما منتظرید و گردن های خود را به سوی او خواهید کشید و تولدش نیز مخفی خواهد ماند.

عرض کردم: به چه روشی عمل خواهد فرمود؟

فرمود: به همان روشی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله عمل نمود، یعنی آنچه که از باطل در گذشته بوده از بین خواهد برد و از نو آغاز خواهد کرد».

سؤال سوم

از امام باقر علیه السلام پرسیده اند: وقتی امام زمان علیه السلام قیام کنند به چه روشی عمل می فرمایند؟

امام فرموده است:

«بِسِيرِهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى يَظْهَرَ الْإِسْلَامَ.

قُلْتُ: وَمَا كَانَتْ سِيرَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟

ص: ۱۶۳

قَالَ: أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ وَكَذَلِكَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ يَبْطُلُ مَا كَانَ فِي الْهُدْنَةِ مِمَّا كَانَ فِي
أَيْدِي النَّاسِ وَيَسْتَقْبِلُ بِهِمُ الْعَدْلَ»؛(۱)

«به همان روشی که رسول خداصلی الله علیه وآله رفتار کرد عمل خواهد کرد، تا این که اسلام واقعی ظاهر خواهد شد.

عرض کردم: سیره رسول خداصلی الله علیه وآله چه بود؟

فرمود: هر چه در دوره جاهلیت بود را باطل کرد و مردم را به طرف عدالت آورد. قائم نیز چنین خواهد کرد، هنگامی که قیام کند، هر چه که در زمان ضعف اسلام بوده، از آنچه که مردم عمل می کردند را باطل خواهد کرد و مردم را به طرف عدالت خواهد آورد».

روش قضاوت امام زمان علیه السلام چگونه است؟

حسن بن طریف می گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای نوشتم و از آن حضرت در مورد مهدی علیه السلام سؤال کردم که وقتی ایشان قیام بفرمایند به چه قانونی بین مردم قضاوت خواهند کرد؟ امام در جواب فرمودند:

سَأَلْتُ عَنِ الْإِمَامِ فَإِذَا قَامَ يَقْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ.(۲)

ص: ۱۶۴

۱- ۱۲۱. تهذیب شیخ طوسی، ج ۶، ص ۱۵۴ / وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۷۷ / بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۲- ۱۲۲. کافی، ج ۱، ص ۵۰۹؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۰ و ج ۵۰، ص ۲۶۴.

در مورد امام پرسیدی که چگونه قضاوت خواهد کرد، هنگامی که ایشان قیام کند به علم خودش بین مردم قضاوت خواهد فرمود؛ مانند قضاوت داوود علیه السلام که نیازی به شاهد و دلیل دیگری ندارد.

آیا زندگی بعد از ظهور همه اش آسایش و رفاه است؟

برخی فکر می کنند وقتی امام زمان علیه السلام ظهور نماید، از همان ابتدا آسایش و راحتی و رفاه آماده است و هیچ دردسری ندارد؛ در حالی که برای مؤمنان و منتظران واقعی، تازه اول کار است، تازه اول رنج و زحمت و تبلیغ و جهاد و مبارزه است.

لذا مفضل می گوید: هنگام طواف در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که فرمود: چیه، ای مفضل؟ چرا ناراحت و مهموم هستی؟

مفضل می گوید: فدایتان شوم! بنی عباس را می بینم که با این شکوه و عظمت و پادشاهی هستند، اگر حکومت دست شما بود، ما هم در آسایش بودیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مُفَضَّلُ! أَمَّا لَوْ كَانَ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ إِلَّا سَيَّاسَهُ اللَّيْلِ وَسَيَّاحَهُ النَّهَارِ وَأَكْلُ الْجَشِبِ وَلُبْسُ الْحَشِينِ شَبَّهَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَّا فَالنَّارُ، فَرَوَى ذَلِكَ عَنَّا فَصِرْنَا نَأْكُلُ وَنَشْرَبُ وَهَلْ رَأَيْتَ ظُلَامَهُ جَعَلَهَا اللَّهُ نِعْمَةً مِثْلَ هَذَا»؛ (۱)

«ای مفضل! آگاه باش اگر چنان شود شب و روز باید کار کرد، در شب باید نگهبان و مراقب مردم بود، در روز باید به کار و تلاش پرداخت، غذای

ص: ۱۶۵

سخت مانند نان خشک و نان جو باید خورد، لباس خشن باید پوشید؛ شبیه امیرالمؤمنین علیه السلام که اگر غیر از این عمل کنیم عاقبت ما آتش خواهد بود. اما اکنون این امور از ما برداشته شده؛ غذای خوب می خوریم، آب گوارا می نوشیم، آیا چنین ظلم و مظلومیتی دیده ای که خداوند این گونه برای ما نعمت قرار داده باشد!».

سختی های بعد از ظهور چیست؟

عمرو بن شمر می گوید: در منزل امام صادق علیه السلام خدمت آن حضرت بودم؛ در حالی که منزل آن جناب مملو از جمعیت بود و مردم نیز برای سؤال به ایشان مراجعه کرده بودند، آنان از هر چیزی می پرسیدند و امام نیز پاسخ می داد، من که در گوشه ای از خانه بودم، گریه ام گرفت، امام فرمود: چه چیز تو را به گریه انداخته، ای عمرو؟

عرض کردم: فدایتان شوم! چگونه گریه نکنم در حالی که در بین این امت شخصی به بزرگواری شما نیست؛ ولی درب های فرج به روی شما بسته شده و پرده انکار بر شما کشیده شده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَمَّا تَبَيَّنَ يَا عَمْرُو! تَأْكُلُ أَكْثَرَ الطَّيِّبِ وَتَلْبَسُ اللَّيْنَ وَلَوْ كَانَ الَّذِي تَقُولُ لَمْ يَكُنْ إِلَّا أَكَلُ الْجَشِبِ وَتَلْبَسُ الْحَشِينَ مِثْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِلَّا فَمُعَالَجَةُ الْأَعْلَالِ فِي النَّارِ»؛ (۱)

ص: ۱۶۶

«گریه نکن ای عمرو! الآن غذاهای بسیار خوب می خوریم، لباس های گرم و نرم می پوشیم؛ اما اگر آنچه تو می گویی اتفاق بیفتد، غذایی نخواهد بود مگر غذای خشک و سخت، و لباسی نباید پوشید جز لباس خشن، همانند امیرالمؤمنین علیه السلام و الا آن را با آتش معالجه خواهند کرد».

والحمد لله رب العالمين

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

ص: ۱۶۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

